

هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه / ۲۴ تیر - ۱۴۰۰ / ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱

بها: ۲,۵ دلار / در مونتreal و اتاوا رایگان

۶۴۰

www.hafteh.ca

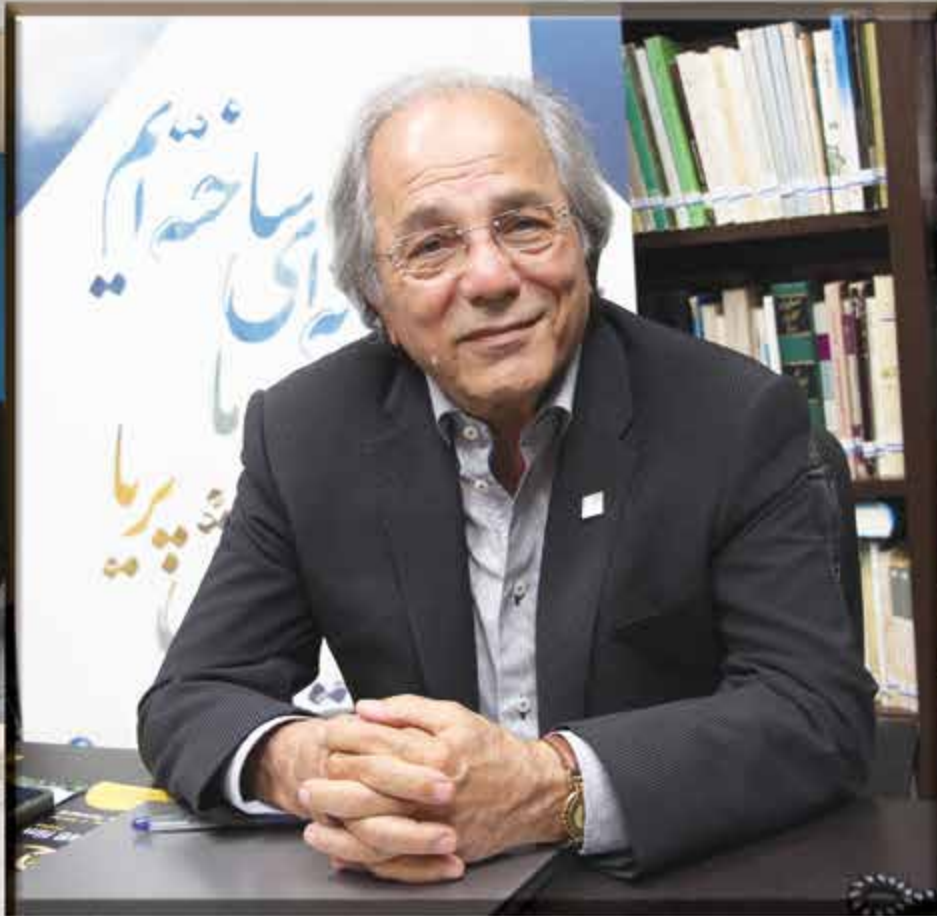
گفت‌وگوی هفته با یکی از چهره‌های

تاثیرگذار باهمستان ایرانی در کانادا

Parya Trillium



بنیاد پریا



کنگره ایرانیان به بیراهه رفته است

احمد تبریزی، از همراهی با چریک فدایی حمید اشرف تا تاسیس پریا

We all want to know more about COVID-19 vaccination



WHY SHOULD I GET VACCINATED?

It protects against COVID-19 and helps you to avoid becoming sick. Even if many people recover without being treated, some may die from COVID-19 or suffer heart or lung problems like pneumonia. The nervous system can also be affected.

Let's continue to protect ourselves!

Over the coming months, as long as the great majority of the population is not yet vaccinated, COVID-19 will remain.



Keep your distance



Cover your face



Cough into your sleeve



Wash your hands

[Québec.ca/COVIDvaccine](https://quebec.ca/COVIDvaccine)

1 877 644-4545

30-275-33A



دکتر شریف

دکتر البزال

دکتر مهرنوش

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Mehrnoosh

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪


بیماران جدید ۱۰٪


Montreal

 (514) 731 1443

 5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montreal, QC, H3T 1Y6

 Clinique.Dentaire.Soleil


 www.cliniquedentairesoleil.com

 info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

 (450) 926 2622

 7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

 info@cliniquedentaire

soleil-brossard.com


مهاجرین عزیز

آیا می‌دانید که خریداران نیازی
به پرداخت پورسانت ندارند؟

قصد خرید خانه یا آپارتمان دارید؟
می‌خواهید ملک خود را بفروشید یا قصد سرمایه‌گذاری دارید؟
در تمام مراحل خرید یا فروش همراه شما هستیم.
با ۱۵ سال سابقه در امور مشاوره املاک
و ۳۰ سال سابقه در زمینه ساختمان

مشاوره رایگان و حضوری ۷ روز هفته

514 969 2492

 بیش فروش آپارتمان در بهترین نقطه Downtown

 خانه‌های اجاره‌ای در West Island



فکین خاکسار - نادر خاکسار

مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری





ZAGROS
AMEUBLEMENT Inc

مبلمان زاگرس

انواع مبلمان ، میز غذاخوری
فرش های دستباف و ماشینی
لوازم برقی و کولر
سرویس خواب



We Design Your Home **More Beautiful**

(514) 559 6020 
6476 Jean Talon E 
info@zagrosmtl.ca 

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون در آمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton

فیروز همتیان

مشاور املاک مسکونی و تجاری

با ۳۸ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۸ سال تخصص در مشاوره املاک

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



ارزیابی رایگان

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315
fhemaatiyan@sutton.com
9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

Firouz Hemmatiyani
Courtier Immobilier Agréé
Certified Real Estate Broker



گفت و گو: آرش محبی

عکس‌ها: آذر فرامرزی

کنگره ایرانیان به بیراهه رفته است

گفت و گوی هفته با یکی از چهره‌های تاثیرگذار

باهمستان ایرانی

احمد تبریزی، از همراهی با چریک فدایی حمید

اشرف تا تاسیس پریا



معصومه علی‌محمدی

مهاجرت کارگران ساده به کانادا با کدام برنامه

مهاجرتی ممکن است؟

گفت و گو

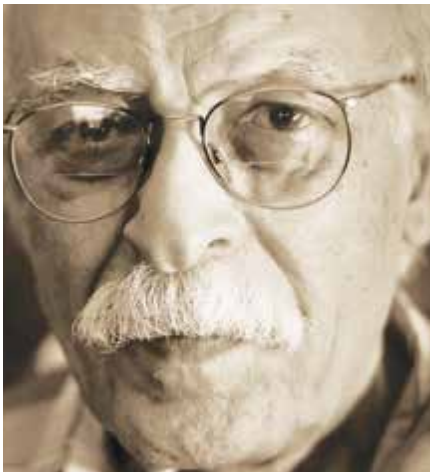
سیمین افشار مقدم

خبرهای خوب برای مهاجران در

ان.دی. جی مونترال

با مینا سان‌احمدی، مشاور مرکز همیاری مهاجران

در NDG



کریم زینانی

داستان

عشق ... دار ... آتش، و ...

قسمت دوم و پایانی

تازه‌های کتاب: یاسمن حسنی

تازه‌های کتاب در ایران و کانادا: «به وقت پازولینی»

و «Le Choc de Carnac»

شعر از خوانندگان: میرزا محمد عابدی

جغرافیای ادبیات یک سرزمین کهن: ای غزنه!

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۴۰

پنج‌شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۰ / ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱

بها: ۲/۵ دلار / در مونترال و اتاوا رایگان

ناشر: مجله‌ی هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مروخام

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

■ برداشت مطلب با ذکر مآخذ آزاد است.

■ لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.

■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

■ نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.

■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.

■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

دانشجویی: ۶۰ دلار

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

■ www.hafteh.ca

■ info@hafteh.ca

■ news@hafteh.ca

■ ad@hafteh.ca

■ ISSN1918-4379HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:

پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ

پنجشنبه ۸ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر



گزارش: نرگس هاشمی
یک روز گردش در چهل ستون سبز کابل

گفت‌وگو: حبیب عثمان
نگاه چند دانشجوی افغان تبار درباره تبعیض در کانادا

گزارش: حبیب عثمان
بهار فصل شکوفایی یا بت خانه بت پرستان؟

۵۶ دانش، سلامتی و حقوق

از خوانندگان: شایسته الهامی
فراخوان برای صلح

سلامت روان: الهام گرامی، دکترای روانشناسی
عناصر مهم تصمیم‌گیری مناسب کدامند؟

حقوق: نیوشا ریاحی
فراوندهای پیشگیری و حل اختلاف

۶۸ خانواده و سرگرمی

مهسا عباس پور
آشپزی این هفته: مربا آلبالو
خاطره تحویل‌داری یکتا
سخن ستارگان، برای تفنن

هفته
خانواده و سرگرمی



احمد زیدآبادی
مرگ اصلاحات در ایران؟

آرسام ارانی
ائتلاف عموزاده‌های اسلام‌گرا
ایران و طالبان چه می‌خواهند؟

اقتصاد: آرمین آریان‌پور
سخت‌گیری‌های سازمان وام و مسکن کانادا،
تلاشی بی‌ثمر



فرنگیس شکیبا
عیسی کلانتری و جهانگیری باید
محاكمه شوند

اولین روایت از داخل اتوبوس مرگ خبرنگاران
گفت‌وگوی اختصاصی هفته با زینب رحیمی



روایتی که می‌خوانید ماجرای واژگونی اتوبوس از زبان اوست؛ از
معدود خبرنگارانی که حاضر به صحبت درباره‌ی این واقعه شدند.
در این مصاحبه او بارها بغض کرد، ساکت شد و گریست اما تکرار
کرد که پای خون همکارانش می‌ایستد و نمی‌گذارد حق پایمال شود.

ادبیات: فرشید سادات شریفی و یاسمن حسنی
سلامتی: دکتر فائده ابراهیمی و الهام گرامی
حقوق: نیوشا ریاحی
فرهنگ و جامعه:
اقتصاد: آرمین آریان‌پور
بخش دانشجویی: عباس محرابیان
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده و نگاره
پرورنده
وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

سردبیر: خسرو شمیرانی
ویراستار: تیم ویراستاری هفته
طراح و صفحه‌آرا: نیکروز سلطان‌آبادی
کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته
اخبار یا همستان: گروه خبرهای محلی
آریانا: نرگس هاشمی، حبیب عثمان و عبدالهادی تپاند
مهاجرت: معصومه علی‌محمدی و نویده احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: یاسمن حسنی، کریم زبانی، جمیله هاشمی



شمع افروزان روزهای تاریک فریب از جنس رضا کیانیان و زینب رحیمی

«آقای نمکی این جا مرز ایران و ارمنستان است! اوضاع درمان در مملکت ما با وزارت شما چقدر با نمک شده است. البته شما که مشکلی ندارید! دوستان شما هم هر روز از واکسن جدیدی رونمایی می کنند که معلوم نیست چقدر از بودجه مملکت را هزینه کرده اند! البته شنیدم یکی دوتاشون داره جواب می ده.

راستی سنگ پای قزوین را می شناسید؟ بالا دستی های شما چه طور؟ این که مردم ایران برای واکسیناسون داوطلبانه به ارمنستان و امارات می روند، برای شما و هم قطارانتان که بد نیست. از هر مسافر یک میلیون تومان خروجی! می گیرید.

واکسنش هم مجانی در میاد. و از همه مهم تر این خارش سندرم «ما از همه دنیا جلودتریم» تان هم تسکین می یابد. چون در این زمینه واقعا از همه جلودترید. هم واکسن نمی زنید. هم از هر کس می خواهد واکسن بزند یک میلیون تومان می گیرید و مهم تر از همه به همه دنیا ثابت می کنید می شود واکسن نزد و زنده ماند.

اینجاست که سنگ پای قزوین از رو می رود و پودر می شود. راستی تازه چه خبر؟ واکسن جدیدی را نمی خواهید رونمایی کنید؟ درب قابلمه تازه ای برای تشخیص ویروس ساخته اید؟ راستی نمکدانتان را پُر کنید. چون زخم های زیادی دهان باز کرده اند.»

به «زینب رحیمی» ها و «رضا کیانیان» ها درود می فرستم و می دانم که آنها هستی خود را به خطر می اندازند تا شمع از آگاهی در برابر تاریکی جهل شریعتمداران روشن کنند.

همدستان اینها اما به قول همکارم، آقای آرسام ارانی، «عموزاده ها اسلامگرای ایرانی» هستند، لشکریان شریعتمداران فریب کار کیهان و جنتی های جهنمی نگهبان نظام جهل و دروغ. همان ها که بی لیاقتی شان هر روز جان انسان های بیشتری را قربانی ویروس کرونا، قطعی برق و بی آبی و سیل و طوفان ریزگرد و ... می کند.

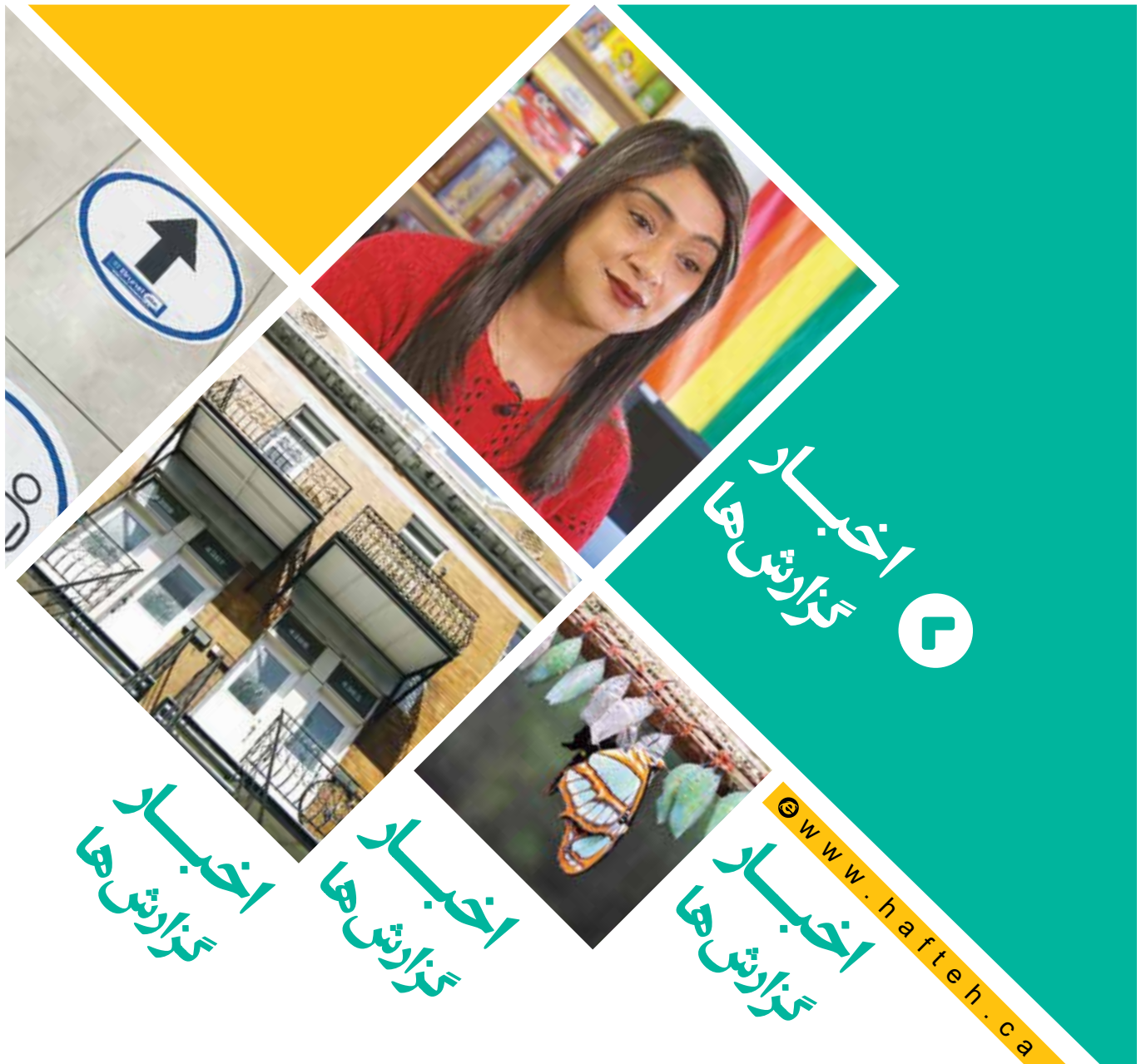
فاجعه اتوبوس خبرنگاران محیط زیستی که در هفته های گذشته زخم تازه ای بر پیکر مجروح و بیمار جامعه ما افزوده است قله دیگری از رشته بی لیاقتی های مدیران مملکتی ست که اکثریت قریب به اتفاق شهروندان را از دور تصمیم گیری خارج کرده و مدعی است که گروه فاسد و بی لیاقت «خودی» هایش می تواند نه ایران که جهان را نیز «مدیریت» کند.

مصاحبه خانم زینب رحیمی که در همین شماره «هفته» منتشر شده نمونه ای از شهامت قابل ستایش یک روزنامه نگار جوان است که نمی خواهد در این روزهای پردروغ خاموش بنشیند تا شریعتمداران ضدانسان مونوپل سخن را با عوام فریبی های خود در دست داشته باشند. در سوی دیگر میدان پرفریب سیاست در ایران هیزم کشان شیطان در وقاحت کم نظیری گوی رقابت را از خود شیطان ربوده اند. وزیر دروغ گوی بهداشت و دستیارانش هر روز چنان بیشمرانه دروغ می گویند و مردم می فریبند که انگار قرار است تا ابد پرده تاریک جهل آنها را از آگاهی مردمان مصون نگه دارد.

نوشته کوتاه رضا کیانیان، این سینماگر مردمی را با دلی پردرد خواندم و شجاعت او را ستودم. رضا کیانیان با درج تصویری از انبوه جمعیت ایرانیان در مرز ارمنستان در توثیق خود نوشته است:



به ایران و افغانستان می اندیشم و درد در تار و پود وجودم می نشیند. تصور اوضاع جاری این درد را دوچندان می کند و بغض راه گلویم را می بندد. در افغانستان عزیز جنگجویان طالبان با سرعتی باورنکردنی سراسر افغانستان عزیز را تسخیر می کنند و نشان می دهند که دروغ بزرگ ناتو و شرکا جز ده ها هزار جان انسانی، و آوارگی ها و فلاکت های بی شمار برای مردم افغانستان، و تریلیون ها دلار هزینه برای مردم آمریکا، دستاورد دیگری نداشته است. امروز دوباره گروهی جاهل و افسارگسیخته در راه هستند تا زنان و دختران بلخ و هرات و کابل و غزنه و قندهار را به زیر شلاق جنون خود بکشند و پسر بچه های نارس را در تارنکبوت جهل خود گرفتار کنند.



اخبار
گزارش‌ها

اخبار
گزارش‌ها

اخبار
گزارش‌ها

اخبار
گزارش‌ها

www.hafteh.ca



DAVID BERGER
 Avocat - Attorney
 Immigration-Refugees-Citizenship

دیوید برگر
 پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفیر سابق کانادا
 عضو کانون وکلای کبک، مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- ✦ تقاضای اقامت موقت و دائم، شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- ✦ تقاضای مهاجرت از طریق برنامه‌های تجاری و انسان‌دوستانه
- ✦ تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست‌های پناهندگی
- ✦ بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- ✦ توجه خاص به نیازهای حقوقی مراجعه‌کننده

Tel: 514-284-1157

www.cilaw.ca

david.berger@cilaw.ca

1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8

استفاده از پاسپورت واکسن در کبک از اول سپتامبر

سالن‌های ورزشی یا نمایش احتمالا به داشتن پاسپورت واکسن منوط خواهد شد. آقای دوبه تاکید کرد: «استفاده از پاسپورت واکسن تنها زمانی آغاز خواهد شد که همه افراد امکان دریافت دو دوز را داشته‌اند. بنابراین توسل به این تدبیر زودتر از اول سپتامبر امکان‌پذیر نخواهد بود.» این گواهی واکسن به شکل یک «کیو آر کد» خواهد بود که از طریق الکترونیک برای افراد کاملا واکسینه شده ارسال خواهد شد. فرانسوا لوگو وزیر اول کبک نیز با انتشار پیامی توثیقی تاکید کرد به هیچ وجه قصد نداریم ساکنان کبک را که سال گذشته برای مقابله با پاندمی تلاش‌ها و فداکاری‌های زیادی کردند، بار دیگر در قرنطینه سراسری قرار دهیم.

منطقه از استان ایجاب کند، این گواهی صادر و استفاده خواهد شد و داشتن آن به افراد کاملا واکسینه شده امکان دسترسی به کلیه خدمات را خواهد داد. آقای دوبه خاطر نشان ساخت تا سپتامبر آینده قطعا همه شهروندان فرصت واکسینه کردن خود را خواهند داشت. از آن پس راهبرد کبک مطابق با شرایط و با توجه به واکسیناسیون سراسری تنظیم خواهد شد و استفاده از پاسپورت واکسن موضوع مهمی است که در آن مد نظر قرار خواهد گرفت.

وزیر بهداشت کبک تصریح کرد حتی در صورت استفاده از پاسپورت واکسن، در ارائه خدمات اساسی به شهروندان اعم از واکسینه شده یا نشده تغییری ایجاد نخواهد شد و فقط برخی فعالیت‌ها و خدمات غیرضروری مثل ورود به



کریستیان دوبه وزیر بهداشت کبک اعلام کرد احتمالا از اول سپتامبر آینده استفاده از پاسپورت واکسن آغاز خواهد شد

به گزارش هفته به نقل از رادیو کانادا، دولت کبک از اول سپتامبر آینده برای افرادی که دو دوز واکسن کووید ۱۹ را تزریق کرده‌اند، گواهی واکسن صادر خواهد کرد تا در صورت شکل‌گیری موج چهارم بیماری در فصل پائیز از قرنطینه سراسری استان جلوگیری شود.

این خبر را کریستیان دوبه وزیر بهداشت کبک روز پنج‌شنبه ۸ ژوئیه در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام و تصریح کرد در صورتی که شرایط همه‌گیری در یک بخش اقتصادی یا یک

برگزاری نشست‌های مقابله با اسلام‌هراسی و یهودی‌ستیزی در کانادا

پیش‌بینی شده است. همان روز که این طرح تصویب شد، دولت کانادا اعلام کرد نشست مشابهی نیز با موضوع مقابله با یهودی‌ستیزی برگزار خواهد شد. در این نشست که طبق اعلام اتاوا ۲۱ ژوئیه برگزار خواهد شد، ایروین کولتر Irwin Cotler وزیر پیشین دادگستری که در حال حاضر به عنوان فرستاده ویژه دولت کانادا در زمینه حفظ خاطره هلوکاست و مقابله با یهودی‌ستیزی فعالیت می‌کند، شرکت خواهد کرد. رهبران جوامع، مقامات سیاسی، اجتماعی، دانشگاهی و فعالان مدنی در این دو نشست حضور خواهند داشت.

Bardish Chagger وزیر تنوع، شمول و جوانان کانادا در گفت‌وگو با رسانه‌ها این خبر را اعلام کرد و گفت: «دولت باید حرف‌ها و مطالبات جمعی را که به طور مستقیم تحت تاثیر پدیده نژادپرستی قرار گرفته‌اند، به دقت گوش دهد.»

ژوئن امسال در پی حمله مرگبار یک راننده به اعضای یک خانواده مسلمان در شهر لندن انتاریو که به قیمت جان چهار عضو این خانواده تمام شد و موجی از تاتر در سرتاسر کانادا برانگیخت، نمایندگان پارلمان کانادا به اتفاق آرا طرحی را تصویب کردند که در آن برگزاری نشست ملی با موضوع اسلام‌هراسی



باردیش چاگر Bardish Chagger وزیر تنوع، شمول و جوانان کانادا

دولت فدرال کانادا روز جمعه ۸ ژوئیه اعلام کرد دو نشست فوق‌العاده سران با موضوع مقابله با اسلام‌هراسی و یهودی‌ستیزی به ترتیب روزهای ۲۱ و ۲۲ ژوئیه برگزار خواهند شد. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، باردیش چاگر

افزایش سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بخش املاک مونترال

در مونترال شاهد تغییراتی آشکار بوده ایم چرا که شمار خریداران فرانسوی و آمریکایی کاهش یافته و شمار چینی‌ها به شدت افزایش پیدا کرده است. پدیده جدید دیگری که در بازار املاک مونترال شاهد آن هستیم افزایش خرید ملک توسط اتباع عربستان سعودی است. در این میان علاقه سرمایه‌گذاران بین‌المللی به املاک مناطق مرکزی مونترال افزایش یافته است و در این عرصه نیز خریداران چینی گوی سبقت را از دیگر ملیت‌ها برده‌اند. با توجه به تدابیری که به منظور محدود کردن خرید ملک توسط اتباع خارجی در ونکوور و تورنتو به اجرا گذاشته شده است، بسیاری از خریداران خارجی به مونترال روی آورده‌اند.

در می‌آورند. طی یک سال گذشته شمار چینی‌هایی که در مونترال اقدام به خرید ملک کرده‌اند، افزایشی ملموس داشته است.

به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونریال، طبق اطلاعاتی که JLR Solutions foncières منتشر کرده است، در سال ۲۰۱۹ اتباع چینی ۰.۷ درصد کلیه معاملات املاک در کلانشهر مونترال را به خود اختصاص دادند اما این رقم در سال ۲۰۲۰ به ۱.۶ درصد رسید و سپس در پنج ماه ابتدایی امسال ۴۳ درصد افزایش یافت. در سال‌های اخیر در رابطه با درصد خریداران خارجی ملک در کلانشهر مونترال یک ثبات نسبی وجود داشته است اما ژوانی فونتن Joanie Fontaine اقتصاددان JLR می‌گوید: «این اواخر در ملیت خریداران خارجی ملک



چینی‌ها به شکلی نامحسوس در حال تصرف مونترال هستند.

شمار چینی‌هایی که در کلان شهر مونترال صاحب خانه و املاک می‌شوند، روز به روز افزایش می‌یابد. چینی‌ها چه در قالب سرمایه‌گذاری و چه خرید خانه، هر سال املاک بیشتری را در کلان شهر مونترال به تملک خود

ترودو: گردشگران واکسینه نشده، امکان ورود به کانادا را ندارند

فقط با بازگشایی مرزها و اجازه ورود دوباره گردشگران به کشور است که می‌توان از تپاه شدن یک فصل گردشگری دیگر و وخامت بیشتر این صنعت در کشور جلوگیری کرد.

انجمن هتل‌های کانادا نیز به نوبه خود با انتشار بیانیه‌ای تاکید کرد ماه‌های ژوئیه تا سپتامبر برای صنعت گردشگری کشور از اهمیت تعیین کننده‌ای برخوردار است و ۸۰ درصد از درآمدهای سالانه بخش گردشگری کشور مربوط به همین دوره است.

سوزی گرینول Susie Grynol مدیر عامل انجمن هتل‌های کانادا اعلام کرد: «وقت زیادی نداریم. کوتاه کردن این دوره، شانس بقای بسیاری از کسب و کارهایی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به صنعت گردشگری وابسته هستند، کاهش خواهد داد.»

کانادا چند روز پیش برخی مقررات محدودکننده سفر را تعدیل کرد. به عنوان مثال شهروندان کانادایی یا دارندگان اقامت دائم کانادا که به طور کامل خود را واکسینه کرده‌اند، در بدو ورود به کانادا دیگر ملزم به رعایت قرنطینه دو هفته‌ای نخواهند بود.

با این حال گردشگرانی که خود را به طور کامل قرنطینه کرده‌اند، هنوز اجازه ورود به کشور را ندارند اما طبق اعلام دولت ممکن است این ممنوعیت در آینده‌ای نزدیک برداشته شود.

همچنین طبق اعلام دولت فدرال، محدودیت‌های سفر بین کانادا و آمریکا دست کم تا ۲۱ ژوئیه برقرار خواهد بود.

مسئولان صنعت گردشگری کانادا از ادامه وضعیت فعلی و بسته ماندن مرزها ابراز نارضایتی می‌کنند. آنها معتقدند



جاستین ترودو نخست وزیر کانادا روز پنجشنبه ۸ ژوئیه تاکید کرد گردشگرانی که خود را در برابر کووید ۱۹ واکسینه نکرده‌اند، به این زودی‌ها اجازه ورود به کانادا را نخواهند داشت.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، ترودو که در کنفرانسی مطبوعاتی در شهر کوکیتلام Coquitlam استان بریتیش کلمبیا سخن می‌گفت، تصریح کرد: «ما هنوز به طور کامل پاندمی را پشت سر گذاشته‌ایم بنابراین باید محتاط و هوشیار باشیم.»

بی استفاده ماندن ۸۷ درصد تست‌های سریع کرونا در کانادا

بیهوده بود. روکسانا بورگس دا سیلوا، استاد دانشکده سلامت عمومی دانشگاه مونترال نیز ضمن ابراز تاسف از هزینه‌های بی‌حاصل اتاوا در این زمینه گفت: «چقدر غم انگیز است که بیستمین میلیون‌ها تست سریع کووید ۱۹ بلااستفاده در انبارها مانده‌اند.»

کبک از جمله استان‌های کانادا است که کمترین استفاده را از تست‌های کووید ۱۹ داشته است.

در میان استان‌های کانادا انتاریو بیشترین تعداد تست‌های سریع کووید ۱۹ (بیش از ۱۲ میلیون) را از اتاوا دریافت کرد. انتاریو از این تعداد تست، کمی بیش از ۴ میلیون تا از آن‌ها را استفاده کرد. کبک نزدیک به ۵ میلیون تست سریع از اتاوا دریافت کرد و کمتر از ۲۰۰ هزار تا از آن‌ها را استفاده کرد.

کووید ۱۹ و توزیع آن در میان استان‌ها و سرزمین‌های مختلف کشور نه تنها کوتاهی نکرد بلکه کاملا سخاوتمندانه عمل کرد.

طبق اعلام اداره خدمات عمومی و تدارکات کانادا، اتاوا از آغاز اپیدمی برای تهیه این تست‌ها ۹۲۴ میلیون دلار هزینه کرد اما آن طور که انتظار می‌رفت از این تست‌ها برای غربالگری و شناسایی موارد ابتلا به کووید ۱۹ استفاده نشد.

طبق اعلام بهداشت عمومی کانادا از کل تست‌های سریع کووید ۱۹ که اتاوا تهیه کرد، فقط ۱۳.۴ درصد آن‌ها استفاده شد و بقیه همچنان در انبارها خاک می‌خورند. ریشار مارشاند، میکروپ شناس و متخصص بیماری‌های عفونی موسسه قلب مونترال می‌گوید: «سرمایه‌گذاری تقریباً یک میلیارد دلاری دولت فدرال در این زمینه



برخی کارشناسان می‌گویند با استفاده از تست‌های سریع غربالگری کووید ۱۹ این امکان وجود داشت که ورزشگاه پر از تماشاچی شود اما کبک فقط ۴ درصد از تست‌هایی را که در اختیار داشت، استفاده کرد.

تست‌های سریع کووید ۱۹ که استان‌های کانادا به شکلی بسیار محدود از آن‌ها استفاده کردند، ۹۲۴ میلیون دلار برای اتاوا آب خورد.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، دولت فدرال جاستین ترودو برای تهیه ۴۳ میلیون تست سریع

فاصله گذاری اجتماعی در کبک به یک متر کاهش یافت

وجود نخواهد داشت اما منوط به این که صاحب مغازه درباره رعایت فاصله فیزیکی یک متری میان مشتریانی که آدرس‌های متفاوتی دارند، اطمینان داشته باشد.

در سالن‌های اجتماعات و سخنرانی‌ها چه در فضای باز و چه سرپوشیده، لازم است که همچنان بین افرادی که محل زندگی آن‌ها مشترک نیست، یک صندلی خالی وجود داشته باشد. در فضاهای مشترک این امکان نیز رعایت فاصله یک متری الزامی است.

در عین حال وزارت بهداشت کبک تاکید کرد که استفاده از ماسک در اماکن عمومی مثل مغازه‌ها همچنان الزامی خواهد بود.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، در همین راستا از نیمه شب دوشنبه آینده (۱۲ ژوئیه) فاصله‌گذاری فیزیکی چه در فضاهای داخلی و چه بیرونی میان افرادی که نشانی محل سکونت آن‌ها متفاوت است، از دو متر به یک متر کاهش یافت. با این حال وزارت بهداشت و خدمات اجتماعی کبک در بیانیه خود تاکید کرد فاصله دو متری در خصوص برخی فعالیت‌های با شدت بالا مثل سالن‌های بدنسازی و همچنین سالن‌های موسیقی و آواز همچنان الزامی خواهد بود. محدودیت تعداد افراد مجاز در فروشگاه‌ها نیز برداشته خواهد شد. از دوشنبه آینده در مغازه‌ها محدودیت تعداد مشتریان



از دوشنبه آینده فاصله‌گذاری فیزیکی بین دو نفر با آدرس‌های مختلف در استان کبک از دو متر به یک متر کاهش می‌یابد

وزارت بهداشت و خدمات اجتماعی استان در بیانیه‌ای اعلام کرد با توجه به بهبود شرایط بهداشتی در استان و کاهش شمار موارد جدید ابتلا به کووید ۱۹، برخی تدابیر و محدودیت‌های بهداشتی تعدیل می‌شود.

اطلاع‌رسانی درباره واکسیناسیون کوید ۱۹ در نشست مجله هفته

گفتنی است، هدف از اجرای این برنامه اعلام آخرین وضعیت واکسیناسیون در کبک و مونترال و به‌طور خاص در میان جامعه ایرانی و افغان است. همچنین به دلیل بروز یکسری حواشی و مقاومت در برابر تزریق واکسن در برخی جوامع، در این زمینه نیز سخنرانان آگاهی‌بخشی خواهند کرد.

Zoom-ID: 6236542397

Zoom-PW: 642825

وقت شرق کانادا توسط پزشکان ایرانی شاغل در اداره بهداشت مونترال (Santé Publique) اجرا می‌شود. در این نشست که به صورت پرسش و پاسخ برگزار خواهد شد آقایان دکتر سیدمهدی صدیقی و دکتر صادق عبدالمحمدی سخنرانی می‌کنند. این برنامه در پلاتفرم زوم انجام می‌شود که لینک ورود به برنامه و جزئیات بیشتر در کانال هفته به نشانی @haftehmontreal اعلام می‌شود.



مجله هفته نشست را با موضوع آگاهی و اطلاع‌رسانی پیرامون واکسیناسیون کوید ۱۹ برگزار می‌کند. این برنامه روز شنبه ۱۷ جولای ۲۰۲۱ ساعت ۱۵ به

دوره‌می به مناسبت ۱۰۰ سالگی داستان یکی بود یکی نبود

و آنان را با داستان مدرن آشنا کرده است. طبق این اعلام «به همین سبب و در آستانه صدمین سالگرد نشر این اثر ماندگار، میسا و سماک در برنامه مشترک دیگری به سراغ این مجموعه می‌روند.» این برنامه روز پنجشنبه ۱۵ جولای ۲۰۲۱ ساعت ۱۹ تا ۲۱ به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود. برای دسترسی به لینک ورود به برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی @haftehmontreal مراجعه کنید.

انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مک‌گیل (میسا) و گروه علمی آموزشی «سماک» در آستانه صدمین سالگرد نشر مجموعه «یکی بود یکی نبود» برنامه‌ای را به بررسی این اثر اختصاص داده‌اند. در اطلاعیه این نشست آمده است: «مجموعه کوتاه و خاطره‌انگیز «یکی بود یکی نبود» نه تنها با داستان‌هایی همچون «کباب‌غاز» و «فارسی شکر است» در ذهن‌ها ماندگار شده که بر بسیاری از داستان‌نویسان معاصر نیز تأثیری شگرف گذاشته



هشتگ پنج‌شنبه‌های بومیان برنامه‌ای جدید از گروه «سماک»

دولت فدرال می‌خواهیم با همکاری سازمان‌های ملی بومیان، در مورد اطلاعاتی که به نومه‌اجران عرضه می‌کند و همچنین مفاد «آزمون شهروندی» تجدید نظر کند تا تاریخ جامع‌تری درباره افراد متنوع بومی کانادا، از جمله به‌ویژه در مورد اطلاعات مربوط به «معاهدات بومیان» و «تاریخچه مدارس اجباری». بند ۹۴: ما از دولت کانادا می‌خواهیم که «سوگندهای شهروندی» را با این موارد تکمیل یا جایگزین کند: سوگند می‌خورم (یا تأیید می‌کنم) وفادار خواهم بود و به علیاحضرت ملکه‌الیزابت دوم، ملکه کانادا، وراثت و جانشینان وی وفاداری واقعی خواهم داشت؛ و اینکه من صادقانه قوانین کانادا، از جمله «معاهدات با مردم بومی» را به رسمیت شناخته و مفاد آن را به‌عنوان وظیفه خود در جایگاه یک شهروند کانادا انجام خواهم داد.»

دانشتنی‌های تازه و اخبار اختصاصی در خدمت فارسی‌دانان، فارسی‌گویان و فارسی‌زبان باشیم.» این گروه در ادامه نوشته است: «مبنا و راهنمای ما در مسیر پیگیری این پویش، سند «کمیسسیون حقیقت‌یابی و آشتی» است که در دو بند پایانی خود بر ضرورت آگاه‌سازی نومه‌اجران تأکیدی ویژه دارد.» طبق این اطلاعیه «شما هم دعوتید برای شناخت بهتر و واقعی‌تر کانادا و تاریخش با ما همراه باشید تا همه باهم در «سفر یادگیری» بیاموزیم و غنی شویم. اگر مایل به کمک داوطلبانه به این سفر آگاهی هستید به @Samaak_MTL در تلگرام پیام دهید.» در اجرای این برنامه در هفته نخست، گروه سماک نوشته است: «بندهای ۹۳ و ۹۴ از سند «کمیسسیون حقیقت‌یابی و آشتی» بومیان کانادا درباره نومه‌اجران چه می‌گوید؟ بند ۹۳: ما از



گروه «علمی آموزشی سماک» با اعلام هشتگ «پنج‌شنبه‌های بومیان» قصد دارد هر پنج‌شنبه اخبار و دانشتنی‌هایی را با مخاطبان در مورد بومیان کانادا به اشتراک بگذارد. در اطلاعیه این برنامه آمده است: «به یاری یزدان علاوه بر باز نشر مطالب مفیدی که پیش‌تر با همکاران و دوستان‌مان در تولید آن‌ها نقشی داشته‌ایم می‌کوشیم با

کارگاه دیجیتال مارکتینگ از اصول اولیه تا تاکتیک‌های جذب فالوئر

اولیه بازاریابی، ویژگی‌های کانال‌های بازاریابی دیجیتال مثل وبسایت، شبکه‌های اجتماعی و ایمیل و مقدمات تجارت الکترونیک آشنا می‌شوند. همچنین افراد یاد می‌گیرند چطور یک برنامه بازاریابی را شکل دهند، اجرا کنند و موفقیت آن را اندازه‌گیری کنند.»

گفتنی است؛ برخی از سرفصل‌های این دوره شامل اصول بازاریابی دیجیتال، تحقیقات بازار، بازاریابی درون‌گرا، تعیین هدف، استراتژی و بودجه، ابزارهای دیجیتال مارکتینگ، شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، فیس‌بوک، گوگل، تاکتیک‌های جذب فالوئر و بازاریابی محتوایی است. برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام با شماره‌تلفن ۶۴۷۸۹۰۳۰۰۶ تماس بگیرید.

بی‌بی‌سی فارسی برگزار می‌شود. هزینه کارگاه ۱۵۰ دلار است که خوانندگان «هفته» از ۲۰ درصد تخفیف، معادل ۱۲۰ دلار، بهره‌مند خواهند شد. این دوره در روزهای شنبه ۱۷ و ۲۴ جولای ۲۰۲۱ ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه تا ۱۳ به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود.

در اطلاعیه این کارگاه آمده است: «این کارگاه برای افرادی طراحی شده که اغلب کسب‌وکاری تک‌نفره یا کوچک دارند مانند مشاوران املاک، کارشناسان مالی و بیمه، وکلا، آژانس‌های مسافرتی، مراکز زیبایی، صاحبان فروشگاه‌ها و... همچنین افرادی که می‌خواهند از ابزار بازاریابی دیجیتال برای توسعه کسب‌وکارشان استفاده کنند.» طبق این اعلام «شرکت‌کنندگان در کلاس با اصول



شبکه آموزشی کاریز یک کارگاه فشرده دیجیتال مارکتینگ برگزار می‌کند. این کارگاه توسط آقای برمک بهره‌مند، مدرس دیجیتال مارکتینگ و یکی از سردبیران سابق

تماشای رابطه هنر، اجتماع و تاب‌آوری در آثار هنری یک نمایشگاه

Project ۱۴۰۰ قابل بازدید است. برای دسترسی به صفحات شبکه‌های اجتماعی کنگره ایرانیان کانادا به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal@ مراجعه کنید. طبق این اعلام «این نمایشگاه مجموعه‌ای جالب و دیدنی از آثار هنری هنرمندان ایرانی-کانادایی و همچنین هنرمندانی است که در ایران زندگی می‌کنند. همه شما را دعوت می‌کنیم از هنرمندان ایرانی شرکت‌کننده، با حضور پررنگ خود برای بازدید، به اشتراک‌گذاری و توجه ویژه به آثارشان، حمایت کنید و مشوق این هنرمندان باشید.»

پایان جولای ۲۰۲۱ به‌صورت آنلاین دایر است و افراد می‌توانند ضمن تماشای آثار با هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه آشنا شوند. موضوع این نمایشگاه مجازی کشف رابطه هنر، اجتماع و تاب‌آوری است.» در ادامه نوشته شده است: «هدف ما این است که از این طریق نشان دهیم چگونه در زمان مواجهه با بحران‌های جمعی یا فردی مانند شیوع کووید-۱۹، برای ایجاد مقاومت در مردم می‌توان به هنر متوسل شد. این نمایشگاه از طریق صفحه‌های کنگره ایرانیان کانادا در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «ویژه نمایشگاه‌های Art



کمیته سلامت کنگره ایرانیان کانادا از همه دعوت کرده است تا از مرحله دوم نمایشگاه پروژه هنری ۱۴۰۰ با عنوان مقاومت‌سازی جامعه بازدید کنند. در این اطلاعیه آمده است: «این نمایشگاه از اول تا

گرامی‌داشت روز کانادا به زبان فرانسه با یک فنجان قهوه

سازمان پند از برگزاری جلسه‌ای به زبان فرانسه با عنوان «اُکانادا» برای گرامی‌داشت روز کانادا خبر داده است. در اطلاعیه این برنامه آمده است: «روز کانادا را به غیر از زبان زیبای فارسی هم گرامی می‌داریم. این جلسه با حضور بهناز کریمی، مدرس فرانسه، به همین زبان برگزار می‌شود. قرار است در این برنامه شرکت‌کنندگان مطالب

جالب خود را در این مورد با یکدیگر به اشتراک بگذارند.» در ادامه آمده است: «روز پنج‌شنبه ۱۵ جولای ۲۰۲۱ ساعت ۲۰ به وقت شرق کانادا با فنجان قهوه خود همراه ما باشید و گرمای این جلسه را بیشتر کنید.» برای کسب اطلاعات بیشتر به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal@ مراجعه کنید.



آغاز ثبت نام واکسیناسیون افراد ۱۲ تا ۱۷ سال در یک کلینیک

دستورالعمل اداره بهداشت، فایزر خواهد بود. توجه داشته باشید که این روز صرفاً برای این گروه سنی در نظر گرفته شده و امکان واکسیناسیون والدین یا همراهان فراهم نیست. برای اطلاع از چگونگی ثبت نام در این کلینیک به کانال تلگرام هفته به نشانی @haftehmontreal مراجعه کنید.

کانون شکوفه‌های ایرانی اتاوا از ثبت نام واکسیناسیون افراد ۱۲ تا ۱۷ سال در یک کلینیک خبر داده است. این کانون نوشته است: «کلینیک Elisabeth-Bruyère COVID-19 Vaccination Clinic، روز شنبه ۱۷ جولای از ساعت ۹ صبح تا ۱۶ و ۳۰ دقیقه به وقت شرق کانادا را به واکسیناسیون این بازه سنی اختصاص داده است.» در ادامه آمده است: «واکسن مورد استفاده براساس



برنامه جدید باشگاه کتاب مونترال ویژه کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال

باشگاه کتاب در معرفی این گروه نوشته است: «بلندخوانی و قصه‌گویی موثرترین روش برای علاقه‌مند کردن کودکان به کتاب و ادبیات است. گسترش دایره واژگان فارسی، تقویت تمرکز و مهارت شنیدن، تقویت حافظه، درک مطلب، مهارت‌های پیش‌بینی کردن، خلاقیت، طرح پرسش، اندیشیدن و شهادت بیان نظر با خواندن کتاب، قصه، انجام بازی، فعالیت و گفت‌وگو با کودکان ممکن می‌شود.» در معرفی گروه‌ها هم آمده است: «گروه باران شامل کودکان زیر هفت سال، گروه آسمان شامل کودکان هفت تا ۹ سال، گروه دریا بازه کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال و گروه آفاق ویژه نوجوانان است.»

باشگاه کتاب کودک و نوجوان مونترال برنامه‌ای را برای کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال اجرا می‌کند. اگر کودکی در این بازه سنی دارید شما می‌توانید او را در نخستین جلسه گروه دریا ثبت نام کنید. زمان برنامه هم روز جمعه ۱۶ جولای ۲۰۲۱ از ساعت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه تا ۲۱ و ۱۵ دقیقه به وقت شرق کانادا است. طبق اطلاعیه این برنامه «قرار است در این برنامه کتاب افسانه وزغ آوازه‌خوان از کشور مکزیک به شکل قصه خوانده شود. تم این داستان آرزو و شانس است. در صورت تمایل برای حضور فرزند دلبندتون در این برنامه رایگان لطفاً به @mahsa_2137 در تلگرام پیام دهید.»



امکان سفارش آنلاین کتاب‌های فارسی در کاریز

شما اطلاع می‌دهیم و سپس در صورت تمایل می‌توانید سفارش خود را نهایی کنید. طبق این اعلام «کتاب‌ها به‌وسیله پست از ایران به آدرس شما در سراسر کانادا ارسال خواهد شد و بین چهار تا ۶ هفته به دست شما می‌رسند. در صورت هر گونه مشکل در ارسال کتاب‌ها مبلغ پرداختی به‌طور کامل بازگشت داده می‌شود.» براساس این اطلاعیه «قیمت کتاب با توجه به قیمت ریالی آن و نرخ دلار و هزینه ارسال کتاب‌ها با توجه به وزن آن مشخص می‌شود.» برای کسب اطلاعات بیشتر و سفارش کتاب به وبسایت کاریز به نشانی www.kariz.ca مراجعه کنید.

اگر اهل کتاب خواندن و کتاب هدیه دادن هستید شبکه آموزشی کاریز امکان سفارش آنلاین کتاب‌های فارسی را فراهم کرده است. در اطلاعیه این برنامه آمده است: «امکان سفارش تمام کتاب‌های موجود در ایران از طریق کاریز وجود دارد. شما می‌توانید کتاب‌های خود را با مراجعه به وبسایت ناشران یا سایت‌های معتبر فروش کتاب انتخاب کرده و در کاریز سفارش دهید.» در ادامه آمده است: «برای سفارش می‌توانید به‌صورت دایرکت در تلگرام و اینستاگرام یا در قسمت سفارش کتاب در وبسایت کاریز عنوان‌های کتاب مورد نیاز خود را (به‌همراه نام نویسنده یا ناشر) ثبت کنید. ما موجود بودن کتاب‌ها را چک کرده و هزینه کتاب و هزینه ارسال را به



استارت آپ گپ با حضور متخصصان و کارآفرینان

برای شروع یک کسب‌وکار موفق حتماً BP لازم است؟» در این برنامه که به‌زودی یکشنبه‌ها برگزار می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی @haftehmontreal مراجعه کنید.

کانون توحید مونترال قرار است استارت‌آپ گپ را با حضور جمعی از متخصصان و کارآفرینان برگزار کند. در اطلاعیه این کانون آمده است: «بهترین زمان برای شروع یک استارت‌آپ چه زمانی است؟ برای جذب سرمایه چه راه‌حلی وجود دارد؟ ایده‌ام را در ایران اجرا کنم یا در کانادا؟ با سرمایه خودم شروع کنم یا سرمایه‌گذار بگیرم؟



Ali Samadian

Real Estate Broker

ROYAL LEPAGE
PARTENAIRE

438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحد های آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت با من تماس بگیرید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمت تان هستیم

علی صمدیان
مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی

حامد ملکی

Hamed Maleki

- ✓ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ✓ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ✓ تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ
- ✓ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف

hamedmalekiestate
(514) 5571929

مشاور رسمی مسکن در استان کبک



Vendirect.ca

بهار ایزدی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER
BAHAR IZADI
REAL ESTATE ADVISOR

BUY
SALE
PRESALE



انتخاب خوب هنر است.

برای انتخاب هنرمندانه با من تماس بگیرید.
bahari@immontreal.com



514 651 48 26

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدزا



Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525

deL'Agence
L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency

پرونده
هفته

پرونده
هفته

پرونده
هفته

پرونده
هفته

www.hafteh.ca

تازه واردین
تمدید وام
خود اشتغالی
سرمایه گذاری
دستبرسی به وام دهندگان خصوصی
پرداخت بدی
ترمیم کردیت بد

Multi-Prêts
HYPOTHÈQUES
CABINET EN COURTAGE HYPOTHÉCAIRE

MARYAM RAMEZANLOO
مریم رمضانلو
کارشناس وام مسکن

- خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما
- ارائه بهترین نرخ بهره و وام
- مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان ممکن

mramezanloo@multi-pret.s.ca
438-926 5626
boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A6, 6185



” رواج فرهنگ برجسب زنی در جامعه ایرانیان ناشی از کم‌دانشی گروه‌های سیاسی ماست.. در واقع آنها در زمین خواسته‌های رژیم {جمهوری اسلامی} بازی می‌کنند که می‌گوید نباید کنار هم قرار بگیرد

گفت‌وگوی هفته با یکی از چهره‌های تاثیرگذار باهمستان ایرانی در کانادا کنگره ایرانیان به بیراهه رفته است

احمد تبریزی، از همراهی با چریک فدایی حمید اشرف تا تاسیسی پریا

خودش دور افتاده است و به ساز و کار انتخاب اعضای آن خرده گرفت. او همچنین به نکاتی درباره جامعه ایرانیان کانادا اشاره کرد که نشان می‌دهند برخلاف بعضی تصورات همه اعضای این جامعه امرفهان بی‌درد و به ستوه آمده از هوای آلوده و خستگی‌های زندگی ایران نیستند؛ در این جامعه افراد زیادی وجود دارند که محتاج نان شب هستند و باید حمایت شوند. تبریزی گفتگوی خودش با هفته را با این جمله به پایان برد که جامعه ایرانیان به صدای رساتر و نقش بیشتری در کانادا نیاز دارد. نسخه کامل‌تر گفت‌وگو هفته با احمدرضا تبریزی به زودی در وبسایت هفته منتشر خواهد شد.

بر اساس طرح و برنامه‌اشی دارد. گرایش‌های چپ تبریزی و نشست و برخاست‌های گذشته او با فداییان خلق هم سوخت آرمانگرایی کافی برای پیشبرد پریا فراهم کرده است. از طرفی او می‌داند چگونه از کار اقتصادی خودش پول در بیاورد و همین باعث شده تا فردی بی‌نیاز، معتبر و مورد اعتماد برای جذب کمک‌ها شناخته شود. او همچنین سیاست را به خوبی می‌شناسد و دست کم تا امروز موفق شده از آن به نفع ساختن و توسعه پریا بهره بگیرد. تبریزی در گفت‌وگو با «هفته» انتقادهایی را هم متوجه کنگره ایرانیان کانادا کرد و گفت این مجموعه تحت تاثیر رقابت گروه‌های سیاسی از مأموریت

بنیاد پریا از موفقیت‌های انگشت شمار جامعه ایرانیان کانادا در مشارکت اجتماعی است. اینکه می‌گوییم پریا موفق بوده دچار یک ارزش داورى فردی و بی‌ربط نشده‌ام چه آنکه مجموع کمک‌های اعضای باهمستان (کامیونیتی) ایرانی به این مرکز و حمایت‌ها و گرنت‌های دولت‌های استانی و فدرال و همچنین طول عمر ۲۰ ساله این بنیاد نشان می‌دهد در و تخته آن توسط احمدرضا تبریزی تا حد زیادی به درستی با هم جفت و جور و مهندسی شده است. در گفتگو با تبریزی متوجه شدم چند ویژگی مهم در او وجود دارد که در ساختن پریا به کارش آمده از جمله اینکه مهندسی خوانده و با جلو بردن آجر به آجر کار

بعداً اعدام شدند. این‌ها اکثراً هم‌کلاسی‌ها و سال بالایی‌ها و سال پایینی‌های ما بودند. البته من اینجا در ورودی بنیاد پریا اسم چند تن از آن‌ها را نوشتم و به اسمشان درخت کاشتم از جمله آقای حسن پور، هادی فاضلی، حمید اشرف ... همه این‌ها دوست‌های نزدیک من بودند که متأسفانه در آن دوران از بین رفتند.

یعنی شما با آقای حمید اشرف، برجسته‌ترین چهره فداییان خلق دوستی داشتید؟

بله حمید اشرف در دبیرستان هدف در دو کلاس چهارم و پنجم رشته ریاضی در صندلی پشت سر من می‌نشست. او یکی از اعضای درخشان جنبش چپ ایران بود. حمید انسان بسیار ممتازی بود؛ بازوهای بسیار قوی داشت و شناگر عجیبی بود، هیچ‌کس در مدرسه نمی‌توانست با او میج بیندازد.

آقای احمد تبریزی گرمای شما در دانشگاه پلی‌تکنیک یا همان امیرکبیر فعلی درس خوانده‌اید. این دانشگاه پیش و پس از انقلاب ۱۹۷۸ به فعالیت سیاسی دانشجویان شهره بود. فضای این دانشگاه چه تاثیری بر شما داشت؟

من جزو دانشجویان بازیگوش دانشگاه بودم. از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ نماینده دانشجویان بودم و همه این مدت جزو هیئت‌مدیره سازمان صنفی بودیم که در آن زمان تنها سازمان دانشجویی مدون قانونی بود که فعالیت داشت؛ به طبع سرودهای زیادی هم راه می‌انداختیم. در آن زمان گرایش بیشتر بچه‌های دانشکده چپی بود؛ البته بچه‌هایی با گرایش‌هایی مذهبی هم داشتیم ولی آن‌ها زیاد فعال نبودند و بیشتر بچه‌های با دیدگاه‌های چپ بودند که فعالیت زیادی داشتند. در حقیقت تعداد زیادی از دوستان در جریان چریک‌های فدایی خلق از بچه‌های پلی‌تکنیک بودند که تعداد زیادی از آن‌ها در حادثه سیاهکل کشته شدند یا

بعد از انقلاب چطور؟ آیا خروج شما از ایران به این فعالیت‌های و دیدگاه‌ها مرتبط با آن ارتباطی داشت؟
 واقعیت این است که هیچ ربطی نداشت. تنها مسئله من در ایران آزادی بود؛ یعنی روسری سر خانم من گذاشتند، مدرسه پسر را بستند و این‌ها مواردی بود که باعث مهاجرت ما شد. البته نظرات همسر من هم بسیار مؤثر بود. خدمتتان گفتم که او در رشته جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تحصیل کرده و احساس کردیم که آزادی‌ها دارد کم‌کم از بین می‌رود...



فکر کنیم این سوابق و دیدگاه‌های شما در نهایت توضیح می‌دهد چرا شما به‌عنوان یک ناشر کتاب‌های سیاسی و فرهنگی هم فعال هستید.
 بنده و همسرم تشکیلاتی به نام پرشین سیرکل (Persian circle) هم داریم که این سازمان غیرانتفاعی از سال ۲۰۰۴ که فعالیت خودش را در حوزه‌های فرهنگی اجتماعی آغاز کرده و حامی برنامه‌های مختلفی بوده است. یکی از کارهای این تشکیلات درباره انتشار کتاب «نگاهی به شاه» نوشته دکتر عباس میلانی بود که بنا به دلایلی امکان چاپ آن در ایران مهیا نشد و در نهایت پرشین سیرکل آن را به‌عنوان ناشر منتشر کرد که شاید بتوان گفت پر فروش‌ترین کتاب تاریخ ایران پس از انقلاب در داخل و خارج کشور بوده است. نسخه‌های زیادی از این کتاب به‌طور چاپی و نسخه آنلاین در فضای آنلاین منتشر شده است. کتابی دیگری هم در مجموعه پرشین سیرکل درباره فروغ فرخزاد به قلم خانم دکتر فرزانه میلانی منتشر شده است. این کتاب مجموعه‌ای از نامه‌هایی است که خانم فرخزاد به آقای کاوه گلستان نوشته است. به‌رحال آقای گلستان موافقت کرد این نامه‌ها در اختیار خانم دکتر میلانی قرار بگیرد. خود خانم میلانی بیشتر از ۳۰ سال درباره فروغ فرخزاد مطالعه کرده است و به‌رحال افتخار چاپ این کتاب در تورنتو به پرشین سیرکل رسید.

فارغ از آن انگیزه‌هایی که در جاهای مختلف به آنها اشاره کردید از جمله تنهایی پدرتان، این سوابق و دیدگاه‌های سیاسی چه شما تأثیری در راه‌اندازی پریا داشت؟

بله صد درصد؛ من حتی در اسپانیا هم که بودم باورهای خود را پیگیری می‌کردم تیم فوتبال ایرانی‌ها را داشتم و روزهای یک‌شنبه کارهای عام‌المنفعه می‌کردیم. در اینکه گرایش چه در من و همسرم وجود داشت و در شکل‌گیری پریا مؤثر بود شکی نیست. البته همه خانواده یعنی پدر و مادر و خواهر و برادرانم اینجا در تورنتو بودند. پدر من به خاطر عمل چشمی که انجام داد دیگر نمی‌توانست رانندگی کند و تنهایی در منزل به‌شدت وی را افسرده کرده بود و هیچ جایی را هم به‌جز خانه ما نداشت که برود. متأسفانه ایشان فوت کرد و من بعدها متوجه شدم که کامیونیتی‌های دیگر مراکز را برای جمع‌آوری هم‌زبان‌های خودشان دارند که در مواردی مانند پدر من به کار می‌آید. این انگیزه‌ای شد برای من تا جایی درست کنم که سالمندان بتوانند دور هم جمع شوند. با این اندیشه پریا را شروع کردم و اکنون دیگر فعالیت‌های پریا بسیار وسیع شده است؛ از بخش سالمندان و بخش آی تی گرفته تا بخش آموزش سوشال مدیا و انواع و اقسام بازگوشی‌ها را ما اینجا انجام می‌دهیم.

او بسیار خوش‌تیپ و باهوش بود، همچنین خیلی آرام بود ولی در ضمن روحیه ورزشکاری بسیار بالایی داشت. یادم است همیشه با یکی از بچه‌های هم‌کلاسی که از بندر پهلوی (انزلی) می‌آمد و شناگر بسیار ماهری بود، می‌انداخت که همیشه هم حمید می‌چ او را می‌خواهاند.

با این اوصاف شما سمپات فداییان خلق بودید یا یکی از اعضای رسمی آن؟

بینید سازمان صنفی پلی‌تکنیک را در حقیقت بچه‌های فدایی و چه می‌گرداندند و همه ما به طبع عضوی از آن بودیم. ما قوانین نانوشته‌ما مفصلی بین خودمان داشتیم از جمله اینکه ارشد بودن در پلی‌تکنیک برای ما بسیار مهم بود. من یادم است که مثلاً سال دو و سه که بودیم اگر در سازمان صنفی می‌خواستیم تصمیمی بگیریم که در ارتباط با مسائل اجتماعی یا سیاسی بود حتماً باید با بچه‌های سال بالایی که فارغ‌التحصیل شده بودند مشورت می‌کردیم. من به خاطر بخشی از این فعالیت‌ها دائماً با این دوستان در ارتباط بودم و با هم مشورت می‌کردیم و در حقیقت از راهنمایی‌های آن‌ها استفاده می‌کردیم. در آن زمان هم به این صورت نبود که تعریف خاصی برای سمپات و عضو اصلی داشته باشیم و به‌رحال با هم در ارتباط بودیم بنابراین عضوی از آن‌ها بودم. با همه این مخفی‌کاری‌ها اما همه می‌دانستند در مواقع لزوم چه کسی باید با چه کسی ارتباط بگیرد و چه کسی از چه کسی راهنمایی بگیرد، الان چه حرکتی در دانشکده باید اتفاق بیفتند و ... همه چیز سر جای خود بود.

مجموعه فعالیت‌هایی که پیش از انقلاب در ارتباط با فداییان خلق داشتید یا دیدگاه‌های چه شما تأثیری در خروجتان از ایران پس از انقلاب داشت؟

خیر. اولاً که من زود ازدواج کردم، بلافاصله بعد از دانشکده و در سن بیست‌ودو سالگی با همسرم که هجده‌ساله و دانشجوی سال اول بود ازدواج کردم. من فارغ‌التحصیل شده بودم که از دوام کردم و هفته بعدش به سربازی رفتم. دیگر ارتباطات سیاسی من تمام شده بود. سال ۱۳۴۸ شمسی سال قلع‌وقمع شدن بچه‌های فدایی بود و در واقع آن نهضت مسلحانه شکست خورده بود و ماجرای سیاه‌کل پیش‌آمده بود. به‌رحال من دیگر در آن زمان و به آن صورت ارتباط نزدیکی با دوستان نداشتم. کسانی هم که من با آن‌ها ارتباط داشتم همه در زندان بودند یا در ترورها و درگیری‌های ساواک کشته شده بودند. بعد از سال ۵۷ تعدادی از آن‌ها از زندان آزاد شدند و من دوباره با آن‌ها ارتباط نزدیک برقرار کردم.

حمید اشرف در دبیرستان هدف در دو کلاس چهارم و پنجم رشته ریاضی در صندلی پشت سر من می‌نشست. او یکی از اعضای درخشان جنبش چهپ ایران بود





درباره احمدرضا تبریزی

احمدرضا تبریزی متولد سال ۱۳۲۵ است. او پیش از انقلاب در دبیرستان رازی و سپس هدف درس خوانده و در نهایت از دانشگاه پلی تکنیک سابق یا امیر کبیر فعلی سر در آورده است. تبریزی تحت تاثیر فضای سیاسی این دانشگاه که در آن مهندسی شیمی خوانده وارد سیاست می‌شود و با سازمان چریک‌های فداییان خلق قربایت پیدا می‌کند. خودش می‌گوید با احمد اشرف که به نوعی اسطوره آن سازمان بود و برخی دیگر از چهره‌های آن گروه چریکی رفاقت داشته و کار کرده است. به هر حال تبریزی ۳ سال پس از انقلاب ۱۹۷۸ در ایران به خاطر آنچه نبود آزادی و حجاب اجباری در ایران عنوان می‌کند، تصمیم به مهاجرت می‌گیرد و پس از چند صبحی زندگی در اسپانیا، در سال ۱۹۸۴ به کانادا می‌آید و وارد فعالیت‌های ساختمان‌سازی و سرمایه‌گذاری در حوزه هایتک می‌شود. شهرت امروز تبریزی اما بیشتر در گرو بنیاد پریا به عنوان اولین کامیونیتی سنتر ایرانی در کانادا است. او فعالیت برای تاسیس این بنیاد را از سال ۲۰۰۱ آغاز می‌کند؛ یکسال بعد موفق به ثبت آن می‌شود و در سال ۲۰۱۰ ساختمان مناسبی را برای آن دست و پا می‌کند. به گفته تبریزی بنیاد پریا اولین و تنها کامیونیتی سنتر ایرانی در دنیا است که یک ساختمان برای خودش دارد.

در کنار پریا که تبریزی می‌گوید این روزها بیشتر وقتش را در آن می‌گذراند؛ برخی فعالیت‌های جانبی دیگر مانند انتشار کتاب‌های معروفی مانند «نگاهی به شاه» عباس میلانی یا کتاب فروغ فرخزاد نوشته فرزانه میلانی در انتشاراتی به نام پرشین سیرکل هم به شهرت او دامن زده است.

در زندگی تبریزی فصول غم‌انگیزی هم وجود دارد از جمله درگذشت پسرش. برای او یک دختر باقی مانده و البته همسری که در رشته‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی تحصیل کرده و همراه این روزهای اوست.

به تازگی دولت استانی نشان اونتاریو را به شما اهدا کرده است. ارتباطی بین فعالیت‌های اجتماعی شما و این نشان وجود دارد؟
بله، همان‌طور که می‌دانید نشان اونتاریو (Order of Ontario) مهم‌ترین نشان در استان اونتاریو است که هر سال دولت ایالتی به تعدادی از افرادی که فعالیت اجتماعی داشته‌اند آن را اعطا می‌کند و امسال من این افتخار را داشتم که به علت فعالیت‌هایم در جامعه ایرانیان کانادا؛ دولت اونتاریو این نشان را به من اهدا کند. این نشان هم برای بنده و هم برای جامعه ایرانیان کانادا چراکه به‌نوعی تأیید فعالیت اجتماعی در جامعه ایرانیان از سوی مقام‌های کانادایی است؛ پس همگی ما در این افتخار شریک هستیم.

می‌دانیم که حتی باوجود پریا و امثال آن اما میزان مشارکت اجتماعی ایرانیان در قالب چنین تشکیلاتی در مقایسه با سایر کامیونیتی‌ها چندان بالا نیست. برای مثال چینی‌ها مشارکت و اتحاد بسیار بالاتر و زبازدی در انجام این نوع فعالیت‌ها دارند و شاید الگوی خوبی برای جامعه ایرانیان کانادا باشند.

ببینید تا جایی که من می‌دانم موفق‌ترین نهادهای اجتماعی از جنس پریا را ایتالیایی‌ها و چینی‌ها در کانادا دارند. ایتالیایی‌ها به‌طور عمده بعد از جنگ دوم جهانی و پس از بی‌کاری که در اروپا رواج پیدا کرده بود به کانادا مهاجرت کردند و بیشترشان هم در بخش ساختمان کانادا وارد کار شدند. کامیونیتی‌سنتزهای ایتالیایی بسیار مجهز هستند، خانه‌های سالمندان زیادی دارند و به دلیل تاریخ و نحوه مهاجرتشان موفقیت اقتصادی زیادی داشته‌اند و به همین دلیل هم امکانات مالی فوق‌العاده‌ای دارند و با همین امکانات مالی و حمایت دولت توانسته‌اند یک کامیونیتی سنتر بسیار بزرگ داشته باشند.

چینی‌ها هم دو سه مرکز خیلی خوب دارند اما یک سری تفاوت بین ما و آن‌ها وجود دارد؛ ببینید آن‌ها با انگیزه سیاسی از کشور خودشان خارج نشدند، با انگیزه آزادی‌های فردی به اینجا نیامده‌اند، برای آنها بیشتر بحث مالی مطرح بوده است. بحث مهاجرت ما ایرانی‌ها اما متفاوت است؛ برای ما بیشترین عامل مهاجرت انگیزه سیاسی یا اجتماعی بوده است و همین موضع باعث می‌شود آن ظرفیت مالی کمتر وجود داشته باشد و شما کمتر بتوانید از امکانات مالی کامیونیتی به نحو احسن در تشکیلاتی مثل پریا استفاده کنید.

از طرف دیگر ما این مملکت را انتخاب کردیم، از مملکت مادری خودمان بریدیم و به اینجا آمده‌ایم، پس باید در اینجا موفق شویم. متأسفانه خیلی از ما چنین فکر نمی‌کنیم. بعضی‌ها ده سال است که به اینجا آمده‌اند اما هنوز چمدانشان را باز نکرده‌اند، انگلیسی هم یاد نگرفتند و برایشان هم اصلاً مهم نیست که اقتصاد و سیاست کانادا چگونه می‌گردد.

بیست و پنج سال قبل و در یک روز یک‌شنبه به برنامه جمع‌آوری کمک مالی یکی از وزرای فدرال رفته بودیم. یکی از دوستان آمد و گفت: احمد من شنیدم تو به همه این‌جاها می‌روی! می‌روی چه کار کنی؟ گفتم فلانی می‌روم تا مشق‌هایم را بنویسم! گفت: یعنی چی؟ گفتم: خوب من برای زندگی به این مملکت آمدم باید بدانم در آنجا چه می‌گذرد و به چه صورت اداره می‌شود! این زندگی من است!

ببینید شما لازم نیست حتماً سیاسی باشید ولی سیاست بخشی از زندگی ما است و باید بدانیم کانادا چگونه اداره می‌شود. کانادا برعکس ایران است یعنی اینجا قانون بیشتر از پایین به بالا تدوین می‌شود و از بالا به پایین نیست. به این ترتیب وقتی شما در تدوین قانون مشارکت دارید دیگر به راحتی آن را نقض نمی‌کنید. متأسفانه این مسئله برای ما ایرانی‌ها درونی نیست. البته من به نسل دوم در اینجا بسیار خوش‌بین هستم که می‌توانند ما را از قبل موفق‌تر کنند. نسل اول مثل من کمی مغزهایمان متحجر است و سخت‌تر می‌توانیم با این تغییرات همراه شویم.

برایم مهم نیست که دیگران چه می‌گویند؛ بالاخره یک سری آدم‌ها یا از روی حسادت یا به خاطر اینکه درک درستی از این موضوع ندارند مخالفت می‌کنند، حرف می‌زنند و اصلاً هم مهم نیست.

ببینید اینجا یک کشور آزاد است. من همیشه به برخی از دوستان می‌گویم «آقا من که نگفتم کارم بی‌عیب است شما هم بروید یک پریا دیگر درست کنید.» اینجا که حکومت دیکتاتوری وجود ندارد، پس هرکسی می‌تواند چنین کاری انجام دهد؛ پس بروید و انجام دهید ولی نیاید بنشینید اینجا ایراد بگیرید و برچسب بزنید. من که نگفتم کارم بی‌ایراد است، اتفاقاً من قدم کوتاه است و این قدر می‌توانم کار انجام دهم. شما که قذتان بلندتر است بروید یکی دیگر درست کنید.

شما توجه کنید ما به زودی وارد بیستمین سال تأسیس بنیاد پریا می‌شویم، چرا هیچ‌کس نرفته‌م کز مشابه‌ای را درست کند؟ جوابش ساده است؛ آن تفرقه سیاسی و منفعل بودن که شما به آن اشاره می‌کنید از دلایل عدم هماهنگی و کنار هم جمع شدن جامعه ایرانی به‌خصوص در کانادا برای این نوع کارهاست.

به هر حال بنیاد پریا اسم و رسمی در کانادا پیدا کرده که می‌تواند مورد استفاده سیاسیون باشد. اصول شما درباره ورود پریا به سیاست چیست؟

در پریا و در ارتباط با ایران هیچ سیاستی را دنبال نمی‌کنیم ولی در ارتباط با کانادا همه احزاب سیاسی می‌توانند از امکانات پریا استفاده کنند و قبلاً هم



درباره بنیاد پریا

بنیاد پریا یکی از بزرگترین معتبرترین مراکز اجتماعی - فرهنگی قومی در تورنتو، در شماره ۳۴۴ خیابان John در منطقه Markham واقع شده است. فواتر از شهر تورنتو این مرکز به عنوان شناخته‌شده‌ترین کامیونیتی سنتر یا همان مرکز خدمات اجتماعی جامعه ایرانیان کانادا است که به طور غیر رسمی فعالیت خود را از سال ۲۰۰۱ با تمرکز بر خدمت‌رسانی به شهروندان ارشد آغاز به کار کرد. این مأموریت به تدریج گسترش یافت و سایر گروه‌های سنی جامعه ایرانیان کانادا را هم دربرگرفت. موسسان اولیه پریا احمدرضا تبریزی و خانم‌ها زرین محی‌الدین و فهیمه مرتضوی بودند. نقش تبریزی دز زمان تأسیس به عنوان ایده‌پرداز و پس از آن در مدیریت این مرکز خدمات اجتماعی بسیار پررنگ بوده است به طوری که نام بنیاد پریا با نام احمد تبریزی گروه خورده است. او درباره ایده تاسس پریا گفته است که پدرش در سال‌های آخر عمرش به علت نبود مراکز و اماکن فرهنگی در جامعه ایرانیان کانادا با افسردگی و انزوا دست و پنجه نرم می‌کرد و او پس از فوت پدرش با الهام گرفتن از مراکز خدمات اجتماعی سایر کامیونیتی‌ها تصمیم می‌گیرد که مرکز مشابه‌ای را برای جامعه ایرانیان کانادا ایجاد کند. بنیاد پریا در سال ۲۰۰۲ میلادی به طور رسمی به عنوان یک مرکز غیر انتفاعی

” تنها مسئله من در ایران آزادی بود؛ یعنی روسری سر خانم من گذاشتند، مدرسه پسر را بستند و این‌ها باعث مهاجرت ما شد

صحت از سیاست شد. شما جایی گفته بودید انفعال سیاسی جامعه ایرانیان کانادا بزرگ‌ترین مشکل آن است. این گزاره هم می‌تواند صادق باشد ولی از طرفی هم این موضوع را تداعی می‌کند که شما با آن سوابق سیاسی به‌طور ویژه‌ای به حوزه سیاسی توجه دارید و بخش مهمی از راه‌حل‌ها را در سیاست جست‌وجو می‌کنید!

دقیقاً همین‌طور است! اصلاً ببینید این آزادی که شما در کانادا دارید به شما فرصت تفکر باز را می‌دهد و ایرانی‌ها باید از این فرصت استفاده کنند. در اصل مجبور نیستی خودت را سانسور کنی. من اینجا خیلی راحت می‌توانم با نخست‌وزیر و وزرا هم صحبت شوم. گاهی وقت‌ها دوستان ایرانی من تعجب می‌کنند و می‌پرسند که چطور و چگونه با مسئولان کانادایی تا این حد صریح صحبت می‌کنم. من در جواب آن‌ها می‌گویم که برای اینکه اینجا این وزیر از مالیاتی که من می‌دهم حقوق می‌گیرد. من مالیات‌هنده حق دارم از او بپرسم چه کار می‌کنی! و البته این با فرهنگی که ما از آن خارج شدیم فرق می‌کند. در ایران پول نفت وجود دارد و همه چیز از بالا تصمیم‌گیری می‌شود که آن را به چه کسی بدهند. در کانادا برعکس من از هر دلاری که مالیات می‌دهم این حق برایم ایجاد می‌شود که با نخست‌وزیر، وزیر یا هر کدام از مقامات سیاسی بحث کنم و بگویم من بابت این مالیاتی که به شما پرداخت می‌کنم این حق را دارم که بدانم چه می‌کنید.

از آن طرف در همین فضای به قول شما منفعل سیاسی آدم‌ها و گروه‌ها در جامعه ایرانیان کانادا به راحتی به هم برچسب می‌زنند؛ یکی سلطنت‌طلب است آن یکی طرفدار مجاهدین و یکی هم طرفدار جمهوری اسلامی! این فرهنگ برچسب زنی بر مشارکت سیاسی چه تاثیری دارد؟

به نظر من شکل گرفتن این فضا و فرهنگ در حقیقت ناشی از کم‌دانشی گروه‌های سیاسی ماست. آنها و در واقع خودشان مقصر اصلی در پیدایی این فضا هستند و در زمین خواسته‌های رژیم {جمهوری اسلامی} بازی می‌کنند که می‌گوید شما نباید کنار همدیگر قرار بگیرید. وقتی من همان اول از شما بپرسم که به کدام گروه سیاسی ایران تمایل دارید یا شما همین سؤال را از من بپرسی و وقتی این اصل می‌شود، ارتباط بین من و شما ضعیف می‌شود. درباره همین پریا مگر برای من هزاران حرف و حدیث درست نشد! خیلی حرف‌ها را گفتند اما من از این گوش شنیدم و از آن گوش به در کردم و می‌کنم.

به‌تازگی شنیدم نفوذی جمهوری اسلامی هستید!

جمهوری اسلامی، سلطنت‌طلب، مجاهد، فدایی ... هر کدام بخشی از سوابق من را دیدند و هر چیزی خواستند گفتند. بچه که بودیم به ما می‌گفتند خدا دو تا گوش داده و یک‌زبان که با یکی بگویی و با دوتای دیگر بشنوی، حالا در اینجا من به‌جای اینکه از دو گوش برای شنیدن استفاده کنم از این گوش می‌شنوم و از آن گوش درمی‌کنم. من را در کالیفرنیا، واشنگتن و... دعوت کردند و پرسیدند چطور پریا را ساختم. به آنها گفتم که ایرانی‌های آمریکا خیلی بیشتر از ما در کانادا پول دارند ولی من با یک مقدار ناچیزی کمک مالی توانستم اینجا را راه بیندازم. به آن‌ها گفتم جامعه به من اعتماد کرد و من ممنونم اما یک‌چیز دیگر هم است؛ تو باید بتوانی از این گوش بشنوی و از آن یکی به در کنی؛ اگر به فکری اعتقاد داری باید پایش بایستی. اگر به این ارزش و پرنسیب اعتقاد داری که من باید این سرویس را به جامعه ایرانیان بدهم و دوست دارم این کار را بکنم دیگر

شده بودند. کمی بیشتر منظور تان را توضیح دهید.

سازمان‌های زیادی در جامعه ایرانیان در کانادا از سال ۱۹۸۰ شروع به فعالیت کردند و متأسفانه زیاد درخشان نبودند و به دلایل زیادی که ترجیح می‌دهم حالا در مورد آن صحبت نکنم موفق نشدند. داشتن تجربه در کار کامیونیتی مهم‌ترین پارامتر این قضیه است. شاید یکی از دلایل موفقیت من این باشد که خودم از نظر مالی جزو بالاترین اهداکنندگان اینجا هستم و بدون هیچ چشم‌داشتی کار پریا را انجام می‌دهم. من از کار در پریا حتی یک قران پول هم دریافت نکرده‌ام و برعکس از همه ارتباطات اجتماعی خودم هم برای پیشبرد پریا هزینه کرده‌ام. شاید به همین دلیل هم تعداد زیادی از اعضای جامعه ایرانیان به ما کمک مالی می‌کنند. شما ببینید ما بالای چهار میلیون دلار از کامیونیتی پول گرفتیم تا توانستیم این مکان را داشته باشیم و این را هم بگویم که فقط سالی ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار دلار هزینه تعمیر و نگهداری و آب و برق و اینترنت و تلفن و برفریبی و ... می‌شود. پنجاه هزار فوت مربع زمین داریم و هزینه نگهداری آن باید از جایی تهیه شود، همه این هزینه را که من نمی‌توانستم تقبل کنم ولی عده‌ای به من این اعتماد را داشتند.

منظور تان این است که افراد برای ایجاد کامیونیتی سنتری مانند پریا حداقل توانمندی مالی لازم را داشته باشند و به قول معروف دستشان به دهانشان برسد تا بقیه جامعه در کمک به آنها اعتماد لازم را داشته باشند؟

ببینید حرف من این است که ما نباید برای این نوع فعالیت‌ها هدف اصلی مان مطرح شدن یا منافع شخصی خودمان باشد؛ مهم این است که چه خدمتی را می‌توانی انجام دهی. ببینید جامعه در همه دنیا اکثریتش خاموش است ولی احمق نیست و به وقتش قضاوت خودش را دارد و تصمیم خودش را می‌گیرد. ما باید این را بفهمیم وقتی می‌خواهیم جایی مانند پریا را درست کنیم نباید به فکر منافع مالی خودمان باشیم یا ... زیرا جواب نمی‌دهد. به‌ویژه برای جامعه‌ای مثل ما که اصلاً تجربه کار با جامعه را نداریم. شما ببینید به‌جز ۴، ۵ سال اخیر و به غیر از بنیاد محک در ایران که من احترام زیادی برای آن قائلم، همه فعالیت‌های اجتماعی ما در قالب مذهب بوده است. البته در این ۶، ۷ سال در داخل ایران سازمان‌های مردم‌نهادی برای افراد سرطانی یا زنان بی‌خانمان راه‌اندازی شده است که خود من هم به آن‌ها کمک می‌کنم. ولی قبل‌تر چنین داستان‌هایی نداشتیم. البته یک تفاوت فعالیت‌های ایران با اینجا این است که برای مثال کلیسایی‌ها و مذهبی‌ها برای خودشان برنامه جدا دارند و کامیونیتی سنترها هم جدا فعالیت می‌کنند؛ یعنی مردم برای مسائل اجتماعی غیرمذهبی‌شان مشارکت می‌کنند.

به نکته مهمی اشاره کردید. در ایران سال‌ها این نوع فعالیت‌ها در یک بافت مذهبی انجام شده مثلاً از طریق مساجد یا هیئت‌های مذهبی سازمان‌دهی شده و نوع سکولار آن چندان شناخته‌شده نیست. به نظر شما این سابقه در کم‌تجربگی ما در زمینه راه‌اندازی کامیونیتی سنتر تأثیر داشته است؟

به نظر من بله. این مسئله بسیار مهمی است که ما تجربه‌ای در آن کسب نکردیم. الآن در تهران هرچه زمین دونهش درجه‌یک است را مسجد درست کرده‌اند و از آن‌طرف می‌گویند در سرما آدم‌ها در خیابان می‌خوابند!

این آزادی که شما در کانادا دارید به شما فرصت تفکر باز را می‌دهد و ایرانی‌ها باید از این فرصت استفاده کنند

استفاده کرده‌اند. موقع انتخابات که می‌شود همه احزاب از لیبرال و نئودموکرات گرفته تا محافظه‌کار و سبزها می‌توانند از امکانات ما استفاده کنند. ما هم جامعه ایرانی را دعوت می‌کنیم و تعمد هم داریم در برنامه‌های آنها شرکت کنند تا با سیستم سیاسی کانادا آشنا شوند. به‌رحال لغت دموکراسی یک مسئله صرفاً نظری نیست و شما باید ببینید این لغت در عمل چه معنی دارد و چه کار می‌شود برای پیشبرد آن کرد. دموکراسی این نیست که شما به هرکسی بخواهی فحش بدهی؛ درک کردن دموکراسی به این معناست که شما اینجا چطور می‌توانی مؤثر باشی. من از سیاستمدارهای کانادایی تجربه و درس‌های خوبی یاد گرفته‌ام. بالاخره کانادا از ۲۰۰ سال پیش کارش را شروع کرده و از همه جای دنیا هم مهاجر گرفته است. برایتان بگویم خیلی عیب و ایراد هم در همین سیستم دیدم؛ یعنی به‌عنوان یک آدم بیرون از اینجا خیلی مسائل را می‌دانم و نقاط ضعف را هم حس می‌کنم ولی مثلاً در مقایسه با جامعه ایران به قول معروف میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است. در کل منظور من این است که جامعه ما باید خیلی چیزها را یاد بگیرد. هدف من بیشتر در اینجا در ارتباط با سیاست در کانادا آموزش جامعه ایرانیان است.

شما در جایی با کنایه گفته‌اید ما نتوانستیم کامیونیتی سنتر دیگری مانند پریا در کانادا ایجاد کنیم به این دلیل که آدم‌ها با هدفی غیر از خدمت وارد این کار

و با نام انگلیسی Parya Trillium Foundation در تورنتو به ثبت رسید و مدت کوتاهی پس از آن اولین هیات ریسه خودش را انتخاب کرد. مدیریت پریا در سال ۲۰۱۰ و با استفاده از یک فرخوان مالی گسترده و جمع آوری کمک ۶۰۰ هزار دلاری از جامعه ایرانیان و دریافت کمک ۴۵۰ هزار دلاری از دولت فدرال توانست ساختمانی در خیابان جان سنت واقع در مارکهام را با شصت هزار فوت مربع زمین و ۱۰ هزار فوت مربع ساختمان خریداری کند. در سال ۲۰۱۱ و پس از انجام تعمیرات لازم و ایجاد تغییرات مناسب کلیه فعالیت‌های اداری و آموزشی پریا به ساختمان جدید منتقل شد. از جمله فضاهای این ساختمان می‌توان به سالن اجتماعات با گنجایش ۲۰۰ نفر برای برگزاری مراسم سخنرانی و گردهمایی و همچنین کتابخانه با ۴۵۰۰ نسخه کتاب فارسی شامل انواع دایره‌المعارف‌های ایرانیکا و بریتانیکا و لغت‌نامه دهخداست که به گفته مدیر پریا همگی از طرف افراد خیر به این مجموعه اهدا شده‌اند.

مدیریت بنیاد پریا در ادامه گسترش ساختمان اداری و آموزشی فعلی خود در سال ۲۰۲۱ نیز موفق شد نزدیک به ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار بودجه برای گسترش ساختمان خودش از دولت کانادا و انتاریو دریافت کند که دولت فدرال حدود ۴۰ درصد و دولت استانی حدود ۳۳ درصد این مبلغ را تامین می‌کند و ۲۷ باقیمانده را که حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار دلار می‌شود از کمک‌های جامعه ایرانیان کانادا تامین خواهد شد. در این برنامه توسعه قرار است مساحت قابل توجهی به فضای ورزشی و آموزشی پریا اضافه شود

به گفته احمدرضا تبریزی هزینه‌های پریا در تمام این سال‌ها به طور مشترک از سازمان‌های مختلف دولتی مانند شهرداری‌ها و دولت استانی و دولت فدرال و همچنین کمک‌های مردمی تامین شده است و این بنیاد بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ توانسته در مجموع مبلغی نزدیک به ۴ میلیون دلار از جامعه ایرانیان کانادا دریافت کند که در پیشبرد برنامه‌های آن بسیار مؤثر بوده است.

پریا در حوزه‌های متنوعی به جامعه ایرانیان کانادا خدمات می‌دهد؛ از کمک‌های غذایی گرفته تا برنامه‌های آموزشی که شامل برنامه‌هایی مانند آموزش زبان انگلیسی و آشنایی با کار کامپیوتر و شبکه‌های اجتماعی تا خدمات شغل‌یابی و حقوقی و پروژه‌هایی مانند سلامت بهداشت و روان و برگزاری مناسبت‌های فرهنگی مانند چهارشنبه سوری و برنامه تحویل سال نو. همین خدمات و تداوم آنها سبب شده که پریا به تدریج به نامی شناخته شده و قابل اعتماد در جامعه ایرانیان کانادا تبدیل شود.



آقای عزیز در آن مسجد دونیش را برای چه می‌بندی؟! خوب اجازه بده شب‌ها این بندگان خدا در آنجا بخوابند دیگر! من که دوازده سال است به ایران نرفته‌ام ولی دیدم که چه ساختمان‌های زیبایی برای مساجد درست می‌کنند و شب‌ها هم در آن را قفل می‌کنند و می‌روند و صدها آدم در سرمای خیابان می‌میرند. آخر این چه کاری است؟! البته من کسانی را می‌شناسم که به افراد کم‌توان، بچه‌های سرطانی و خانم‌هایی که سرپرست خانواده هستند کمک می‌کنند. ولی قبل‌تر چنین حرکتی در ایران نداشتیم، همه این‌ها جدید است. در فعالیت‌های جامعه اینجا هم شما می‌بینید، خود من جزو بنیان‌گذاران کنگره ایرانیان بودم تا فعالیت‌هایی از این قبیل سامان یابد اما دیدم ما شش ماه تمام در یک زیرزمین در تورنتو نشستیم و اساسنامه کنگره را نوشتیم که هدف آن موفقیت جامعه ایرانی در کانادا باشد اما در عمل تنها کاری که نشده در طی این سال‌ها همین بوده است.

البته شما از بنیان‌کنگره بودید اما امروز منتقد جدی آن هستید. چرا؟

خیلی صریح می‌گویم که من چهار پنج سال است گفتم که دیگر عضو کنگره نمی‌خواهم باشم. برای همان مشکلی که گفتم. ببینید الان در کنگره بین گروه‌های سیاسی رقابت است که کدام دست بالا را بگیرد. سیاست زدگی اساس کنگره را نابود کرده است؛ یعنی این کنگره دیگر در خدمت جامعه ایرانیان نیست. گروهک‌های سیاسی داخل آن با هم درگیر هستند؛ فلانی سلطنت‌طلب است، فلانی مجاهد است و... نه آقا این سازمان اسمش و رسمش برای «موفقیت ایرانیان در جامعه کانادایی» نیست.

ولی این پرسش و شاید این نقد مطرح است که بسیاری از همین افراد با حمایت امثال آقای تبریزی اسم‌ورسمی پیدا کردند و خود شما عامل معرفی آنها به جامعه ایرانیان بودید.

ما فکر می‌کردیم نسل ما کمی پیر شده و عقلمان نمی‌رسد. آمدیم جوان‌ها را حمایت کردیم که همه زیر ۳۰ سال داشتند. همین‌جا خود من کلی کمکشان کردم اما وقتی در آن چهارچوب قرار گرفتند به دلیل کم‌تجربگی آن‌قدر بیراهه رفتند که اصلاً کنگره در مسیر دیگری قرار گرفت و من هم گفتم دیگر نیستم.

یعنی حتی در انتخابات اخیر کنگره هم مشارکتی نداشتید؟

هیچ مشارکتی نداشتیم. اصلاً شما می‌دانید این کنگره را ما از کجا الگو گرفتیم؟ در اصطلاح مهندسی می‌گویند چرخ را از نو اختراع نمی‌کنند، قرن‌ها قبل بشر چرخ را اختراع کرده است؛ ما مدام می‌خواهیم چرخ را از نو اختراع کنیم این مشکل ماست. ما این کنگره را اصلاً از کجا یاد گرفتیم؟ یک کنگره در آمریکا شمالی وجود دارد برای جامعه یهودیان که بسیار هم موفق بوده است. بروید ببینید این‌ها چه می‌کنند؟ من از روز اول هم به این‌ها گفتم آقا این کنگره یهودیان اصلاً انتخابات ندارد، بلکه تشکیلاتی است برای موفقیت جامعه یهودی در آمریکا. آخر چرا از خودتان راه درست می‌کنید! چرا چرخ را دوباره اختراع می‌کنید؟ خوب راحت بروید ببینید آن‌ها چه کار می‌کنند. ده‌ها بار در همه ایمیل‌هایی که ما در سال ۲۰۰۶ می‌نوشتیم گفتیم آقا جان شما بروید ببینید اساسنامه آن‌ها چگونه است و الگوبرداری کنید. از آن‌ها باتجربه‌تر در دنیا وجود ندارد. جامعه یهودیان ۳ هزار سال مملکت نداشتند پس چرا این‌قدر موفق است؟

یعنی شما به این روند انتخاباتی شدن انتخاب اعضای کنگره انتقاد دارید؟

بله به شدت انتقاد دارم زیرا تحت تأثیر گروه‌های سیاسی است. طرفداران سلطنت، مجاهد، فدایی و جمهوری اسلامی به آنجا رجوع می‌کنند که کاندیداهای خودشان را بر مصدر کار بگذارند. این رویه ربطی به موفقیت جامعه ایرانی در کانادا ندارد. البته اگر این دسته‌بندی تبدیل شود به ایرانیان طرفدار حزب لیبرال یا

محافظه‌کار یا نئودموکرات خیلی هم خوب می‌شود. چون این رویه کمک می‌کند که جامعه ایرانی و کانادایی به هم نزدیک‌تر شوند و این بزرگ‌ترین کمک به جامعه ایرانیان کانادا است؛ اما شما با گروهک‌های سیاسی در ارتباط با آن طرف دنیا دارید این کنگره را تشکیل می‌دهید و این مشکل بزرگ ما است. بعد هم آقا من که اصلاً حرفی ندارم، بروید یک حزب به اسم حزب براندازی یا طرفداری از جمهوری اسلامی درست کنید. مملکت آزاد است، مگر غیر از این است؟! همین فردا درست کنید، ببینید چند نفر در آنها عضو می‌شوند. چرا زیر لوای کنگره و... فعالیت می‌کنید که از اساس وظایف دیگری دارد.

حرف من این است که وظایف کنگره موفقیت جامعه ایرانی در کانادا بود و کمک این جامعه اما آقایان و خانم‌های کنگره آیا شما رفتید ببینید چند تا مادر مجرد نیازمند کمک در این شهر است؟ این گزارش ماه آخر بنده در پریا است از ماه مارس ۲۰۲۰ که کرونا شروع شده تا حالا: ۲۷۵۵ نفر را غذا می‌دهیم، این جزو وظایف ما نبود ولی وقتی کووید شروع شد ما این کار را شروع کردیم. ۸۱۰۵ بسته غذایی به ۸۷۵ آدرس تحویل دادیم و ۱۵۴۰ ارسال غذا داشتیم؛ یعنی غذاها را در اینجا بسته‌بندی می‌کنیم و دم در خانه‌ها پخش می‌کنیم. ۲۴۰ تا مشاوره خانواده رایگان برای زوج‌هایی داشتیم که مشکل داشتند و به ۱۱۵ دانشجوی ایرانی کمک‌هزینه تحصیلی دادیم و... شما ببینید چند درصد این موارد وظایف کنگره است؟ آیا اصلاً از

از پریا آغاز می‌شود. ما همه سرویس‌های پریا را بعد از کرونا ادامه دادیم و هیچ‌کدام را متوقف نکردیم. همه را آنلاین کردیم. علاوه بر آن سرویس غذایی را هم اضافه کردیم که اصلاً جزو وظایف ما هم نبود.

من متوجه هستم که رسیدگی به اموری از این دست می‌تواند از وظایف کنگره ایرانیان باشد اما متوجه نمی‌شوم چطور غیر انتخاباتی شدن سازوکار انتخاب اعضای کنگره می‌تواند کمک کند به اینکه کنگره بیشتر به این فعالیت‌ها بپردازد.

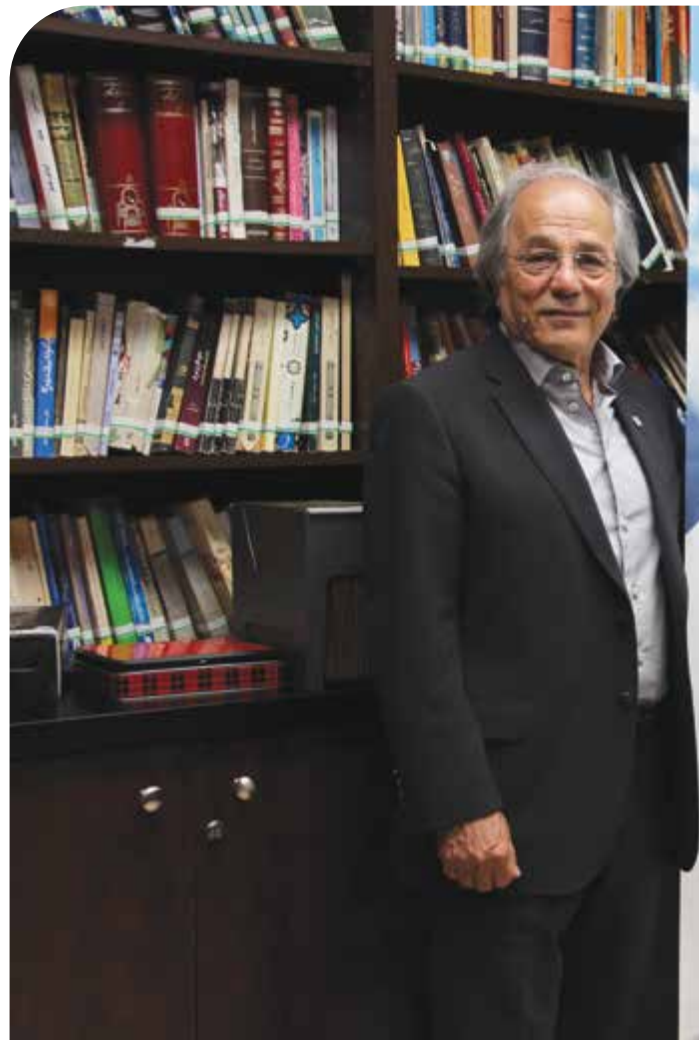
من می‌گویم اصلاً این نوع سیستم و انتخابات داستان کنگره را خیلی دموکراتیک کرده است ولی مسئله این است که موضوع فرق کرده است؛ یعنی داری در انتخابات کنگره چالش و رقابت می‌کنی برای چه؟ آیا رقابت می‌کنی که عضو هیئت‌مدیره شوی و کمک کنی؟ خب آیا تا به حال رفتید داخل خانه‌های پناهنده‌ها را ببینید؟ آقای هیئت‌مدیره کنگره! رفتید ببینید چند تا ایرانی در اینجاها است؟ چند ایرانی در زندان‌ها هستند؟ آیا تا به حال به آن‌ها کمک کرده‌اید؟ نخیر! شما فقط نشستید و دارید شعار می‌دهید! وقتی افراد با یک بک‌گراند و نگرش سیاسی بدون ارتباط با فلسفه تشکیل کنگره و جامعه ایرانیان وارد کنگره می‌شوید چیزی غیر از این نمی‌شود که شده است. مشکل قضیه اینجا است.

پیش از گفت‌وگو فکر می‌کردم شاید بتوانم پرسش‌هایی درباره ظرفیت‌های جامعه ایرانیان کانادا هم از شما بپرسم اما اکنون تصور می‌کنم شما می‌توانید یک گزینه خیلی خوب برای دیدن نیمه خالی لیوان این جامعه باشید. ما می‌دانیم جامعه ایرانیان کانادا آدم‌های تحصیل‌کرده زیاد دارد، آدم‌های پولدار کم ندارد اما در مورد آسیب‌ها و ضعف‌های این جامعه کمتر می‌دانیم و...

دوست عزیز! خانم دانشجوی ایرانی در این شهر در سن ۳۲ سالگی سرطان گرفت، به‌سختی مادرش را به اینجا آوردند تا کمکش کند، ۲۰۰۰ دلار دولت به آن خانم کمک کرد و به دلیل اینکه این جوان دانشجوی بود خوشبختانه دولت در دارو و درمان هم کمکش می‌کند. این واقعاً جای تشکر از دولت کانادا را دارد ولی آنها ماهی ۱۳۰۰ دلار اجاره خانه می‌دهند. این دو آدم چطور می‌توانند با ۷۰۰ دلار در ماه زندگی کنند! باز هم تشکر از دولت کانادا چون حداقل ماهی ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار خرج درمان آن خانم را پرداخت می‌کند.

این‌ها از اتفاقات روزمره‌ای است که ما در پریا با آنها روبرو هستیم. خانم دانشجویی است که باید درسش را هم بخواند اما پول پرداخت هزینه اینترنت را نداشته ... هر کدام از این‌ها خیلی کوچک است ولی شما آن‌ها را کنار هم ببینید. مثلاً یک خانم مسن ۸۰ ساله که در یک‌خانه دولتی زندگی می‌کند و سرطان دارد و نمی‌تواند از خانه خارج شود، اگر شما هر هفته بسته غذایی را در خانه او تحویل ندهید از گرسنگی می‌میرد.

من نمی‌گویم این‌ها آدم‌ها ۱۰۰۰ نفر هستند ولی همان ۵۰ تا ۱۰۰ نفر را چه کسی باید کمک کند؟ باید به دنبال دردهای جامعه باشیم. وقتی قضیه تحریم بانک‌های ایران اتفاق افتاد، آن دانشجوی ایرانی که در اینجا بورسیه نیست چطور باید هزینه تحصیلش را فراهم کند! همه که بورسیه نیستند، این هزینه را باید پدر و مادرش از ایران بفرستند. اولین مشکل او تفاوت قیمت دلار و ریال است و دومین مشکل اینکه چطور این مبلغ از ایران به اینجا منتقل شود؟ آقایان کنگره وقتی همه سیستم بانکی ایران را تحریم کردند شما باید پیگیری می‌کردید و از دولت کانادا می‌پرسیدید شما از یک‌طرف می‌گویید دانشجویان به اینجا بیایند یا افرادی بیایند اینجا و سرمایه‌گذاری کنند اما از آن طرف تحریم‌ها سبب شده راه‌های قانونی بسته شود و به نوعی خودت داری راه کارهای غیرقانونی را باز می‌کنی. شما می‌دانید چند دانشجوی ایرانی ناچار شده تحصیلاتش را نیمه کاره رها کند و فقط به خاطر افزایش قیمت دلار و مشکلات سیستم بانکی در



یک مورد از این‌ها خبر دارند؟ این کارها یعنی همان تحقق اهداف کنگره یعنی موفقیت جامعه ایرانی در کانادا اما کنگره فعلی از مسائل اصلی جامعه پرت است!

به نظر من این آمار فارغ از هر چیزی نشان می‌دهد که برخلاف برخی تصورها همه جامعه ایرانیان کانادا آن «مرفهان بی‌درد» نیستند یا افرادی که با کلاهبرداری مالی از ایران به کانادا آمده باشند. این جامعه طبقات و نیازمندی‌های خودش را دارد.

بله باور کنید ما نمی‌رسیم همه این مشکلات را جوابگو باشیم. اگر بخواهم تک‌تک اشاره کنم باید ساعت‌ها بنشینم و اشک بریزی. مادر مجردی را می‌شناسم که در یک زیرزمین ۸۵۰ دلاری با دو بچه زندگی می‌کند، تازه با کمک ۲۰۰۰ دلاری دولت ولی آیا می‌تواند حتی با اجاره ماهانه ۸۵۰ دلاری زندگی کند؟ باور کنید اگر بسته‌های غذایی ما به‌طور هفتگی به در خانه او نرود این خانم با دو فرزندش گرسنه می‌مانند. چه کسی این موارد را می‌داند؟ چه کسی می‌داند ما چند مریض سرطانی داریم که نمی‌توانند از منزل خارج شوند و باید غذا را درب منزل آن‌ها تحویل دهیم؟ چقدر ایرانی در اینجا است که به اینجا آمدند و می‌خواهند کار مهاجرت و مالیات خودشان را درست کنند؟ جامعه ما همه این سرویس‌ها را می‌خواهد و ما هم انجام می‌دهیم. البته به شما بگویم این پول‌ها از جیب من نمی‌رود، خود دولت هزینه این فعالیت‌ها را پرداخت می‌کند. ولی این سرویس‌ها



”

به فضای کنگره
ایرانیان به شدت انتقاد
دارم زیرا تحت تأثیر
گروه‌های سیاسی است
و طرفداران سلطنت،
مجاهد، فدایی و
جمهوری اسلامی
می‌خواهند کاندیداهای
خودشان را بر مصدر
کار بگذارند

حالا ما یکی از کوچک‌ترین این پروژه‌ها هستیم چون معمولاً پروژه‌های این‌گونه ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دلاری است؛ پروژه‌هایی مثل تصفیه‌خانه آب، پل یا جاده. ولی برای ما به‌عنوان سازمان خدمات‌رسانی به کامیونیتی نزدیک به ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار بودجه گذاشتند که یک میلیون و هفتصد دلار آن را ما باید پرداخت کنیم و بقیه را هم دولت فدرال و استانی پرداخت می‌کنند. ابتدا دولت به ما گفت اول باید ساختمان را بسازید و بعد پولتان را بگیرید و ما گفتیم شما با برنامه کمک همراه با پیشرفت پروژه ما موافقت کنید که خوشبختانه شد.

در این پروژه ما ده هزار فوت مربع به ساختمانمان اضافه می‌کنیم که من تصاویر آن را به شما نشان می‌دهم. در این متراتژ مهم‌تر از همه سالن ورزش است شامل زمین‌های والیبال و بسکتبال و فوتبال و ... خواهیم داشت. در حال حاضر مهم‌ترین مسئله برای من تهیه این یک میلیون و هفتصد هزار دلار است که چطور می‌توانم آن را تهیه کنم. فعلاً شب‌ها خوابم نمی‌برد تا این پول را تهیه کنم (می‌خندد).

ولی این مهم است که بالاخره این کار را با کمک جامعه ایرانیان انجام خواهیم داد و پریا یک مکان آبرومندتر خواهد شد؛ یعنی یک کامیونیتی سنتر با همه امکانات، تعداد کلاس‌هایمان افزایش پیدا می‌کند، سالن ورزشی ما بزرگ‌تر می‌شود و ...

آقا احمد تبریزی گرامی از شما سپاسگزاریم.

عرض همین یک سال و نیم گذشته به ایران برگردد؟ تازه این‌ها مسائل کوچک است که من دارم برای شما می‌گویم.

این را هم بگویم افرادی که درآمدشان شاید حدود ۹۰ درصد از درآمد جامعه ایرانیان کانادا است کم‌ترین کمک را به تشکیلاتی مثل ما می‌کنند. البته در اینجا کمک هم مجانی نیست و شما رسید مالیاتی می‌گیرید. اینجا که مثل ایران نیست بروید در مسجد کمک کنید و تمام شود. در اینجا رسید دریافت می‌کنید و از مالیات شما کم می‌شود...

به تازگی دولت کانادا و دولت انتاریو کمک قابل توجهی در حدود ۴ میلیون دلار برای احداث یک ساختمان جدید در اختیار بنیاد پریا قرار داده‌اند. آن‌طور که من شنیدم رقابت خیلی سنگینی سر جذب این کمک‌هزینه میان کامیونیتی سنترهای مختلف بوده است.

اولاً پریا به‌عنوان فعال‌ترین کامیونیتی سنتر در دوران کرونا شناخته شد. در واقع هیچ کامیونیتی سنتری فعالیتش را ادامه نداد به‌غیراز ما که حتی به فعالیت‌هایمان اضافه هم کردیم. این کار به‌شدت مورد استقبال دولت قرار گرفت. دو سال قبل دولت فدرال تصمیم گرفت بودجه‌ای را مرتبط با کارهای ساختمانی باهدف ایجاد شغل اختصاص دارد. در این پروژه‌ها ۴۰ درصد را دولت فدرال می‌دهد، ۳۳ درصد آن را دولت استانی می‌دهد و ۲۷ درصد هم توسط کامیونیتی ایرانی پرداخت شود.

Sutton

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker



کازم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

هزینه محضر، ۱۵۰۰ دلار هدیه ما، برای خریدارن ملک

■ پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

■ مشاوره برای املاک در آمدزا

■ ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

به همراه یک تیم حرفه ای

514 - 971-7407

اهل کتاب هستید؟

این دو اثر مهم تاریخ و ادبیات معاصر را از دست ندهید



محل سفارش کتاب:

www.MilaniBooks.com

در تورنتو از بنیاد پریا ۰۲۰۲-۷۶۴-۹۰۵

در مونترال از دفتر هفته: ۵۱۴-۸۳۴-۷۲۷۵



مهاجرت مقاله مصاحبه



مهاجرت مقاله مصاحبه

مهاجرت مقاله مصاحبه



مهاجرت مقاله مصاحبه

www.hafteh.ca

Montreal Office:
Tel: 514-289 9044 (office) / 514- 778 9011 (Mobile)
Toll free from Iran: 021-85312878
Address: 1117 Sainte Catherine West, suite #511,
Montreal, Quebec, H3B 1H0
Email: info@icpimmigration.com
Tehran Office:
Tel: 021-2289 4567 / Mobile: 0937 489 6676

📍 @ICPimmigrationToCanada
📍 @icpimmigrationc 📍 icpimmigrationtocanada



معصومه علیمحمدی

با گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرمایه گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خوشاوندی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد.
جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



 ICP IMMIGRATION INC.

www.icpimmigration.com

اگرچه این برنامه‌های جدید موقت بوده و دارای محدودیت زمانی هستند؛ ولی بر اساس تحقیقات انجام شده توسط دانشگاه رایرسون، این اتفاق یک گام بزرگ و سازنده در مسیر صحیح تأمین نیروی کار در کانادا محسوب می‌گردد.

کانادا باید گزینه‌های بیشتری برای جذب کارگران ساده ایجاد کند

تحقیقات انجام شده توصیه بر ایجاد سیاست اخذ اقامت دائم دو مرحله‌ای می‌کند تا کانادا مسیرهای جدید با سهمیه‌گزینش بالا را برای اعطای اقامت دائم به کارگران ساده خارجی که در کانادا حضور دارند ایجاد کند. دلیل اصلی تمرکز بر این سیاست دو مرحله‌ای این است که کسب سابقه کار کانادایی برای این کارگران خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است.

ایجاد سیاست‌های اجرای اعطای اقامت دائم دو مرحله‌ای به کارگران موقت حاضر در کانادا، همچنین توصیه می‌کند که کانادا بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از متقاضیان طبقه اقتصادی را به کارگران ساده اختصاص دهد و کارگران موقت خارجی که در کانادا حضور دارند را بیش از گذشته دعوت به درخواست اقامت دائم نماید. بدین جهت ایجاد سیاست‌های کنترل و جلوگیری از افت دستمزد این کارگران خارجی موقت نیز امری ضروری در جهت جذب بیشتر کارگران موقت خارجی محسوب می‌گردد. دولت همچنین باید در اسکان هر چه بیشتر کارگران خارجی موقت که مورد نیاز بازار کار هستند سرمایه‌گذاری کند.

نتیجتاً، اطلاعات توجیهی در لزوم گزینش کارگران خارجی ساده برای تأمین نیروی کار کشور باید با شهروندان به مشارکت گذاشته شود تا از به وجود آمدن هرگونه احساس نگرانی یا احساسات مبارزه با ورود این کارگران و یا احتمال به وجود آمدن هرگونه افکار ضد مهاجرتی برای احتمال اشباع بازار کار در میان شهروندان، جلوگیری شود. بدین جهت در آینده با اعمال این سیاست، شاهد این خواهیم بود که دیگر شرط گزینش برنامه‌های اقتصادی کانادا اختصاص به افراد تحصیل کرده و متخصص با دانش زبان بالا نخواهد بود و کارگران ساده نیز امیدی برای دریافت اقامت دائم کانادا بیش از گذشته داشته باشند.

تماس با نویسنده: معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی. واجدین ICP Immigration حمایت شده است.



مهاجرت کارگران ساده به کانادا با کدام برنامه مهاجرتی ممکن است؟

در حال حاضر تنها استان‌های محدودی با سهمیه‌های پایین‌گزینه‌ش، کارگران ساده خارجی را مورد گزینش قرار می‌دهند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به استان‌های زیر اشاره کرد:

بریتیش کلمبیا

استان بریتیش کلمبیا دارای برنامه‌های منتخبین استانی خاصی برای این دسته از کارگران است که موجب کسب اقامت دائم برای این متقاضیان می‌گردد.

انتاریو

این استان نیز بر اساس نیازهای بازار کار استان، کارگران ساده را مورد گزینش قرار می‌دهد و مسیر کسب اقامت دائم را برای آنان مهیا می‌سازد.

استان‌های آتلانتیک

استان‌های آتلانتیک نیز مسیرهای مهاجرتی را برای کارگران ساده خارجی که تمایل به اقامت در هر یک از استان‌های نیوبرانزویک، نیوفاندلند و لابرادور، نواسکوشیا و جزیره پرنس ادوارد را دارند با سهمیه محدود ارائه می‌دهند.

کارگران ساده در صنایع کشاورزی و مواد غذایی
این برنامه آزمایشی مهاجرتی نیز جهت تأمین نیروی کار

ساده در صنایع کشاورزی و غذایی با سهمیه گزینش تنها ۲۷۵۰ کارگر ساده را مهیا می‌کند.

با وجود همه این برنامه‌های مهاجرتی برای گزینش کارگران ساده، به علت پایین بودن سهمیه، گزینش کارگران ساده را با مقیاس بسیار پایینی نسبت به گزینش کارگران ماهر و نیمه ماهر مواجه می‌کند.

به همین دلیل، کارگران ساده‌ای که در کانادا به‌واسطه دریافت مجوز کار موقت به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم شده‌اند شانس بسیار بیشتری برای گزینش نسبت به کارگران ساده در خارج از کانادا دارند.

کانادا با تمرکز بر سیستم مهاجرت دو مرحله‌ای تلاش دارد تا افرادی که ابتدا موفق به اخذ اقامت موقت شده را به اخذ اقامت دائم دعوت کند.

بدین منظور اخیراً با معرفی شش برنامه جدید آزمایشی موقت برای اخذ اقامت دائم برای دارندگان مجوزهای موقت از جمله کارگران بخش مراقبت‌های بهداشتی، دیگر کارگران ضروری، فارغ‌التحصیلان بین‌المللی و کارگران فرانسوی و فارغ‌التحصیلان تلاش بر گزینش هر چه بیشتر واجدین شرایط دارد.

گفت‌وگو با مینا سان احمدی مشاور مرکز همیاری مهاجران در NDG خبرهای خوب برای مهاجران در آن.دی.جی مونتترال



درباره
مینا سان احمدی

خانم مینا سان احمدی به عنوان مشاور در موسسه BienvenueNDG مشغول است. به گفته خودش، مینا سان احمدی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی دارد و در ایران، هند، و کانادا تدریس کرده است. کوردی و فارسی را زبان مادری خودش می‌داند اما یادگیری انگلیسی، فرانسه، عربی و هندی نیز بخشی از برنامه زندگی او بوده است. او یادگیری این زبان‌ها را راهی برای کمک بیشتر به مهاجران می‌داند.

پاره‌وقت و تمام‌وقت دولتی فرانسه، آشنایی با فرایند کاریابی، نحوه اخذ گواهینامه در کبک و قوانین مربوط به آن و نحوه معادل سازی مدارک تحصیلی برگزار خواهند شد.

اگر توضیح یا صحبتی باقی مانده است، بفرمایید. دوست دارم این را موضوع را با خوانندگان هفته در میان بگذارم که جوشش در ذات و ماهیت چشمه است و اگر نجوشد دیگر چشمه نیست، روح انسان نیز برای بخشندگی آفریده شده است. واقعیت این است که زندگی هر یک از ما در شرایط بسیار متفاوتی شکل گرفته اما توانایی و اشتیاق خدمت، نه محدود به نژاد یا ملیت خاصی است و نه وابسته به سن و سال، یا موقعیت مالی و شرایط اجتماعی خاص. روابط و تعاملات ما با دیگران و محیط پیرامون ما از جمله خانواده، طبیعت، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و گستره اجتماع، همگی بستری برای خدمت فراهم می‌آورند که بخشندگی روح در آن‌ها فرصت ظهور و بروز پیدا می‌کنند.

در پایان هم همه مهاجران و تازه‌واردان فارسی‌زبان را به مراجعه به این مراکز که کارشان کمک به مهاجران است تشویق می‌کنم تا با دیدی بهتر در جامعه جدید ادغام شوند.

خانم مینا سان احمدی عزیز از شما سپاسگزارم.

بین‌المللی، افراد دارای مجوز کار و پناهجویان هستند. همان‌طور که همه ما می‌دانیم مهاجرت یک فرایند پر از چالش و استرس‌زاست که همه ما به‌عنوان مهاجر این مشکلات را در یک برهه زمانی تجربه کرده‌ایم. بنابراین تسهیل در ادغام مهاجران در جامعه جدید و جلوگیری از انزوا و هموار کردن مسیر مهاجرت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. هدف اصلی ارائه خدمات به مهاجران در این مرکز، آشنایی با جامعه جدید و ادغام سریع و صمیمانه آنها در جامعه جدید است.

موضوعات برنامه‌ها و وبینارها چگونه انتخاب می‌شوند؟

به طور کلی موضوع برنامه‌ها و وبینارها بر اساس اولویت نیاز مهاجران انتخاب و برنامه‌ریزی می‌شوند. برای دستیابی به این موارد نظرسنجی‌های مختلفی انجام می‌شود، سپس نیازهای مهاجران اولویت‌بندی و بر اساس آن‌ها برنامه‌های مرکز طراحی و پیاده‌سازی می‌شوند.

درباره مهمترین برنامه‌هایی که برای جامعه فارسی‌زبان برگزار کردید توضیح بفرمایید.

برگزاری کارگاه‌ها و وبینارهای مختلف در زمینه نحوه رزومه‌نویسی و کاریابی، آشنایی با سیستم آموزشی کبک در مقاطع مختلف، نحوه تمدید کارت اقامت و درخواست شهروندی، ثبت‌نام در کلاس‌های تمام‌وقت و پاره‌وقت فرانسه و انگلیسی، برگزاری کلاس‌های بحث آزاد انگلیسی و فرانسه، برگزاری وبینار مربوط به قوانین مالک و مستاجر، بررسی نحوه اقامت کبک بعد از تحصیل، کارگاه‌های آموزشی مربوط با مبانی کامپیوتر، کارگاه آموزشی ارتباط بین والدین و فرزندان برای تعامل و تطابق بین فرهنگی، وبینارهایی در حوزه سلامت، مسکن، امور بانکی و بیمه از جمله برنامه‌هایی بوده که تاکنون برای جامعه فارسی‌زبان برگزار شده است.

برنامه بعدی شما برای ایرانیان در کانادا یا آن‌هایی که قصد مهاجرت به این کشور دارند، چیست؟

برای فارسی‌زبانان هر هفته وبینارها و کارگاه‌هایی با موضوعات مختلف برگزار می‌شود. در ماه‌های آتی وبینارهایی با موضوع نحوه آشنایی با ثبت‌نام در کلاس‌های

نحوه آشنایی با ثبت‌نام در کلاس‌های پاره‌وقت و تمام‌وقت دولتی فرانسه، آشنایی با فرایند کاریابی و نحوه اخذ گواهینامه در کبک و قوانین مربوط به آن از جمله وبینارهایی است که موسسه Bienvenue NDG قرار است در هفته‌های آتی برگزار کند.

مینا سان احمدی به‌عنوان مشاور ادغام جامعه فارسی و کورد زبان در این مرکز با اعلام خبر برگزاری وبینارهای مختلف، می‌گوید: «فراهم کردن محیطی صمیمانه و گرم برای استقبال از مهاجران و ارتقای جایگاه فرهنگی و اجتماعی مهاجران و تازه‌واردان بخشی از اهداف BNDG است.»

خانم مینا سان احمدی گرامی موسسه Bienvenue NDG چه نوع موسسه‌ای است و چه خدماتی می‌دهد؟

مرکز BNDG یک موسسه غیرانتفاعی است که زیر نظر مستقیم سازمان مهاجرت کبک فعالیت می‌کند و ارائه تمام خدمات آن رایگان است. این مرکز برای تسهیل ادغام مهاجران و تازه‌واردان در جامعه جدید، در محله NDG شهر مونتترال واقع شده است. حتماً می‌دانید که آن.دی.جی یکی از محلات مونتترال است که بیشترین جمعیت ایرانی را در خود جای داده است. از جمله اهداف این مرکز، فراهم کردن محیطی صمیمانه و گرم برای استقبال از مهاجران، مساعدت به آنها در زمینه‌های مختلف، ایجاد بستر مناسب به‌منظور همبستگی با جامعه جدید و ارتقای جایگاه فرهنگی و اجتماعی تازه‌واردان برای تبادل فرهنگی متقابل بین آنها و محیط جدید است. در این مرکز خدمات متنوعی از قبیل برگزاری انواع کارگاه‌های آموزشی، کلاس‌های فرانسه و انگلیسی، کلینک‌های مالیاتی، مشاوره‌های کاریابی و تحصیلی، درخواست برای کمک‌هزینه فرزندان، توانمندسازی بانوان، همکاری با مراکز دیگر، کارگاه‌های هنری، فرهنگی، اقامتی و داوطلبانه برای مهاجران به بیش از ۲۰ زبان مختلف به‌صورت رایگان ارائه می‌شود.

دقیقاً چه افرادی می‌توانند از این خدمات بهره‌مند شوند و هدف مرکز از ارائه آن‌ها چیست؟

مخاطب اصلی خدمات مرکز BNDG، مهاجران، تازه‌واردان، خانواده‌ها و فرزندان‌شان، دانش‌آموزان، دانشجویهای

Sutton

مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743



Sutton

YASAMIN ALI-AKBAR

Courtier Immobilier Résidentiel

ELHAM JAMI

Courtier Immobilier Résidentiel

514-677-9681

514-966-9681

yasamina@sutton.com

enlajami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال

همکاری با تیم با تجربه در
تهیه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

تسهیلات ویژه برای تازه واردین به کانادا



Agence immobilière
RE/MAX Haute Performance

شاهین سجادی

کارشناس و مشاور رسمی
املاک مسکونی



SHAHIN SAJADI

• Courtier immobilier
résidentiel

514-464-8220



f shahinsajadi

shahin.sajadi@remax-quebec.com

shahinsajadi.realtor

- ارزیابی ملک و مشاوره رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک در آمدزا
- همراهی در تهیه وام با بهترین شرایط
- هزینه محضر هدیه ما به خریداران گرامی

شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

طراح و ناظر پایه یک شهرداری در ابران
با بیش از ۱۵ سال سابقه



514 290 2210

Casa Bella
Immobilier CasaBella
4163, boul. Lévesque O.E. inc.
IGCI 117W 2P4



ShahrianRealtor@gmail.com

ادبیات
فرهنگ
و هنر

ادبیات
فرهنگ
و هنر

ادبیات
فرهنگ
و هنر

www.hafteh.ca

رادیونماشوم
اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم
هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

نماشوم همیشه جویای همکاری
همکاران تازه است.

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

CKCU 93.1 FM

<https://t.me/ottawaradio> www.PersianRadio.net @namaashoum_radio



عشق ... دار ... آتش، و ...

قسمت دوم و پایانی

رازی، دوستی داشت. حکمت و فلسفه را نیز فراگرفته و با فلسفه‌ی ادریسی نیز، که ریشه در علوم یونانی و کیمیاگری داشته، آشنا بوده است.

حسین در سال‌های آشوب قیام بردگان و شورش «صاحب الزنج» دو بار به مکه رفت و بی ارشاد هیچ شیخ، توشه‌ی بسیار از علم و معرفت اندوخت. بار اول، یک سال در مکه ماند - یک سال روزه، ریاضت، و گوشه‌گیری. مکه برای او سرزمین الهام و دریافت‌های روحانی بود.

یکی از شعرهایی که در مکه بر زبانش رفت، پیشاپیش خودش به بغداد رسید و زبازد مردم کوچه و بازار، از خرد و کلان، گردید:

«من آنم که دوستش دارم،

و آن که دوستش دارم، من است.

ما دو جانیم که در یک تن گردآمده‌ایم:

چون در من نگری او را نگریده‌ای،

و چون در او نگری، ما هر دو را دیده‌ای.»

این عاشقانه‌ی پرشور را خنیاگران شهر، ترانه‌خوانی می‌کردند. مردم کوچه و بازار از آن لذت می‌بردند و حتا در تنهایی آن را زمزمه می‌کردند. اما برخی صوفیان بغداد، همانند شیخان حرم در مکه، که در شعر حلاج نشانه‌های کفر و الحاد یافته و به او بدگمان شده بودند، آن را کفر می‌شمردند. ابوالقاسم جنید، شیخ صوفیان بغداد که این‌گونه سخنان را زیاد از حلاج، شاگرد سابق خودش، شنیده بود، به همه‌ی مریدان توصیه می‌کرد که از حلاج دوری گزینند و با او نشست‌وبرخاست نکنند. رابیان حدیث، فقیهان، و اهل کلام نیز این شعر و گوینده‌اش را درخور تکفیر دانستند. اما شعر همچنان دهان‌به‌دهان می‌گشت و بر زبان‌ها جاری

در سفر پیاده می‌رفت، با عصایی در دست و سرعتی اندک، و معمولن در پشت کاروان‌های شتر و گاهی سوار بر شتر. گاهی هم دیده‌شده که ۷۰ تا ۴۰۰ مرید او را همراهی کرده‌اند.

به سبب رشد و نمو در شهرهای عرب‌زبان با زبان پارسی آشنایی کافی نداشت و با مردم پارسی‌زبان توسط مترجم صحبت می‌کرد. کسانی از مریدان او، در هر مکان، درس‌های او را به زبان محلی، هم‌زمان، ترجمه می‌کردند.

دریکی از سفرها، حلاج با مرید وفادارش، احمد بن فاتک، از نهاوند می‌گذشتند. از دوردست صدای سُرنا و دهل می‌آمد. حلاج پرسید:

«چه خبر است؟»

احمد پاسخ داد:

«خبر این است که امروز نوروز است.»

حلاج آهی از دل برکشید و گفت:

«نوروز ما کی خواهد آمد؟»

فاتک پرسید:

«فکر می‌کنی برای تو چه زمانی نوروز خواهد آمد؟»

حلاج ایستاد، نگاهی به دوردست آسمان انداخت و لبخند زد:

«روزی که مرا بردار آویخته باشند، تا بدین‌سان به قرب الاهی رسیده باشم!»

حلاج طی سفرهای خود با علم کیمیاگری و پزشکی آشنا شد. اصطلاح‌های این علوم را در بحث‌های گوناگون بکار می‌برد. شاید همین، بنیاد برخی از شایعه‌ها درباره‌ی جادوگری او بوده است. با پزشکان بیمارستان معروف گندی شاپور، به‌ویژه محمد زکریای

حلاج بین سال‌های ۲۶۵ تا ۲۸۱ خورشیدی، یعنی فاصله‌ی بین حج نخست و سومین (واپسین) حج، سفرهای زیادی کرد و تا چین پیش رفت. در این سفرها می‌کوشید آیین و اندیشه‌ی خویش را به مردم، بشناساند. در سفرهایش جامعه‌ی صوفیان را کنار گذاشته و کلیجه (قبا=قفلان) به برمی‌کرد. اغلب شب‌ها را در رباط‌ها و مسجدها می‌گذراند و روزها را به وعظ و تبلیغ می‌پرداخت. بی‌پروا و بی‌قید بود و بی‌هیچ تشریفات با بازرگانان دیدار می‌کرد. در حضور پادشاهان بی‌باک و جسور بود. با بزرگان قوم‌ها و گروه‌ها و «اهل کلام» به مشاجره قلمی می‌پرداخت و با هر گروهی - معتزله، شیعه، سنی - به زبان خودشان سخن می‌گفت و مناظره می‌کرد.

بود. بدین ترتیب، سران و پیشوایان شهر، پیشبازی خصومت‌آمیز برای حسین حلاج تدارک دیدند.

سرانجام در سال ۲۸۱ خورشیدی پس از بازگشت از واپسین (سومین) زیارت کعبه، خانه‌ای در بغداد برای خویش بنا کرد که خانقاه، محل پذیرایی، و سخنرانی‌های او شد. وی که دیگر به تکامل روحانی و عرفانی دست‌یافته بود، از این مکان برای خلوت‌نشینی، نماز شب و مناجات بهره می‌گرفت. هم در آنجا به مریدانش پند می‌داد که ده روز عزلت‌گزینند و تنها به کار. «ذکر» و روزه بپردازند. این مکان، گوشه‌ای دورافتاده بود در گورستان بزرگ مقابر الشهداء. در همین مکان بود که یک‌شب در زیر پرتو ماه، یکی از مناجات‌های بسیار زیبا و پرمعنا و شگفت‌انگیز او بر زبانش جاری شد. قاضی ابن حداد مصری (به نقل از ابو حسین بصری) روایت کرده که، «در شبی روشن از پرتو ماه، از خانه برون شدم تا بر سر گور ابن حنبل نماز بگزارم. آنجا، از دور، مردی ایستاده دیدم، روی به‌سوی قبله. بدو نزدیک شدم بی‌آنکه او پی ببرد. او حسین منصور بود که می‌گریست و می‌گفت:

«ای آنکه مرا با محبت خود سرمست کرده‌ای و در میدان‌های قُرب خود سرگردان ساخته‌ای، تنها تو در انفرادِ قَدَم منفرد هستی؛ و تنها تو در مقعد صدق بر خود گواهی می‌دهی - گواهی تو به عدل است نه به اعتدال؛ دور تو به عزلت است نه به اعتزال؛ حضور تو به علم است نه به انتقال؛ غیبت تو به احتجاب است نه به ارتحال. هیچ چیز بر بالای تو نیست تا تو را در سایه‌ی خود گیرد؛ چیزی بر زیر تو نیست که بر آن بُرده شوی؛ چیزی فرا پیش تو نیست تا تو را محدود سازد؛ و چیزی فرا پس تو نیست که به تو پیوندد. به حرمت این قُرب‌های مقبول و این مراتب مسئول از تو می‌خواهم که مرا به خود وانگذاری از آن پس که مرا ربوده‌ای؛ و نفس مرا به من نمایی از آن پس که از من نهان ساخته‌ای. بر شماره‌ی دشمنانم بی‌فزایی و کسانی را که در پی قتلیم برخاسته‌اند، بی‌شمار فرمای!»

در ورود به بغداد، ایمان سرشار حلاج او را برانگیخت تا در گذرگاه‌های عام، در مسجدها، در برابر مردم مسلمان و در میان بت‌پرستان، در محضر بزرگان شهر و در نزد مردم عادی، بی‌باکانه و بالاراده‌ی راسخ به دعوت علنی

دست بزند و آداب و قواعدی را که برای خود نیکو یافته، و حاکی از زندگی بر پایه‌ی توکل و تسلیم و خضوع و خشوع پرشور بود، تبلیغ کند.

به تحلیل لویی ماسینیون فرانسوی، «جان کلام دعوت حلاج عبارت بود از: تقدس و تنزّه ذات الاهی و حضور خداوند در نفوس صالحان، در پرتو لطف خویش. وحدت الاهی نتیجه‌اش کمال بخشیدن به شخصیت عارف، قدسی و الاهی گرداندن آن و عضوی زنده و آزاد ساختن آن است.»

«حلاج بی‌پروا به نام خدای یکتا و متحد سخن می‌گفت. از فرط هماهنگ کردن اراده‌ی خدا با احکام شرع، دیگر چیزی را احساس نمی‌کرد مگر عینِ کن! خدا در محکمه‌ی ضمیر او به‌عنوان اصل تمیز، در هریک از حالت‌های وی حضور دارد. او خود را بر اثر حضور محرکی ازلی - ابدی، یعنی محرک روح الاهی (شاهدالقدم)، به بیان کن! اودار می‌بیند: برای ما روایت شد (حدثنا) از سبز شدن گیاهان، از الوان انوار (گل‌ها)، از حیات قدس (الاهی). جنان به ما نزدیک می‌شود هر روز بارها و بر زمین مقدس هرسال یک‌بار، به صورت.»

مشرّب وی دعوت به پرستش خدای یگانه، با تأکید در باب تحقق تدریجی حضور وی در دل‌ها بود. مستمعان خود را، از راه خواندن ضمیر آنان، به کاوش و بینش درون برمی‌انگیخت. چنین بود که در اهواز او را حلاج قلوب اسرار نامیدند. در اهواز کافران را موعظه نمی‌کرد تا آنان را مؤمن سازد، بلکه مؤمنان را موعظه می‌کرد تا حضور خدا را، که خود مستغرق آن بود، در نهاد خویش تحقق بخشند.

گرچه شماری از بزرگان و سران حکومت به وی گرویدند و وی با آنان ارتباط برقرار کرد (از جمله، ابن حمدان و قشیری) و بازرگانان ثروتمندی (از جمله مدائنی) او را یک‌چند پذیرایی کردند، ولی روی سخن و دعوت حلاج بیشتر با مردم عادی کوچه و بازار بود. حلاج در بازارها، کارگاه‌ها، مسجدها، گذرگاه‌های اصلی، گفتارهایی نیرومند، بایمان، مستدل، و بی‌پیرایه، به گونه‌ی بدیهه، به مردم عرضه می‌کرد. گاهی گونه‌ای وجد و بیخودی از او

در برابر مردم ظاهر می‌شد - وجد و شعفی که گویای بصیرت او بود بی‌هیچ اداواطوار و حرکت‌های جنون‌آمیز بدنی. مردم را به توبه و زندگی همراه با تسلیم رضامندانه موعظه می‌کرد؛ ولی بیش از هر چیز، وجد و

سرمستی ناشی از «عین‌الجمع» (۴) و اتحاد، از او ظاهر می‌گردید که با فریاد «انا الحق» همراه بود.

مردم به او روی می‌آوردند و به سخنانش با دل‌بستگی گوش می‌دادند. چنین بود که شماره‌ی کسانی که به‌گونه‌ای بی‌سابقه و غیرعادی به او می‌پیوستند و او را منجی می‌شمردند و به او نامه می‌نوشتند و او را «روزی‌بخش»، «اهل تمیز»، و «مصطلم» (۵) می‌خواندند، روز‌به‌روز بیشتر می‌شد. همین موج همدردی و دوستی قلبی سبب شد که کارهای فراطبیعی فراوانی به وی نسبت دهند.

در سال ۲۸۹ خورشیدی محمد بن داوود اصفهانی (فقیه) همگام با چند تن دیگر از علما برضد دعوت او به‌پای خاستند و بر او داغ ننگ زدند. علی بن عیسا (وزیر) به راهنمایی نصر قشوری (حاجب) بر او حمله بردند. حتا شبلی و تنی چند از دیگر مشایخ طریقت، او را انکار کردند. برخی هم گفتند او جادوگر است، و عده‌ای او را دیوانه خواندند. بعضی هم می‌گفتند نه جادوگر است و نه دیوانه، نیروی انجام کارهای خارق عادت دارد و مستجاب‌الدعوه است.

ابن داوود اصفهانی، بنیان‌گذار طریقت طاهریه، مدعی بود که می‌تواند هر حقیقتی را که بخواهد از متن سوره‌ها و آیه‌های قرآن استخراج کند؛ وی به اتکای همان تعبیرهای ظاهری، فتوایی برضد حلاج صادر کرد و باعث گشت که وی زیر نظر نیروهای انتظامی بغداد قرار گیرد. اما یک سال بعد حلاج توانست بگریزد و به شوش برود و بعد در اهواز پنهان گردد. باین‌حال، در سال ۲۹۳ خورشیدی دستگیر شد.

در محاکمه‌ی نخست، گرچه زندیق و قرمطی بودن او به اثبات نرسید، به‌فرمان علی بن عیسا وزیر معروف خلیفه، ریشش را تراشیدند و یک روز بر جسر (پل) شرقی و روزی دیگر بر جسر غربی به صلیب بستند و جارچیان را فرمان دادند که جار بزنند: «این است یک‌تن از قرمطیان. بیاید و بشناسیدش!» سپس او را پایین آوردند و برای ادامه‌ی تحقیق و بازجویی به زندان انداختند، زندانی که هشت سال به درازا کشید و با شکنجه و آزار بسیار همراه بود.

روزی که او را کتک‌خورده و با پاهای خون‌آلود، دست‌وپابسته با خشونت و تازیانه به درون تالار محکمه راندند، مردم حاضر در دادگاه به احترام او به پا خاستند. بارش

نباید شتاب کنم و خود را به دست شادی بسپارم.»

جلاد بار دیگر حلاج را چنان به باد سیلی گرفت که چهره‌اش درید و خون جاری شد. اما حلاج در همان حال فریاد می‌کرد: «احدا!»

شبلی خراسانی، نعره‌زنان، جامه بر تن درید و چند لحظه از هوش رفت. چند سیلی دیگر بر رخسار خون‌آلود حلاج فرود آمد. شکنجه بر بالای دار هم ادامه داشت، چراکه جلاد بیکار نمی‌توانست ایستاد. محکوم، چند لحظه زیر لب به مناجات و دعا پرداخت. حلاج همچنان که نگاهش به تماشاگران بود، همسرش، ام حسین، و پسرانش، حمد و منصور، و خواهر و خواهرزاده‌اش را هم در بین جمعیت دید. همه در سکوت اشک می‌ریختند و نظاره می‌کردند. ناگهان حلاج بانگ برداشت که:

«برای واجد همان بس که واحد او را به جهت خویش، یکتا کرده باشد...»

جلاد دشنه را از نیام بیرون کشید و دست‌های حلاج را از آرنج برید. خون جاری شد، اما خنده‌ای آشکار چهره‌ی حلاج را بیاراست. یکی فریاد زد:

«ای حلاج! چه جای خنده است؟» حلاج پاسخ داد:

«دست آدم بسته را از تن جدا کردن آسان است، مرد آن است که دست صفات را که کلاه همت از تارک عرش می‌رباید، قطع کند!»

جلاد پاهای او را قطع کرد و به جلو مردم انداخت. حلاج همچنان لبخند بر لب، با صدای رسا گفت:

بدین پای سفر خاک می‌کردم... قدمی دیگر دارم که سفر دوجهان می‌کند. اگر راست می‌گویید، آن پا را ببرید!»

هیاهو و فریادهای جمعیت به اوج رسید. گروهی سنگ و گروهی گل به سوی او پرتاب می‌کردند. جمعی نیز، حیرت‌زده، بر جای می‌خکوب شده بودند؛ گویی آنچه به چشم می‌دیدند باور نمی‌کردند. پاسداران با خشونت بی‌اندازه و به ضرب تازیانه و چوب‌دست می‌کوشیدند شورش را مهار کنند.

نگاه نافذ حلاج روی چهره‌ی تماشاگران می‌گشت. با خون فراوانی که از بدنش می‌رفت دریافت که رویش به زردی گزاییده. آرنج‌های خون‌آلودش را بر یکدیگر کشید و به چهره مالید. یکی فریاد زد:

«ای پروردگار ما، این تویی که همه‌جا در تجلی هستی!»

سپس شعری بر زبانش روان شد: «آن‌کس که مرا به مهمانی خواند

- و با ستم نسبتی ندارد شربتی برایم ریخت، مانند همان که خود نوشید

- همان‌گونه که میزبان از مهمان پذیرایی می‌کند

همچنان که جام، دور می‌گشت، نطع و شمشیر آوردند!

چنین است سرنوشت کسی که، در تابستان با اژدها باده‌گساری کند!»

آنگاه برخاست و پای بر پله‌ی نردبان گذاشت. یکی از میان جمعیت فریاد زد:

«ای حلاج دل‌ها! این چه حال است؟» حلاج با صدایی نیرومند پاسخ داد:

«معراج مردان بر سر دار است!» حلاج را به صلیب بستند. شبلی با آوای بلند پرسید:

«ای حسین! تصوف چیست؟» حلاج با روی گشاده پاسخ داد:

«کمترینش این است که می‌بینی!» «بیشترینش کدام است؟»

حلاج خندید:

«ای ابوبکر! تو را بدان راه نیست، اما فردا آن را به چشم خواهی دید. این در سر ربّانی و رمزِ الهی‌ست که من به او شهادت خواهم داد، و آن از نظر تو پنهان خواهد بود!»

ولوله بالا گرفت و مردم هجوم آوردند. هرکس دشنامی یا کلام ستایش‌آمیزی را فریاد می‌کرد و صدا در صدا گم می‌شد.

پاسداران با تازیانه و چوب‌دستی، به‌دشواری توانستند مردم را عقب برانند و اندکی آرام کنند. ازدحام چنان بود که گویی همه‌ی

بغداد به تماشا آمده است. جلاد برای اجرای مأموریت آماده شد.

احمد بن فاتک، در صف جلو تماشاگران ایستاده بود چون نگاه حلاج از بالای سکوی

دار بر شاگرد وفادار خود افتاد، به بانگ بلند گفت:

«ای احمد، نوروزی که ما جشن می‌گیریم اینجاست!»

احمد فاتک پرسید:

«ای شیخ، آیا هدیه‌های جشن را دریافت کرده‌ای؟»

آری، آن‌ها را گرفته‌ام، با یقین کامل در پرتو رؤیت الهی چنان که شرمسارم و دیگر

رگبار سیلی‌های غلام ترک بر سر و صورت او، به اشاره‌ی حامد عباس وزیر، و مجروح کردن رخسارش با دشنه، خروش اعتراض حاضران را برانگیخت. منشی‌های دادگاه، جلادان زندان بودند که ردای بلند و گشاد قاضیان را بر تن کرده بودند. یکی از همان منشی‌ها خطاب به او گفت:

«ملعون! آیا راست است که در نامه‌ای به دوستان خود را رحمان و رحیم و غلام‌الغیوب

(داندۀ غیب) عنوان داده‌ای؟» حلاج با متانت و آرامش پاسخ داد: «در

نامه‌ی من چنین عنوانی باشد یا نباشد، درک و تفسیر آن در حد هرکسی نیست. این چیزی است که یاران ما آن را «عین‌الجمع»

می‌خوانند، و فهم آن در شأن امثال شما و حامد نیست. فهم شما در حد مصادره‌ی

اموال مردم بی‌پناه و توطئه و احتکار است...» حکم دادگاه پیشاپیش بر روی کاغذی

نوشته‌شده و حامد وزیر با آن خود را باد می‌زد تا منشی کلمه‌های آن را بخواند:

«حکم خلیفه: تازیانه، دار، کشتن و سوختن...»

یازدهم فروردین سال ۳۰۱ خورشیدی فرارسید روزی که حلاج می‌بایستی به دار زده می‌شد.

ازدحام مردم اندازه نداشت. جارچیان حکومتی یک روز پیش‌تر خبر به صلیب

کشیدن حلاج را در شهر جار زده و مردم را به قربانگاه فراخوانده بودند. حتی آفتاب داغ بهاری

بغداد هم مانع افزایش دم‌بدم مردم نشد. چنان غلغله و ولوله‌ای در جمعیت افتاده بود

که گویی روز رستاخیز فرارسیده است! نیمی با چهره‌ی اشک‌آلود در دوستی و محبت

حلاج شعار و فریاد سر می‌دادند و نیمی در دشمنی با او، لعنت و ناسزا.

زندانی، لبخند بر لب، شلاق پاسداران را تحمل می‌کرد و همانند شیری در زنجیر

پیش می‌رفت. به پای چوبه‌ی دار رسید. با دیدن دار چنان خنده‌ای سر داد که اشک

در چشمانش آمد. لختی ایستاد و خطاب به ابوبکر شبلی خراسانی که در میان مردم

تماشاگر ایستاده بود، گفت: «ای ابوبکر! سجدهات را همراه داری؟»

«آری.»

«ای شیخ، آن را برای من بگستران...»

شبلی سجاده را گسترده. حلاج بر سجاده نشست و دو رکعت نماز گزارد، سلام داد و

زبان به نیایش گشود:

«این چه کارست؟»

پاسخ داد:

«خون بسیار از من رفته است. چنین کردم تا نپندارید که زردی رویم از ترس است.»

صدایی دیگر فریاد کرد:

«ساعدهایت را چرا به هم مالیدی؟»

«وضو ساختم!»

«این دیگر چگونه وضویی است؟»

حلاج با آخرین توان صدایش پاسخ داد:

«در عشق دو رکعت است و وضویش درست نیاید مگر به خون!»

جلاد خنجرش را به نشانه‌ی تهدید بالا آورد، اما حلاج بی‌اعتنا به تهدید او فریاد زد:

«پروردگارا! اکنون به سرمنزل آرزوهایم درمی‌آیم تا نظاره‌گر شگفتی‌های تو باشم.»

آفتاب به زردی گزاینده بود و خورشید می‌رفت تا روشنایی خود را از صحنه‌ی شرم‌آور و ضد انسانی بغداد برچیند. غلغله قیامت گونه‌ی مردم در پای دار منصور کاهش چشمگیری نشان نمی‌داد.

شب فرامی‌رسید. نماینده‌ی خلیفه سر رسید و پس از بازدید صحنه اجازه داد که جسم بیجان و بی‌دست‌وپای حلاج را از دار پایین آورند؛ اما رئیس نگهبانان صحنه به این بهانه که دیروقت است، اجرای دستور خلیفه را به روز بعد موکول کرد.

بامداد روز بعد، با حضور وزیر خلیفه، رئیس شهربانی بغداد و جمعی از ملازمان دیگر، جلاد سر از تن منصور حلاج جدا کرد و در میان دست‌ها و پاهای بریده‌ی او بر روی سکوی دار گذارد، که به مدت یک‌دو ساعت در معرض تماشای خلق بود. سپس اندام‌های جداشده را در حصیری پیچیدند، نفت بر آن پاشیدند، آتش زدند، و خاکسترش را از بالای مناره‌ای به باد سپردند یا به دجله ریختند. آن روز، دوازدهم فروردین ۳۰۱ خورشیدی بود.

گزیده‌ای از سخنان حسین منصور حلاج

در مسجد المنصور:

اگر روزی از آنچه در دل من است بر کوه‌ها بیفتد، کوه‌ها بگذازند؛ و اگر در روز رستاخیز در آتش روم، آتش از من بسوزد؛ و اگر به بهشت

درآیم، بنیان آن ویران گردد.

از کل خود در شگفتم که جزء من آن را حمل می‌کند، و از سنگینی جزء خویش در شگفتم که زمین را یارای حمل من نیست.

اگر همه‌ی گستره‌ی زمین برای من آسایشگاهی باشد، باز قلب من بر پهنه‌ی جهان آفرینش و مخلوق‌ها در حال قبض است.

بخشی از تفسیر زیارت منصور در مکه (نقل از حسین بن منصور در کتاب تفسیر قرآن، از سَلْمی ۳:۸۹):

تا زمانی که بدین «صورت» دل بسته بمانی از خدا جدایی. اما آنگاه که به‌راستی از آن دل برگیری، به کسی که آن‌ها را خلق کرده و پی افکنده است خواهی رسید؛ پس از نظاره‌ی تخریب حرم در درون خود، در حضوری حقیقی، بانی آن خواهی بود.

شعر حلاج

ای آن که مرا از عشق او ملامت می‌کنی!

اگر آنچه از او می‌بینم، می‌دیدي،

ملامتم نمی‌کردی!

کسانی هستند که برگرد حرم طواف می‌کنند،

ولی اندام‌هاشان از مکانی به مکانی نمی‌رود،

زیرا به خدا طواف می‌کنند!

و او آن‌ها را از حرم معاف کرده است

من روز عید آن‌ها،

خود را برای دوست قربانی می‌کنم؛

و مردم، گوسفند و گاو را.

مردم به زیارت حج می‌روند

و من به زیارت دوستی می‌روم

که در من جای دارد.

انجا قربانی هدیه می‌کنند

و من،

رگ‌ها و خون خود را هدیه می‌برم!

قتل حلاج را دادند، جنید جامه‌ی صوفیان بر تن داشت و فتوا نوشت. خلیفه چون فتوا را دید، گفت: «خط جنید باید!» چون به جنید گفتند، برای اجرای حکم خلیفه جامه‌ی صوفیان از تن بیرون کرد، دستار و دراعه پوشید و به مدرسه رفت و در زیر فتوا نوشت: «نحن نحکم بالظاهر»، یعنی من به‌ظاهر حکم می‌کنم [= باطن را خدا می‌داند]. کسی به جنید گفت: «این انا الحق که حسین می‌گوید، تأویلی دارد.» جنید پاسخ داد: «بگذارید بکشند که روز، روز تأویل نیست!»

(۴) عین‌الجمع، آنجا که حاصل شود، مراسم عروسی عاشقانه‌ای است که در آن، خالق سرانجام به

معشوق می‌پیوندد، جایی که مخلوق به وصال می‌رسد و با محبوب خویش محرمانه راز دل

می‌گوید رازهای بی‌سوزان، فصیح، و روان. این گفت‌وگو میان مخلوق و مخاطب، که خداست

و مخلوق، [او را] در اعماق درون خود دارد، جاودانی می‌گردد و با خطاب «من و تو» صورت می‌گیرد. همه‌چیز را برای او بیان می‌کند و همه‌چیز را به او عرضه می‌دارد: رنج‌ها، خواسته‌ها، حسرت‌ها و امیدها را. هیچ عارف عرب‌زبانی وجود ندارد که زبان عاشقانه‌اش، هم سوزان‌تر و هم عفت‌آمیزتر از زبان حلاج باشد (لویی ماسینیون؛ ص ۴۲۴). (۵) مصطلح = مستأصل‌کننده.

منابع:

۱. دکتر جواد نوربخش، حلاج، شهید

عشق الهی؛ ناشر: مؤلف؛ ۱۳۷۲

۲. لویی ماسینیون، سخن انا الحق،

ترجمه‌ی ضیاء الدین دهشیری؛

انتشارات جامی؛ ۱۳۷۴

۳. دکتر عبدالحسین زرین کوب،

شعله‌ی طور؛ انتشارات سخن؛ ۱۳۷۷

۴. روزه آرنالدز، مذهب حلاج؛ ترجمه‌ی

عبدالحسین میکده؛ انتشارات جامی؛

۱۳۴۷

(۱) ذات فرودین = آن ذات تو که در عالم عینیات به صورت حلاج متجلی شده است.

(۲) یعنی، نه تنها خود آنان بر شرافت اخلاق حمیده و تارک اوصاف سعیده سیر می‌کردند بلکه ستوران آن‌ها نیز به سجایای مردمی آموخته‌شده بودند.

(۳) تاریخ می‌گوید: روزی که فقیهان فتوای

بکر در انتخاب راوی منجر به تولید اثری متفاوت شده است.

نمایشنامه‌ی اتوپیا یا مرغ ماهی‌خوار چندین بار به کارگردانی آرش سنجایی بر روی صحنه رفت و با نظرات متفاوت منتقدان روبرو شد. در بخشی از این اثر می‌خوانیم: «مرد: تو اسمت چیه؟»

زن: آتوسا

مرد: اون آقای وکیل مشکلی با تتوکار بودنت نداشت؟ احیانا به این فکر نکرده بود که یه پیامبر چطور می‌تونه تتوکار باشه؟

زن: خودشم دوست داشت. آخرین باری که دیدمش ازم خواست که یه مرغ ماهی‌خوار رو دور شکمش خالکوبی کنم. جوری که گردن درازش بیوفته روی گلوش.»

در نمایشنامه‌ی «دراکولا» که به کارگردانی پویا امینی روی صحنه رفت بازم مانند سایر نمایشنامه‌های آرش سنجایی فضای رئالیسم جادویی برقرار است. در این نمایش از ملاقات با مرگ تا دوتار حاج قربان و شخصیت‌های مختلفی چون دراکولا و مرد فضایی حضور دارند.

مجموعه نمایشنامه‌ی «به وقت پازولینی» در ۱۴۲ صفحه به مبلغ ۵۵ هزار تومان وارد بازار کتاب ایران شد و هم اکنون در دسترس مخاطبان علاقه‌مند به نمایش و نمایشنامه‌است.



می‌گویند. به این ترتیب مخاطب را با پیچیدگی‌های شخصیتی و رفتاری خود و جهان نا به سامان متن نمایش آشنا می‌کند.

نمایشنامه‌ی جیرجیرک به گفته‌ی نویسنده و کارگردان اثر، تلفیق فیزیکیال بدن و بیان است. شیوه‌ی سیال روایی و نیز سبک رئالیسم جادویی در این اثر به اوج خود می‌رسد. نمایشنامه‌ی مرگ فیدل که برداشتی آزاد از نمایشنامه‌ی هملت است و راویان داستان جنیان هستند. این ایده‌ی

تازه‌های کتاب ایران:

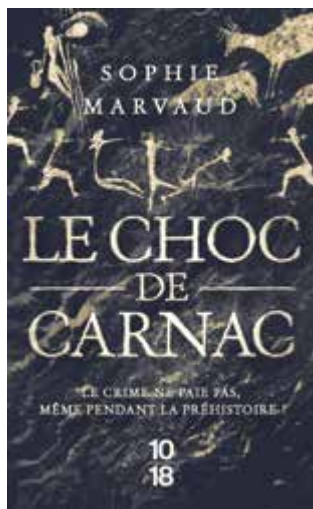


انتشارات افراز کتاب «به وقت پازولینی» نوشته‌ی آرش سنجایی را منتشر کرد. آرش سنجایی، هنرمند پرکاری است که از فیلم سینمایی و مستند گرفته تا ترجمه و تالیف در کارنامه‌ی مفصل خود دارد. مجموعه نمایشنامه‌ی «به وقت پازولینی» که ابتدا در دانمارک چاپ شد و سپس در ایران، شامل پنج نمایشنامه است که همگی اجرا شده‌اند و برخی در اجراهای متعدد روی صحنه رفته‌اند. نمایشنامه‌ها عبارتند از: به وقت پازولینی، جیرجیرک (سایش پرز و پوست)، مرگ فیدل، اتوپیا (مرغ ماهی‌خوار) و دراکولا. نمایشنامه‌ی «به وقت پازولینی» جهانی آشفته و لبریز از عدم قطعیت را به تصویر می‌کشد و شخصیت‌ها هر یک در خلال مونولوگ‌هایشان از رنجی که متحمل شده‌اند

تازه‌های کتاب کانادا:



قتلی مرموز، نزاعی میان قبایل کشاورز و صیاد و شکارچی رخ می‌دهد و داستان بر سر پیدا کردن قاتل است. هر یک از این سه قبیله دیگری را متهم به قتل می‌کند و در نهایت سه زن از هر قبیله با فرهنگ‌ها و سنن مختلف انتخاب می‌شوند تا راه چاره‌ای بیابند و صلح برپا کنند. نوشتن یک رمان پیش از



تاریخ از آن جهت دشوار است که می‌بایست نویسنده از اطلاعات جغرافیایی و تاریخی و فرهنگی و زیستی مردم آن منطقه آشنایی داشته باشد و در عین حال از عنصر خیال استفاده کند. مخاطب در هنگام خواندن این رمان گاهی احساس می‌کند شخصیت‌ها دارای تفکرات مدرن نسبت به زمانه خود هستند و این از باورپذیری اثر کم کرده است. اما در عین حال توصیفات بی‌نظیری از طبیعت منطقه و شیوه‌ی زیستی آدم‌ها در خلال رمان روایت شده که خواندن آن را جذاب می‌کند. سوفی مرو، نویسنده‌ی فرانسوی است و در رشته‌ی تاریخ و علوم سیاسی تحصیل کرده است. او تاکنون بیش از پنجاه جلد داستان و رمان کودک و بزرگسال و نیز تعدادی فیلمنامه از او منتشر شده است. او از سال ۲۰۰۴ کارگاه‌های نویسندگی برگزار می‌کند و نیز در یک مدرسه‌ی فیلمسازی مدرس دراماتورژی است.

رمان Le Choc de Carnac در ۳۱۲ صفحه به مبلغ ۱۵.۹۵ دلار در کتابفروشی‌ها در دسترس علاقمندان رمان تاریخی و پلیسی است.

نشر Editions 1018 رمان تازه‌ای از نویسنده‌ی فرانسوی سوفی مرو Sophie Marvaud با عنوان Le Choc de Carnac را منتشر کرد. این رمان برنده‌ی جایزه‌ی Prix France Bleu از طرف رادیو فرانسه به‌عنوان بهترین رمان مهیج تاریخی شد. ماجرای این رمان جنایی به پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. در خلیج کویبرون و منطقه‌ی کارناک، به خاطر

جغرافیای ادبیات یک سرزمین کهن: ای غزنه!

در زمان سلطنت ظاهرشاه در سال ۱۳۲۵ / ۱۹۴۶ عیسوی / در یک خانه روشنفکر با اقتصاد متوسط تولد شده‌ام، پدرم شغل و حرفه مأموریت در دولت داشته اهل علم، حلم و تقوی بود، دوران کودکی را در قریه کوچک اما با محتوی علمی که همه آن قلم‌به‌دست و اهل عرفان و تقوی بودند گذرانده‌ام. اسم این قریه بکاول است

ابتدا به مسجد و مدرسه رفته در نزد شیخ محمد یوسف (سخنور) که شخص ادیب، فاضل، دانشمند، شاعر و ملأ امام مسجد قریه بوده دروس ابتدائی را آغاز و بعد از آموزش قرآن عظیم‌الشأن و صرف و نحو راهی مکتب / مدرسه / متوسطه سنایی شده با دادن امتحان سوبه شامل صنف سوم گردیدم، در صنف سوم که معلمان محترم حبیب‌الله خواجه احمدی و شخص مدبر و ساعی و چهره برجسته در بین معلمین مکتب بوده آموزش را آغاز و نمره اول صنف شدم، مکتب متوسطه به لیسه تبدیل، و درحالی که الی صنف ۱۲ اول نمره بودن را حفظ نموده‌ام در سال ۱۳۴۵ / ۱۹۶۶ عیسوی از آن لیسه فارغ و با سپری نمودن امتحان کنکور در سال ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ عیسوی شامل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل گردیدم، بعداً از دانشکده فارغ و به انجام دادن دوره مکلفیت عسکری (خدمت سربازی) سوق گردیده دوره احتیاط را که برای تحصیل یافتگان و نخبه‌ها امتیاز قائل بودند سپری و در زمان سلطنت ظاهرشاه در وزارت عدلیه آن وقت شامل مأموریت شدم، دوران پرتلاطم داود خان، کمونیست‌ها و مجاهدین را در وطن سپری و در زمان طالبان بدون کدام جرم و گناه راهی زندان شدم، حالت غیرقابل توصیف را در حالت بی‌گناهی گذشتاندم، شرح‌حالم را به رئیس امنیت ملی آن وقت نگاشته و آرزوی رهایی‌ام را نمودم، قاری احمداله رئیس آن وقت امنیت ملی از غزنی و کارهایش را مامایش به‌پیش می‌برد، مامایش هم مرا و هم پدرم را شناخته بعد از تحقیق که بی‌گناهی نزدش ثابت شد امر رهایی‌ام را صادر نمود، بعد از رهایی راهی پاکستان شده و بعد از مدتی در اواخر سال ۱۹۹۸ و اوایل سال ۱۹۹۹ به کانادا آمدم و فعلاً با خانم و چار فرزندم ساکن کانادا هستم و در اتاوا زندگی می‌کنم.



میرزا محمد عابدی از زبان خودش

اسم سید میرزا محمد عابدی است؛ فرزند سید سلطان محمد عابدی و متولد قریه بکاول ولایت غزنی افغانستان هستم.

ای غزنه!

ای غزنه‌ای نماد حکایات و قصه‌ها
ای مهد علم و معرفت و نعت انبیاء

ای جایگاه فضل و کمالات بی‌بدیل
ای رسته در تو بیرونی و جمع اولیا

ای مهد دانش و متجلای شاعری
بس شاعران که بود به عز و مقام جاه

گویند چارصد نفر از نخبه شاعران
بودند غزل‌سرا و ثنا خوان و اولیا

از جور روزگار و چپاولگران و جنگ
گشتند محو و نیست اثر از همه بما

لیکن هر آنچه مانده به ماها تصادفی
از سینه‌ها و راوی و هم از نوشته‌ها

بوالفتح بُستی و ابو نصر فارسی
فردوسی آن سخنور بی‌مثل و بی بقا

بودند شاعرانی که هم هجو می‌سرود
دیوان اوست گنجینه‌ای بس گران‌بها

اسمی که او نهاده برین گنج بی‌بدیل
کشف‌المحجوب است یکی دیوان پربها

فرخی سیستانی و هم العطاردی
عنصری بلخی و عیوقی و مثل‌ها

مسعود سعد سلمان و عسجدی همه
بودند ساکن تو در آسایش و رفاه

از فیض علم و دانش بیرونی بزرگ بیرون شده تمدن امروز برملا	آن کس که ریخت جمله کتابش به رودبار برکند دل ز دهر و شد درراه دین پناه	نظامی عروضیان شاعر فصیح با دامغانی شاعر و همتای خوشنوا
دنیای علم مدیون آثار اوست لیک لیکن خرابه مدفن بی فرش و بوریا	آن کس که وصف ذات خداوند پاک را آینه سان بیان بنمود روشن و ضیا	بو نصر مشکان که دبیر مدبر است دیوان و دفترش شهره ارض والسما
در گوشه خرابه به حال خراب و زار یک گور عادی شکل و شمایل خرابه‌ها	او مظهر حقایق سیر و سلوک گشت بنیان نهاد راه طریقت به اولیاء	آن بیقی که هم‌ره بونصر دفتری است تاریخ را به اوج معلا نمود بنا
در جلوه‌ای تمدن امروز کن نظر بین جلوه‌های مرقد و هم برج و بارگاه	بسیار عارفان که از او پیروی نمود بلخی رومی است یکی پیروان راه	بنگر به زوزنی که درین راه نهاده پا زیبا بیان و خوشنویس و شعر پر بها
در ملک بیرونی و سنایی نظاره کن بنگر تو مرده‌های سر افکنده بر سما	بلخی که در مقام طریقت شده مرید تقلید می‌کند ز سنایی چو پیشوا	در انوری نگر که چه فکر بلند داشت در مدح و در قصیده و ترجیع‌بندها
آن مرقدان قتل گر و غاصبانی اند کز خون مردمان تهیدست شده بنا	زیبا سروده مولوی آن رند معرفت در وصف مرشدان دو مرد ره خدا	* * *
بنگر به شهر غزنه آن شهر علم و فضل پوسیده پیکرش چو جسدهای مرده‌ها	(عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار می‌رویم)	در تو غنوده سیدحسن غزنوی ز لطف آن کس که در فقاہت و ارشاد بود غنا
بنگر تو شهر بیرونی و هم سنایی را یک شهر مرده فاقد زیبایی و صفا	گر شأن بلخی را تو ببینی به معرفت پی می‌بری به منزل عطار و هم سنا	او مرد وعظ و منبر و تشریح و فقه بود در مدرسه مدرس بی‌مثل و بی‌بها
یک شهر غم‌زده که فلاکت در او نماست شهر مهیب و رعب به شکل گودال‌ها	* * *	از مزرعی که کاشت به انواع حاصلش بس خوشه‌چین که بهره گرفتند فیضها
بالا حصار که روزی عروس البلاد بود شکل خرابه ایست که وحشت در او نما	در تو غنوده عالم و استاد علم نجم البیرونی بحر علم نجوم و ستاره‌ها	از خوان پر ز نعمت و پر از حلاوتش جمعی شدند سیر و رسیدند بعز و جاه
غزنه زمانی باز به جلال و شکوه رسد تا مردمش ز خواب پریشان شود رها	مخلوق این جهان همه مقروض علم اوست تقویم را نهاده به انسان چو راهنما	در شعر وهم تغزل دست طویل داشت او راهنمای خوب به هر شاه و هم گدا
مردم غزنیچی!! همگان متحد شوید از مرد و زن بدون تفوق و فرقی‌ها	از فیض علم او و عمل‌های دور اوست انسان رسیده است به تمدن و عز و جاه	* * *
تا بازآوریم به دیار عزیز خویشان شأن و شوکتی که دی داشتیم ما	او مشعل مشعشع علم ستاره‌ها است تاریخ و جبر و فلسفه، فیزیک آشنا	در تو غنوده است ابوالمجد با وقار بن آدم سنایی آن صدر اولیاء
یارب به حق روح سنایی و بیرونی باز آرشان و شوکت غزنه برای ما	ای غزنه افتخار همه شرق و آسیا نامت مسجل است به تمدن چو پیشوا	آن کس که مدح پادشهان را کنار زد نوشید ز آب زمزم معرفت العلاء
تا عابدی و جمله عزیزان غزنیچی باشند مفتخر و معزز پر از صفا	مردان نکته‌دان و سخن‌دان این جهان هستند معترف که بودی ثقل علم‌ها	آن کس که سنگ زیربنای تصوف است عارف کسی نبوده چو او در مقام و جاه



ترجمه:
خالد بایزیدی (دلیر)



«لالایی برای کودکان فقیر سرزمینم» با ترجمه کردی

لایه لایه ک بوو مناله هه ژاره کانی ولاته که م

روله که م
تاقانه گوله که م
دی لایه لایه
شه و درینگه و
بخه وه...
به خه یالی منالانه
هه لفره...
تا باخ و بیستانه کان
تا کیوو و کوستانه کان
وه ها بخه وه
که له باوه شی من دای
په پووله ی سه رخوش ومه دهوشی منی

هیدی ترله مژیووله کانت
چاوه گه ش وناسمانییه که ت
له سه ریه ک دانی
بزانه:
جوانترین خه ونه کانم
بزانه:
ریژنه ترین بارانی فرمیسه کانم
چاو له ئینتزاری گه رانه وه ی توویه
کاتی گه رانه وه ت
به فرمیسه کانم ئه کیشمه وه
خوا و ناسمان
به و وینه په سه رسام ده که م
روله که م
تاقانه گوله که م

دی لایه لایه
شه ودرینگه و
بخه وه...
چاوه کانت هیدی هیدی
له سه ریه ک دانی
له وانه په من له خه ون دا ببینی...
له په کیک له شه وه پرله ئه ستیره کاندایا
له که نار ناویکی روون
وه کوو ماسی په ک
بخه وه...
له وانه په منیش بیمه خه ون ته وه و
کولمه سوور وگه شه کانت
ده ریا ده ریا
ماچ که م

لالایی برای کودکان فقیر سرزمینم

فرزندم!
یگانه گلم
لایه لایه
شبا هنگام است
بخواب...
با خیال کودکانهات
پرگشا...
تا باغ و گلستانها
تا کوه و کوهستانها
چنان بخواب
که در آغوش منی
پروانه‌ی سرمست و

مدهوش منی
آهسته‌تر از پلک‌هایت
چشم‌های زلال و آسمانیات را
روی هم بگذار
بدان:
زیباترین رویاهایم
بدان:
یکریزترین باران اشک‌هایم
چشم به انتظار
بازگشت تو را
با اشک‌هایم به تصویر می‌کشم
و خدا و آسمان را
شگفت‌زده می‌کنم
فرزندم!

یگانه گلم
لایه لایه
شبا هنگام است
بخواب...
چشم‌هایت را
آهسته آهسته ببند
شاید من را به خواب ببینی...
در یکی از این شب‌های پرستاره
یا که در کنار جویباری زلال
همچون ماهی‌ای بخواب
شاید منم به خوابت بیایم و
گونه‌های زیبا و گلفامات را
دریا دریا
ببوسم

عبداله صفوی Abdollah Safavi

Financial Security Advisor
Investment Representative

مشاور امنیت مالی
نماینده سرمایه گذاری

۳۰ دقیقه مشاوره رایگان برای برنامه
بازنشستگی و سایر مسائل مالی!

Mobile: (514) 467 - 8491
Office: (514) 931 - 4242 ext. 2567
✉ abdollah.safavi@f155.com
🌐 mqsf.ca 📱 mqsf.ca
📍 mqsf.ca 📷 mqsf.ca

canada **life**

Freedom 55
Financial

QUADRUS
Quadrus Investment Services Ltd.



همین امروز نوبت خود را رزرو کنید
www.MQSF.ca

شرکت فیروزه
ساختمانی

CONSTRUCTION
TURQUOISE

طراحی • نظارت • اجرا

- طراحی سازگار با طبیعت برای خانه های نوساز
- طراحی مدرن مطابق با سلیقه ایرانی
- طراحی مجموعه مسکونی
- طراحی خانه های نوساز
- RENOVATION • بهینه سازی فضا
- DESIGN/BULD • طراحی ویلا
- NEW CONSTRUCTION
- RESIDENTIAL/COTTAGE • نوسازی خانه

بیش از ۲۰ سال تجربه در طراحی
و اجرای ساختمان های مسکونی

TEL. 514.808.5898

construction.turquoise@gmail.com

RBQ 01-9923-5798



IRANIAN/PERSIAN BOOKS

WWW.PANBEH.COM

پان به
کتابفروشی
کتاب، موسیقی، فیلم



شعرهای کودکانه

کتابهای دو زبانه

داستانهای کهن

قصه های شب

درسی و آموزشی

داستانهای علمی

نقاشی و سرگرمی

شاهنامه

آموزش فارسی

و

کتاب

صدها عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان

بزرگسالان

ارسال به سراسر کانادا، امریکا، استرالیا و اروپا | info@PanBeh.com | www.PanBeh.com



مشاوره ، طراحی ، اجرا
گرافیک هفته



0-100

به ما بسپارید
از

طراحی تا چاپ

طراحی لوگو/ طراحی پکیج اداری/ پوستر/ کانالوگ/ بروشور

تقویم و سررسید/ صفحه آرای کتاب و مجلات/ طراحی بسته بندی

محصولات/ طراحی تبلیغات

۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸

۴۳۷-۸۸۷-۸۳۰۱

وکیل رسمی دادگستری کبک
Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



نیوشا ریاحی
WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونترال

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه‌های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

امیر ندیمی

Amir Nadimi

مشاور بیمه

Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های
متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial Insurance
Dwelling Insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc



514 - 600 - 2338

www.AmirNadimi.com

@AssurancesNadimi

1955 Ch. de la Cote-de-Liesse,
suite 201

Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6

info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن



با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

- کش یک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محضر هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پنهالی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش یک پنج درصدی بانک CIBC

Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com

Toll-free: +1-866-262-1037

Cell: 514-834-8053

mehرداد.cibc



Top 100 in Canada 2020



گفت‌وگو



گفت‌وگو

گفت‌وگو

گفت‌وگو

www.hafteh.ca

VOYAGES SKY LAWN TRAVEL
آژانس مسافرتی اسکای لان
 بهترین نرخ‌های بلیط به ایران و از ایران به سایر نقاط جهان
 شادی محمدی
Cell: 514-660-7135
 Shadim.sky@gmail.com
 433 Chabanel Ouest, Suite 111 Montreal, QC.H2N 2J3
 Tel: 514-388-1588 Fax: 514-388-2815 www.skylawn.net



از راست به چپ: مهشاد کریمی و ریحانه یاسینی، دو خبرنگاری که در فاجعه اتوبوس خبرنگاران محیط‌زیستی جان باختند.

عیسی کلانتری و جهانگیری باید محاکمه شوند

گفت‌وگوی اختصاصی هفته با زینب رحیمی

اولین روایت از داخل اتوبوس مرگ خبرنگاران

زینب رحیمی از خبرنگاران جوان و جدی محیط‌زیست ایران است که قلمی صریح و گویا دارد. او در سال گذشته به دلیل انتقاد از مدیرکل روابط عمومی سازمان محیط‌زیست (که در یک برنامه تلویزیونی خبرنگاران این حوزه را مزدبگیر خارجی‌ها خوانده بود)، اخراج و از خیرگزاری ایستنا کنار گذاشته شد. خانم رحیمی هم‌اکنون خبرنگار خیرگزاری عصر ایران است که در اتوبوس حامل خبرنگاران در ارومیه در کنار «مهشاد کریمی» یکی از دو قربانی این سانحه قرار داشته است. چند روز پس از سانحه با او تماس گرفتیم و در حالی که وضعیت روحی مساعدی نداشت با آغوش باز دعوت ما را برای مصاحبه پذیرفت. روایتی که در ادامه می‌خوانید ماجرای واژگونی اتوبوس از زبان اوست؛ از معدود خبرنگارانی که حاضر به صحبت درباره‌ی این واقعه شدند. در این مصاحبه او بارها بغض کرد، ساکت شد و گریست اما تکرار کرد که پای خون همکارانش می‌ایستد و نمی‌گذارد حق پایمال شود. این روایت، اولین تلاش مجله هفته برای ثبت دقیق وقایع این حادثه‌ی تلخ است. در روزهای آینده، ابعاد ناگفته‌ی دیگر ماجرا را با ما دنبال کنید.

درباره‌ی دلیل پیش‌آمد این سفر من نظر خودم را می‌گویم ولی این سؤال باید ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه و مقامات مسئول پاسخ دهند. مسئول روابط عمومی سازمان محیط‌زیست با تک‌تک ما خبرنگاران تماس گرفت و گفت که سازمان محیط‌زیست و ستاد احیای در تاریخ دوم و سوم تیر سفری تدارک دیده است و قرار شده تا ما برویم و تونل انتقال آب زاگ را به دریاچه‌ی ارومیه ببینیم و از خود دریاچه هم بازدید کنیم.

دعوت شدید؟

باب است که دستگاه‌های مختلف برای خبرنگاران تورهای داخلی و خارجی تدارک می‌بینند. سازمان محیط‌زیست هم به خاطر این که مناطق حفاظت‌شده، پارک‌های ملی و به‌طور کلی مناطق چهارگانه‌ای را تحت مدیریت دارد، از سال‌های قبل همیشه سفرهایی را برای بازدید از بخش‌های مختلف از مناطق حفاظت‌شده تا پروژه‌هایی مثل احیای دریاچه تدارک می‌دید.

در ابتدا خدمت شما و همکارانتان تسلیت می‌گویم و امیدوارم دیگر شاهد چنین وقایعی نباشیم. سپاسگزارم که در این شرایط دشوار، وقت خود را در اختیار مجله هفته قرار دادید. من هم از دعوت شما سپاسگزارم.

می‌خواهم از ابتدا شروع کنم. چطور شد که شما و سایر همکارانتان در حوزه‌ی محیط‌زیست به این سفر



زینب رحیمی، خبرنگار محیط‌زیستی و از سرنشینان بازمانده از اتوبوس مرگ خبرنگاران: عیسی کلانتری و خود جهانگیری که رییس ستاد احیا است باید به سهم‌شان محاکمه شوند. این حداقل خواسته‌ی ما است.

هستم، کاملاً عیان است که طرح‌های انتقال آب، برای رساندن آب به مناطق کم‌آب، طرح‌های شکست‌خورده‌ای هستند. پُر واضح بود که من نگاه مثبتی به این پروژه نداشتیم، ولی چون گزارش ویدیویی تهیه می‌کنم، به آنجا رفتم تا بتوانم فیلم‌ها و تصاویرم را از طرح‌های انتقال و وضعیت دریاچه بگیرم.

من در اردیبهشت هم با هزینه‌ی شخصی به ارومیه رفته بودم. آن موقع هم به ما گفته شد وزارت نیرو حقایبه‌ی دریاچه را نمی‌دهد. من رفتم گزارشی تهیه کنم تا بتوانیم از این طریق به وزارت نیرو فشار بیاوریم که حقایبه‌ی دریاچه را بدهد و شرایط دریاچه از آن وضعیتی که دارد بدتر نشود. این بار بحث انتقال آب بود و طبیعتاً برای من جذاب بود که بروم و فیلم‌هایم را بگیرم.

اما نگاه شخص من این نبود که بیایم و بگوییم دم شما گرم، تشکر بابت کار قشنگی که کردید و ...! خودشان مدام اصرار داشتند که بگویند این پروژه مهم است و بزرگ‌ترین پروژه‌ی حال حاضر

خبری دهیم که این پروژه از دو طرف تقریباً تکمیل شده است. این پروژه از پیرانشهر به سمت دشت نمدی می‌رود و بعد از دشت نمدی به دریاچه‌ی ارومیه می‌ریزد. از هر دو طرف هم در حال کار بودند که تونل تمام شود.

نتیجه‌گیری من این شد که قصد سازمان و ستاد احیا این بود که این خبر در فضای رسانه‌ای مورد توجه قرار گیرد تا اگر افتتاح آن هم در دولت بعدی اتفاق بیفتد همه بدانند که کار را این دولت انجام داده است، ولی با آن شرایطی که وجود داشت فکر می‌کنم اگر ۲۴ ساعت شبانه‌روز هم کار کنند، اتمام پروژه حداقل چند ماهی زمان می‌برد.

آیا اگر این سانحه رخ نمی‌داد و همه‌ی شما سلامت به تهران برمی‌گشتید، آن وضعیت را پوشش خبری می‌دادید؟

هر خبرنگار و رسانه‌ای در مورد پوشش چنین اخباری می‌تواند مواضع خودش را داشته باشد. برای من که خبرنگار تخصصی محیط‌زیست

و در نهایت شما پذیرفتید؟ چطور به استان ارومیه (آذربایجان غربی) منتقل شدید؟

من و بقیه‌ی بچه‌ها اعلام آمادگی کردیم. مدارک لازم مثل کارت ملی را برایشان ارسال کردیم. بلیت برایمان تهیه کردند و صبح چهارشنبه ساعت ۶:۳۰ از تهران حرکت کردیم، نزدیک ۷:۴۵ به فرودگاه ارومیه رسیدیم. از فرودگاه ارومیه با همان اتوبوسی که در این چند روز صحبتش است به سمت پیرانشهر رفتیم. در پیرانشهر دو تا سه دریاچه را بازدید کردیم، سد را دیدیم و داخل تونل انتقال آب شدیم. پروژه آنجا هنوز تکمیل نشده بود و کارگران در حال حفاری بودند، شرایط بسیار سختی بود. البته این که خبرنگارها را داخل تونل بردند کار بسیار پرریسکی بود، چون تونل ۶۰۰ متر زیر زمین حفر شده بود، کارگرها همچنان مشغول کار بودند و تجهیزآتشان مستقر بود. ما ۱۲ کیلومتر با لوکوموتیو داخل تونل حرکت کردیم و به نقطه‌ای رسیدیم که گفتند اینجا هنوز دارند حفاری می‌کنند. مسیری را در آب پیاده حرکت کردیم. البته ما چکمه و لباس مناسب و کلاه ایمنی استفاده کردیم که خیس نشویم و مشکلی ما را تهدید نکند.

عمق آب در مسیری که حرکت می‌کردیم آن قدر زیاد بود که چکمه‌هایمان پر از آب شد. آن مسیر تونل هم خطرناک بود، احتمال لغزش وجود داشت. یکی دو تا از بچه‌ها از جمله خود من پاهایم لغزید، چون لوکوموتیو از آن مسیر می‌گذشت و ریل داشت و زیر پایمان صاف نبود. ناهموار و پر از آب بود. مهم‌تر از همه این که، برخلاف تصور ما تونل هنوز تکمیل نشده بود. انتظار خود من این بود که برای افتتاح به آنجا می‌رویم!

یعنی کار حفاری پروژه حتی به ۵۰ درصد هم نرسیده بود؟

خیر. پروژه تا حد زیادی تکمیل شده بود و می‌گفتند فقط ۸۰۰ متر از تونل باقی مانده است. ولی اگر در جریان باشید دولت روحانی از سال ۹۸ می‌گفت ما می‌خواهیم این پروژه را افتتاح کنیم! یعنی عملاً دو سال از زمانی که خودشان اعلام کرده بودند تأخیر داشتند؛ بنابراین طبیعی بود که من تصور کنم بعد از دو سال حالا دیگر موقع افتتاح آن است، نه این که تعداد زیادی خبرنگار را با آن شرایط خطرناک ۶۰۰ متر به زیر زمین و داخل تونل ببرند که حفاری را به ما نشان دهند! برآیند کلی من از آن وضعیت این است که مسئولین چون مطمئن بودند که تا پایان این دولت این پروژه افتتاح نمی‌شود و به احتمال خیلی زیاد افتتاح آن به دولت بعدی موکول می‌شود، نمی‌خواستند این پروژه به اسم دولت بعدی تمام شود. به این دلیل تصمیم گرفتند ما را به آنجا بفرستند تا پوشش

شما هم به رسانه‌ی دیگری نقل مکان کردید؟

بله از ایسنا به عصر ایران. شاید از همان دوره، این اولین سفری بود که سازمان تدارک دیده بود و من در آن شرکت داشتم. البته قبل از این هم سفرهایی بوده و بچه‌ها هم رفته بودند. ولی مراد به این شکل نبود که بچه‌ها جنگ تن‌به‌تن با کسی داشته باشند. عیسی کلانتری هم یک مدیر مثل معصومه ابتکار بود. عملکردش را نقد می‌کردند ولی نمی‌توانستند برای همیشه سازمان را بایکوت کنند چون این کار لطمه‌ی بزرگی به محیط‌زیست کشور وارد می‌کرد.

اگر بچه‌ها فعالیت خود را با سازمان محیط‌زیست خاتمه می‌دادند، دیگر کسی در مورد آتش‌سوزی‌ها نمی‌نوشت، راجع به وضعیت تالاب‌ها نمی‌نوشتند، راجع به وضع آلودگی نمی‌نوشتند. این اساساً امکان‌پذیر نیست که خبرنگاران با مدیری قهر کنند و کلاً کار نکنند. مدیران که اتفاقاً بسیار خوشحال می‌شوند کسی راجع به این موارد اطلاع‌رسانی نکند. اتفاقاً در این وضعیت عملکرد آن‌ها هم زیر بار انتقاد نمی‌رود. ما باید می‌بودیم، پرقدردان هم می‌بودیم و رفتار این‌ها را زیر ذره‌بین می‌گرفتیم که البته هرکدام از ما هم نسبت به ظرفیت و توان خودمان سعی‌مان را کردیم تا این کار را انجام دهیم.

به زمان حادثه برویم. تونل را بازدید کردید و در حال بازگشت بودید...

ما به پیرانشهر رسیدیم. اول به دیدن سد و دریاچه رفتیم و سپس به همین تونل سد کانسیو رفتیم و آنجا را بازرسی کردیم. شاید بیشتر از دو ساعت بازرسی تونل طول کشید. ساعت حدود ۵:۱۵ دقیقه عصر بود که بازدید از تونل تمام شد و سوار اتوبوس شدیم تا برای صرف نهار به دفتر ستاد احیا برگردیم که نیم ساعت با تونل فاصله داشت. پنج شش دقیقه مانده بود به آنجا برسیم که این اتفاق افتاد و اتوبوس واژگون شد.

در برخی رسانه‌ها نقل شده که خبرنگارها به راننده اتوبوس می‌گفتند سریع تر برو و همین باعث دستپاچگی راننده و علت سقوط اتوبوس شد.

این دروغ است.

آیا راننده به طور مستقیم به شما گفت که ترمز اتوبوس مشکل دارد؟

ببینید خبرنگارها به هیچ‌وجه فشاری به راننده نیاوردند. این را من هم شنیدم که آقای عیسی کلانتری گفته خبرنگارها عجله داشتند! خبرنگارها چه عجله‌ای داشتند؟! اتفاقاً کارشناس‌ها و مدیر

این ماجرای که می‌گویید دقیقاً حدود اسفند ۹۷ و فروردین سال ۹۸ بود؛ زمانی که «عبدالرضا سپرچی» مدیر روابط عمومی سازمان محیط‌زیست، در برنامه‌ای گفت خبرنگاران از بیگانه پول می‌گیرند تا علیه سازمان فضا سازی کنند. همین صحبت‌ها و واکنش‌ها منجر به این شد که ۲۵ خبرنگار محیط‌زیست جمع شدند و نامه‌ای برای آقای ربیعی نوشتند که تا زمانی که این فرد عذرخواهی نکند اخبار سازمان را پوشش نمی‌دهیم. البته این ماجرا هزینه‌بردار هم بود چون خود من آن موقع در خبرنگاری ایسنا کار می‌کردم که منجر به تعلیق کار من در حوزه‌ی محیط‌زیست شد و بعد هم کلاً اخراج شدم؛ یعنی در آن فضا ما حتی حمایتی از رسانه‌هایی که در آن کار می‌کردیم هم نداشتیم. تا دوره‌ای هم فضایی را ایجاد کرد، رفت‌وبرگشت‌هایی اتفاق افتاد، بحث‌هایی پیش آمد و دلجویی‌هایی شد و همان شخص متوجه شد که آن اقدامات بی‌نتیجه نبود. انجمن پیشکسوتان مطبوعات جلسه‌ای برگزار کرد، آن مدیر هم در آن جلسه حضور داشت و به نوعی دلجویی کرد و بیانیه‌ای منتشر کرد و در فحوا عذرخواهی کرد. سپس شرایط به نسبت عادی شد.

ببینید خبرنگارها که از پایه با مدیران پدرکشتگی ندارند، طبیعتاً بر حسب وظیفه، رفتارها و عملکردهای آن‌ها را نقد می‌کنند. در آن دوره هم آن برخوردی که صورت گرفت برخورد بسیار خوب و مثبتی بود. به نظرم بعضی از رسانه‌ها مثل ایسنا طی آن دوره هیچ حمایتی از خبرنگاران نکردند و منجر به اخراج و تعلیق ما شدند. همین‌که آن فرد تحت فشار قرار گرفت و عذرخواهی کرد و این مشکل منتفی شد و بچه‌ها دوباره به فعالیت مشغول شدند، نشان می‌دهد که این حرکت، حرکت مثبتی بوده است.

”

یکبار به سمت راست جاده که دره بود، در حال سقوط بودیم که راننده به زحمت اتوبوس را در جاده صاف کرد. ولی توی پیچ بعدی دوباره داشتیم به سمت دره می‌رفتیم که یکی داد زد «بزن به کوه!» راننده فرمان را به سمت چپ چرخاند و به سمت پایین افتادیم و ته دره نرفتیم. چون یکطرفه‌مان گاردریل و دره و طرف دیگرمان پای کوه بود. در اصل اتوبوس به سمت چپ (به سمت راننده) واژگون شد.

ایران است و ... به هر حال برای مجری که قرارگاه خاتم‌الانبیا بود، و برای دریاچه که بزرگ‌ترین پروژه در هفت هشت سال اخیر را به خودش دیده بود، خیلی مهم بود که کار موفقیت‌آمیز جلوه کند؛ درحالی‌که برای من خبرنگار محیط‌زیست، خیلی روشن بود که اساساً بحث انتقال آب، راهکار پایداری نیست.

قبل از این سفر چندین مقاله در مورد اثرات اجتماعی و فرهنگی که برای مبدأ مخرب است مطالعه کردم و همان قبل از سفر با یکی از فعالان محیط‌زیست شهرستان سردشت مصاحبه کردم. با خودم گفتم وقتی برمی‌گردم کارهایم پیش رفته باشد. هدفم از مصاحبه با آن فعال محیط‌زیست این بود که به من بگوید این تونل انتقال آب و سد کانسیو که در آنجا ایجاد کردند چه آثار منفی برای پیرانشهر و سردشت داشته است.

بنابراین پاسخ این سؤال‌تان این است که اگر این اتفاقات نمی‌افتاد گزارش ما به چه صورت پیش می‌رفت. می‌دانم که هدف ستاد، تعریف و تمجید خبرنگاران از داستان سدسازی بود. نظر و هدف بقیه‌ی همکارانم را نمی‌دانم ولی دیدگاه من به داستان سد و تونل چنین چیزی بود.

در واقع سفر شما به دریاچه دیدگاه‌تان نسبت به اشتباه بودن پروژه را تقویت کرد؟

من در مورد خودم صحبت می‌کنم که از پیش برآیم روشن بود این پروژه کار غلطی است. از سال ۹۳ که این پروژه شروع شده بود من در جریان جزئیات آن بودم. حتی قبل از رفتن به سفر، گزارش‌های قبلی را که تهیه کرده بودم مرور کردم. مقاله‌های جدیدی که منتشر شده بود را مطالعه کردم، مصاحبه کرده بودم و فضایی اصلاً چنین نبود که وقتی آمدم به‌به و چه‌چه کنم. اصلاً ممکن نیست خبرنگار محیط‌زیست باشی، به‌طور تخصصی از جزئیات این طرح‌ها مطلع باشی و این داستان را تأیید کنی! اتفاقاً من تصمیم داشتم علی‌رغم این که مطمئناً برخلاف میل دولت، ستاد احیا و حتی قرارگاه خاتم بود، حتماً به وجوه منفی پروژه هم بپردازم. البته اگر شرایط روحی به من این اجازه را بدهد و انرژی‌ام برگردد حتماً گزارش‌ام را با همان مواضع خودم راجع به این طرح منتشر خواهم کرد.

خبرنگاران محیط‌زیست در زمانی که آقای عیسی کلانتری بر مسند مسئولیت نشست، اختلافات و انتقادات زیادی نسبت به ایشان داشتند و دارند. حتی خاطرهم است چند وقت پیش این خبرنگاران گفتند که ما دیگر اخبار مربوط به سازمان محیط‌زیست را پوشش نمی‌دهیم. چه شد که این مواضع تغییر کرد و شما این سفر را پذیرفتید؟

فنی ستاد احیا در اتوبوس مدام به راننده و بچه‌ها می‌گفتند که دیر شده و از برنامه عقب هستیم! الان راننده تحت بازداشت است دیگر می‌توانند از خودش بپرسند. چه‌بسا که تا الان هر حرفی از راننده منتشر شده این بوده که راننده از سمت کارشناسان ستاد احیا تحت فشار بوده که زودتر برویم.

چرا اصرار داشتند زودتر برسیم؟ چون سه، چهار نفر از مدیران سازمان محیط‌زیست، مدیر روابط عمومی و یکی دو نفر از کارشناسان روابط عمومی وقتی ما سوار اتوبوس شدیم، با خودروی سمند زودتر رفته بودند و مدیر روابط عمومی سازمان حتی داخل تونل هم نیامد! زودتر رفته بودند و به دفتر ستاد رسیده بودند؛ بنابراین احتمالاً این‌ها به راننده فشار آورده بودند، چون سه چهار نفر از کارشناسان ستاد احیا داخل اتوبوس بودند و در ردیف جلو نشسته بودند.

بعد از این برنامه، برای شما برنامه‌ی دیگری هم داشتند که این قدر عجله در کار بود؟
طبق برنامه‌ای که آن‌ها ریخته بودند و روز قبلش هم کنداکتور را برای ما فرستاده بودند باید ساعت ۱۰:۳۰ به پیرانشهر می‌رسیدیم، ولی ۱۲:۳۰ به آنجا رسیدیم، چون اتوبوس کند حرکت می‌کرد. حتی برای این که ما دیر نرسیم و طبق برنامه پیش برویم صبح برای صبحانه هیچ توقفی نکردند. ما به محض این که به فرودگاه رسیدیم بدون معطلی سوار اتوبوس شدیم. در راه به همه ما یک لقمه سیب‌زمینی بدون یک نوشیدنی دادند که از گلوئی ما پایین نرفت.

جاده چطور بود؟ صعب‌العبور بود یا راحت بود؟
جاده‌ای که از ارومیه به پیرانشهر می‌رفت، یک جاده‌ی صاف و هموار بود و هیچ مشکلی نداشت ولی مسیر برگشت کوهستانی بود. برخی می‌گویند برای این که زودتر به آن دفتر ستاد برسیم از یک مسیر کوهستانی برگشتیم که پلیس‌راه هم گفته بود آن مسیر جاده‌ی مناسبی برای استفاده‌ی عموم و تردد اتوبوس نیست.

این‌ها راننده را زود و فوری بازداشت می‌کنند چون از طبقه‌ی پایین اجتماع است، ولی چون فلانی مدیر اجرایی بخش احیا است نباید به او بگوییم بالای چشم‌ت ابرو است. در حالی که برنامه‌ریز سفر است و اوست که باید جوابگو باشد.

حتی وقتی ما بیمارستان بودیم هرکسی از اهالی ارومیه می‌شنید از آن جاده آمده‌ایم می‌گفت لندکروز به‌سختی از آنجا عبور می‌کند چه رسد به اتوبوس!

دادستان نَقد هم زمانی که ما را در بیمارستان دید از ما پرسید: شما چطور با اتوبوس از این جاده آمده‌اید؟ ما هم گفتیم: «مگر ما بلد راه بودیم؟ ستاد احیا، راننده و سازمان محیط‌زیست برنامه‌ریز بودند و ما را از آنجا برگرداندند.» جاده‌ای که باریک و پرپیچ‌وخم بود، یک‌طرفش دره و طرف دیگرش کوه بود! یک‌بار اتوبوس در حال سقوط به سمت دره بود که راننده به‌زور دوباره خودش را در جاده صاف کرد و یکی از پشت داد «لطفاً خواهش می‌کنم بزن به کوه که نری توی دره!» اگر به داخل دره سقوط می‌کردیم با شیبی که دره داشت، یک نفر هم زنده نمی‌ماند.

پس یک‌بار این اتفاق افتاده بود؟

بله فقط در عرض چند ثانیه. کمک‌راننده به سمت عقب دوید و فریاد زد «کمربندها را ببندید! کمربندها را ببندید!» اما همان موقع نگفت ترمز بریده است. طوری که همه ما از وسط و ته اتوبوس تصور کردیم شاید افسر دیده که می‌گوید کمربندها را ببندید. بعد دیدیم سرعت اتوبوس زیاد شد و توی سرایشی تکان‌های وحشتناک می‌خورد! زمانی که راننده با صدای بلند می‌گفت «با ابوالفضل! ترمز کار نمی‌کند» ما تازه متوجه شدیم چه بلایی سرمان آمده است.

زمانی که می‌خواستیم کمربندها را ببندیم اصلاً کمر بند پیدا نمی‌شد. در آن شرایط استرس‌زا که اتوبوس تکان‌های وحشتناک می‌خورد و تقریباً در حال واژگونی بودیم، کمر بند اتوبوس هم آن‌طور نبود که دم دست باشد و لای دو تا صندلی بود. من خودم نتوانستم پیدایش کنم. بقیه‌ی بچه‌ها هم که فوت کردند یا آسیب جدی دیده بودند، آن‌ها هم نتوانسته بودند کمر بند را پیدا کنند. بچه‌های دیگر از من می‌پرسیدند که اصلاً کمر بند بود؟! من می‌گفتم نمی‌دونم، من که اصلاً پیدایش نکردم. بعد هم تا به خودمان بیاییم و کمر بندی پیدا کنیم، ناگهان اتوبوس واژگون شد.

بین صحبت‌هایتان گفتید یک‌بار هم اتوبوس می‌خواست واژگون شود که راننده آن را کنترل کرد.

یک‌بار به سمت راست جاده که دره بود، در حال سقوط بودیم که راننده به‌زحمت اتوبوس را در جاده صاف کرد. ولی توی پیچ بعدی دوباره داشتیم به سمت دره می‌رفتیم که یکی داد زد «بزن به کوه!» راننده فرمان را به سمت چپ چرخاند و به سمت پایین افتادیم و ته دره نرفتیم. چون یک‌طرفمان

گاردریل و دره و طرف دیگرمان پای کوه بود. در اصل اتوبوس به سمت چپ (به سمت راننده) واژگون شد.

جاده خیلی باریک بود، مثل جاده‌ی چالوس و الموت که باریک و پرپیچ‌وخم هستند. گزارش همه‌ی این موارد منتشر شده که پلیس گفته جاده‌ی مناسبی برای تردد اتوبوس نبوده است. برنامه‌ریز این سفر هم ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه و سازمان محیط‌زیست است. ضمن این که مدیر بخش فنی ستاد احیای دریاچه ارومیه به اسم «علی حاج‌مرادی» یکی از کسانی بود که این برنامه را هدایت می‌کرد و حتماً به خاطر کارش به آنجا مأموریت داشته است و آن جاده را می‌شناخت. این موارد باید در بازجویی مشخص شود که آیا راننده خودش خواسته از آن جاده برود که زودتر برسد یا بچه‌های ستاد احیا از او خواسته‌اند این کار را بکند؟

می‌دانم پاسخ دادن به این قسمت برای شما بسیار دشوار است، اگر برایتان سخت است می‌توانید به آن پاسخ ندهید. بعد از این که اتوبوس سقوط کرد چه اتفاقی افتاد؟

من مطمئن نیستم که در لحظات اول به هوش بودم یا نه؛ برای همین چیزی را که می‌گویم شاید فقط روایت من باشد، شاید بچه‌های دیگر هوشیارتر بودند. این را دقیق نمی‌دانم. چیزی که من به خاطر دارم این است که اتوبوس به سمت چپش افتاد و واقعاً یک لحظه همه چیز جلوی چشم من تاریک شد. داخل اتوبوس پر از خاک شد و فقط من مهشاد را صدا می‌کردم، دنبال‌اش بودم چون کنار من نشسته بود.

زمانی که من دنبال مهشاد می‌گشتم خودم هنوز بلند نشده بودم، همین‌جور افتاده بودم. ولی آن موقع چون هنوز صدایی نیامده بود، من سراغ مهشاد را می‌گرفتم. فقط این صدا را شنیدم که یکی گفت «مهشاد پایین پات افتاده!» به خاطر همین بلند شدم و دیدم که مهشاد کنارم افتاده و چیزی هم روی صورتش افتاده بود. چیزی که من نمی‌توانستم بلندش کنم. صحنه‌ی بسیار وحشتناکی بود.

در رابطه با ریحانه چطور؟ او کجای اتوبوس قرار داشت؟

من و مهشاد تقریباً وسط اتوبوس بودیم. مهشاد سمت راست نشسته بود یعنی طرف در و من سمت چپ نشسته یعنی سمت راننده بودم. ریحانه هم سمت راست اما عقب اتوبوس نشسته بود. ریحانه و نگار روی یک صندلی دوتایی کنار هم نشسته بودند نگار می‌گفت وقتی این اتفاق افتاد، بغلش کرده بود، ولی خدا رو شکر که حداقل برای نگار



خودشان هم توی ماشین بودند؟

این فرد از دو سه روز قبل به ارومیه رفته بود که وقتی ما ساعت ۱۲:۳۰ به پیرانشهر رسیدم آنجا بود. در مسیر برگشت از پیرانشهر تا سالن غذاخوری به اتوبوس ما آمد. البته که همان جلو بود و می‌دید که راننده تمام راه با دنده کار می‌کرد. تمام حرف من این است که آخر آدمی را که تخصص دیگری دارد مدیر و برنامه‌ریز تور خبرنگاران می‌کنند؟! در حالی که اگر طرف در حوزه تور و تدارکاتش تخصصی داشت، شاید متوجه می‌شد که این اقدامات اشتباه است.

همان‌طور که گفتیم مقصر همه این عوامل ستاد احیا است. از نگرفتن اتوبوس درست و حسابی بگیرد تا این که برنامه‌ریزی کل این سفر را بدهد دست یک جوانکی که تخصص چیز دیگری است. سؤال اصلی این است که خود راننده تصمیم گرفته از آن جاده برود یا ستاد به او گفته است؟ اگر ستاد گفته باشد یک فاجعه است.

به نظر تان پاسخ سؤال شما مشخص می‌شود؟

مطالبه و خواسته‌ی ما این است که حتماً به پاسخ سؤال برسیم. به همین منظور کار حقوقی داریم می‌کنیم، پیگیر هستیم و هر کاری لازم باشد انجام می‌دهیم تا به جواب سؤالمان برسیم. باید همه این‌ها مشخص شود که هر فرد چه مسئولیت و تقصیری داشته و به فراخور خطایی که انجام دادند، مجازات شوند. این‌ها راننده را زود و فوری بازداشت می‌کنند چون از طبقه‌ی پایین اجتماع است، ولی چون فلانی مدیر اجرایی بخش احیا است نباید به او بگوییم بالای چشمش ابرو است. در حالی که

و بیش‌ترین هزینه را هم برای آن صرف کرده‌ای، الان که بخواهی کار رسانه‌ای انجام دهی بیش‌ترین آورده را خواهی داشت، ولی حاضر نیستی یک اتوبوس از یک شرکت مطمئن بگیری و با اتوبوسی که شاید برای سال ۸۵ بوده خبرنگاران را راهی می‌کنی.

این اتوبوس عملاً طبق قوانین خود ایران از رده خارج و فرسوده بود، ولی چیزی که در این مملکت پر است ماشین فرسوده است. آن‌وقت می‌گویند اتوبوس معاینه فنی دارد! معاینه فنی به چه کار می‌آید؟ دیروز یکی از تلویزیون با من تماس گرفت، من به او گفتم: چنان می‌گویند معاینه فنی، انگار من به‌عنوان یک خبرنگار نمی‌دانم چطور در این مملکت معاینه فنی می‌گیرند و می‌دهند! شما داخل خانه بنشین و فقط زنگ بزن، برای شما چهارتا چهارتا گواهی معاینه فنی می‌فرستند.

به من نگویند معاینه فنی داشته که اصلاً کافی نیست. گیرم معاینه فنی داشته و معاینه فنی‌اش را هم درست انجام داده، شش هفت ماه قبل! ماشینی که فرسوده باشد نمی‌شود سالی یک‌بار معاینه فنی داشته باشد. حالا جدیداً دارد قوانین تغییر می‌کند که ماشین‌های فرسوده سالی دو سه بار معاینه فنی شود.

این را هم برایتان بگویم وقتی این فاجعه اتفاق افتاد، «علی حاج‌مرادی» مدیر بخش فنی ستاد دریاچه ارومیه که برنامه‌ریز این سفر هم بود به من گفت: من می‌دیدم که این راننده از صبح با دنده کار می‌کند، نگو ترمز نداشته است! گفتم: مرد حسابی الان این حرف را می‌زنی؟

اتفاقی نیفتاد. من آن موقع ریحانه را ندیدم ولی او هم انگار تکه‌هایی از ماشین رویش افتاده بود که منجر به مرگش شد. من این صحنه را وقتی بلند شدم تا از اتوبوس بیرون بروم به خاطر دارم که یکی از خبرنگاران محلی که ته اتوبوس نشسته بود، بدنش کامل زیر اتوبوس مانده بود که البته باز هم خدا رو شکر که سر و سینه‌اش بیرون مانده بود و توانست زنده بماند.

فکر می‌کنم همان آقایی که دچار ترومای کمر شده‌اند؟

ریه‌هایش آسیب جدی دیدند. من اصلاً نمی‌توانستم حرکت کنم و همین‌طور مات و میهوت و گیج مانده بودم و به این آدم زل زده بودم. درست به یاد ندارم ولی یکی از بچه‌ها که همکار خود من است، می‌گفت تو نشسته بودی بالای سر مهشاد، من آمدم دست تو را کشیدم و به بیرون اتوبوس آوردم. من یادم است وقتی بیرون اتوبوس بودم دیگر کسی نبود و آخرین نفری بودم که از اتوبوس خارج شدم ولی یادم نمی‌آید که کسی مرا به بیرون هل داده باشد. چیزهایی که یادم است همین‌ها بود، ریحانه را ندیدم، مهشاد فقط کنارم بود.

در اخباری که منتشر شد آمده که اتوبوس مربوط به شرکت سیمان ارومیه بوده و حمل و نقل کارگران آنجا را بر عهده داشته است. در رابطه با این موضوع چیزی به شما گفته بودند؟

خیر. به ما چیزی نگفته بودند چون ما میزبان نبودیم و معمولاً چنین چیزی باب نیست. نگاه کنید من خودم زیاد به سفر می‌روم، این دو سال هم با وجود کرونا ناچار بودم به خاطر کارم به سفر بروم. تو وقتی خودت به سفر می‌روی کل مسئولیت با خودت است و می‌دانی چه موقع قرار است چه کار بکنی، ولی وقتی خیالت راحت است که کسی دعوتت کرده روال است که صفر تا صدش با او باشد. طبیعتاً از او نمی‌پرسی که اتوبوس از کجا می‌گیری!

البته منظور من این بود که این دستگاه عریض و طویل یک اتوبوس ایمن نداشت که شما را به مقصد برساند؟

قطعاً هم وسیله و هم پولش را داشته است. من همان شب به عیسی کلانتری گفتم ستاد احیا نزدیک میلیاردها خرج پروژه‌های مختلفش کرده، فارغ از این که مؤثر بوده یا نه و اتفاقاً خیلی از پروژه‌هایش هم به نتیجه نرسیده است. حتی همین تونل انتقال آب که بزرگ‌ترین پروژه بود. شما فرض کن برای همین تونل خبرنگار می‌بری

برنامه‌ریز سفر است و اوست که باید جوابگو باشد. همه‌ی این‌ها برای این است که خواستند سفر مفت تمام شود. مگر به ایشان بابت این سفر پول ندادند؟ الان وظیفه دارد که بیاید و شفاف‌سازی کند که ستاد چقدر به او پول داده است. یعنی این قدری هزینه برای سفر به او تعلق نگرفته بود که بتواند یک اتوبوس مناسب اجاره کند؟ حتماً که داده بود. ولی این‌ها دقیقاً به این خاطر که خبرنگار را هم مثل همان راننده، طبقه‌ی پایین اجتماع حساب می‌کنند و با خودشان می‌گویند حالا یک اتوبوس دوزاری هم که باشد فرقی نمی‌کند، رئیس جمهور یا مدیر فلان نیست که بخواهیم با ماشین فلان ببریم!

شما به بخشی از مطالباتان اشاره کردید. بیشتر در این مورد توضیح می‌دهید؟

در این مدت سازمان محیط‌زیست نه تنها باعث کشتن بچه‌ها شده که به دیگر دوستان هم خیلی بی‌حرمتی کرده است. این‌ها در واقع قاتل آن خبرنگاران هستند؛ ستاد احیا که رییس آن «اسحاق جهانگیری» است. اگر شنیده باشید به اسحاق جهانگیری گله کردند که چرا این‌طور برخورد می‌کند، چرا بی‌تربیتی می‌کند یا چرا عذرخواهی نمی‌کند. آمد و گفت مگر چه اتفاقی افتاده؟! و در نهایت به مراسم ختم رفته است! طبیعی است که این جواب را بدهد؛ چرا که اگر عیسی کلاتری که دبیر ستاد احیا است عذرخواهی کند پای خود جهانگیری هم گیر است که رئیس ستاد احیا است و باید از جزئیات این برنامه مطلع می‌بود، باید می‌دانست که چنین سفری در جریان است، باید می‌دانست که ما با چه هواپیما، اتوبوس و شرایطی داریم به سفر می‌رویم.

یعنی به نظر شما خبر نداشت؟

نمی‌دانم، چون کسی از او نپرسیده، اگر نمی‌دانسته این قصور از طرف خودش است. اگر می‌دانسته باز هم مقصر است چون باعث کشتن بچه‌ها شدند، باعث شدند تعداد زیادی زخمی شوند. باعث شدند بچه‌ها دچار بیماری‌های روانی شوند. ستاد و سازمان محیط‌زیست مقصر همه این‌ها هستند چون تدارک این برنامه را بر عهده داشتند. باید سهم تک‌تک کسانی که در این جریان دستی داشتند مشخص شود، از مدیر روابط عمومی، کارشناس روابط عمومی، مدیر بخش فنی ستاد احیای دریاچه ارومیه، کارشناس‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه، مسعود تجریشی مدیر برنامه‌ریزی و تلیق ستاد احیا، همه باید پاسخ‌گو باشند. عیسی کلاتری که دبیر ستاد بوده و هم‌زمان رییس سازمان بوده است، خود جهانگیری که رییس ستاد احیا است. همه‌ی این‌ها مسبب این اتفاق هستند

و باید سهم‌شان مشخص شود و بنا به سهم‌شان محاکمه شوند. این حداقل خواسته‌ی ما است.

سهم استان هم به همین منوال؛ دفتر استانی ستاد احیای دریاچه‌ی ارومیه در آذربایجان غربی اصلاً به روی خودشان نمی‌آوردند و انکار می‌کنند و می‌گویند ما خبر نداشتیم. چطور خبر نداشتید ولی عکاس و روابط عمومی شما در سفر حضور داشت؟ این‌ها دروغ‌هایی است که می‌گویند، همه فقط می‌خواهند حاشا کنند. اگر رویش را داشته باشند می‌گویند خبرنگاران گفتند ما می‌آییم و ما مجبور شدیم ببریمشان!

با توجه به این که دولت دارد تغییر می‌کند فکر می‌کنید مطالبات شما به کجا خواهد رسید و شما تا کجا پای مطالباتان هستید؟

من از طرف خودم می‌گویم که تا وقتی خواسته‌مان که محاکمه مسببین و مقصرین است به نتیجه برسد حضور خواهیم داشت و این را هم می‌دانم اگر همه‌ی خبرنگارها نباشند چند نفرشان پیگیر ماجرا هستند که خون بچه‌ها پایمال نشود و این‌ها نتوانند از این جنایت، قسر در برونند. این که دولت دارد عوض می‌شود باعث نگرانی است ولی این آدم‌ها که نمی‌میرند و سر جایشان هستند، در دولت بعدی بررسی شود. اصلاً بررسی این موضوع عمدتاً دست قوه قضاییه و دادستانی است.

” می‌دانم که شرایط دلسردکننده است. بقیه هم به ما می‌گویند که مگر فلان داستان نبود که به نتیجه نرسید! ولی خوب ما که می‌توانیم دست روی دست بگذاریم و اصلاً درست هم نیست چنین کاری کنیم. ما کار خودمان را می‌کنیم. حالا ممکن است قوه قضاییه خودش در این قضیه تخلفی کند، داستان را پیگیری نکند و ملاحظات سیاسی به خرج دهند، همه‌ی این احتمالات وجود دارد.

دقیقاً می‌خواستم همین را بگویم، چون

رئیس قوه قضاییه هم تغییر کرده است. اتفاقاً حالا شاید همه دارند یک ملاحظاتی می‌کنند و می‌گویند نمی‌شود که معاون رئیس‌جمهور را به زندان انداخت! برای نظام خوب نیست. حالا دولت که عوض شود، شاید دست قوه قضاییه باز تر شود. حالا دستش باز باشد یا نباشد اصلاً معنی ندارد، اگر قوه قضاییه سر سوزن عدالت داشته باشد و دادستانی‌ها و بازپرس‌ها سر سوزن شرافت داشته باشند موضوع را فارغ از این که چه کسی است و به کدام جناح وصل است بررسی می‌کنند و مقصرین هم محاکمه می‌شوند.

می‌دانم که شرایط دلسردکننده است. بقیه هم

به ما می‌گویند که مگر فلان داستان نبود که به نتیجه نرسید! ولی خوب ما که نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و اصلاً درست هم نیست چنین کاری کنیم. ما کار خودمان را می‌کنیم. حالا ممکن است قوه قضاییه خودش در این قضیه تخلفی کند، داستان را پیگیری نکند و ملاحظات سیاسی به خرج دهند، همه‌ی این احتمالات وجود دارد.

آن‌طور که من در جریان هستم خانواده ریحانه و مهشاد هم وکیل گرفتند و به صورت جدی دارند این موضوع را پیگیری می‌کنند، درست است؟

بله همین‌طور است.

ببینید چون من خبرنگار محیط‌زیست هستم باید این را هم بگویم که البته زخم بزرگی است؛ من قبل از این سفر گزارشی راجع به همین داستان‌های نوسازی و فرسودگی خودروها آماده کرده بودم. خیلی برایم دردناک است. شاید چند لحظه قبل از این که این اتفاق بیفتد داشتیم با همکارم که در تهران بود از طریق واتس‌آپ برای انتشار همان گزارش هماهنگی می‌کردم. این‌ها نوسازی انجام ندادند، ماشین‌های فرسوده را رها کردند. توی این هفت هشت سال دولت روحانی، مصوبات را اجرا نکردند. همه‌ی این‌ها برای این بود که فقط به خودروسازی سرویس دهند. برای این که همیشه دولت پشت خودروسازها ایستاد، چون وظیفه‌ی خودروسازها بود که در ازای تولید و شماره‌گذاری هر ماشین و موتور جدید، ماشین و موتورهای قدیمی را از رده خارج کنند؛ یعنی خودروسازها گفتند این کار را انجام نمی‌دهند. دولت هم مصوبه را لغو کرد و مصوبه‌های دیگر را هم به تعویق انداخت. الان می‌شود گفت هفت تا هشت سال است تعدادی که نوسازی شده صفر است. مثلاً سال ۹۹ تقریباً فقط ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ ماشین از رده خارج شدند. این یعنی تقریباً صفر. و مسبب همه این‌ها دولت روحانی است که تازه آن همه شعارهای محیط‌زیستی سر می‌داد.

بله متأسفانه این حادثه خیلی بیشتر از این حرف‌ها تکرار می‌شود مثل همان سرباز معلم‌ها و تک‌تک این جان‌ها برای جامعه و خانواده‌هایشان ارزش دارد. ولی فقط برای سودجویی عده‌ای از مسئولین، دولت روحانی از ابتدای فعالیت خود همه مصوبه‌هایی که برای نوسازی بود را کنار گذاشت. من نمی‌دانم این‌ها چطور آدم‌هایی هستند که شب خوابشان می‌برد.

خانم زینب رحیمی گرامی از شما سپاسگزارم که در این شرایط دشوار برای گفت‌وگو با «هفته» وقت گذاشتید.

صرافی رویال
با مدیریت فرخ سرشت

خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران
جهت فروش ارز

**ارسال ارز
به ایران و بالعکس**
در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W.
MONTREAL H4B 1L8
جنب فروشگاه اخوان

(514) 836-7090

هایک هارتونیان
Hayk Hartounian MBA
Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ

ارزیابی و مشاوره رایگان
تهیه وام مسکن با بهترین امکانات
هدیه ما به شما: هزینه محضر

فروش خرید اجاره

(514) 574 6162
Haykhartounian@yahoo.com
9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

دفتر ترجمه رسمی
فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری

عضو رسمی انجمن مترجمان (ATIIO) و انجمن (OTTIAQ)

کارشناس ارشد ترجمه زبان و دانشجوی دکتری (پیشرفته) زبان

ATIO

ترجمه و تایید اسناد و مدارک
ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دانشگاهی
تایید اسناد اشخاص و گواهی برای اصل
تجربه و تخصص در امور ترجمه و گواهی نامه
ترجمه مهرهای گذرنامه جهت تمدید
کارت (PR) و درخواست شهروندی کانادا
تجربه و تخصص در امور ترجمه جهت ارائه برای مدارک مدارک (مهر کپی برابر اصل از دفترخانه رسمی)
انجام کلیه امور مربوط به دریافت و تکمیل اسناد از واشنگتن

دفتر تهران: شیح جنوب شرقی سید خندان
دفتر ترجمه رسمی مسیحا
+98 912 725 2544

+98 912 322 0524
438-920-9305
firoozehmasiha@yahoo.com

دارالترجمه رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE

شعبه کانادا
2000, MCGILL COLLEGE
6TH FLOOR, MONTREAL
QUEBEC, CANADA, H3A 3H3

شعبه ایران
تهران- کاکر شمالی، ناطق
بلوار کشاورز نبش کوچه گلشن
پلاک ۱۱۷۳ طبقه ۳، واحد ۷
H.DAVOUDI@FARHANG.CA

001 514 691 4383
R.DAVOUDI@FARHANG.CA

+98 21 6642 1511
6694 8154
H.DAVOUDI@FARHANG.CA

سیاست
اقتصاد
جامعه

سیاست
اقتصاد
جامعه

سیاست
اقتصاد
جامعه

www.hafteh.ca

هفته

www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal
@Journal_Hafteh @HaftehWeekly



مرگ اصلاحات در ایران؟

مدت که با سرکوب شدید مواجه می‌شود فراتر نمی‌رود. برخی چهره‌های سیاسی داخلی هم به امید تأثیر بر جنبش‌های صنفی و یا اعتراض‌های توده‌ای داعیه انقلابی خود را پنهان نمی‌کنند و در مصاحبه با رسانه‌ها به صراحت از ضرورت سرنگونی حکومت به رهبری شخص خود سخن می‌گویند. این تک چهره‌ها اما عمدتاً به این دلیل که فاقد هرگونه تشکیلات و نیروی لازم برای برانگیختگی و یا هدایت یک حرکت اعتراضی خودجوش هستند، از سوی نظام سیاسی یا تحمل می‌شوند و یا بعضاً در صورت لزوم تحت فشار و کنترل و بازداشت قرار می‌گیرند.

شاید به همین دلایل، بخشی از نیروهای خواهان انقلاب در ایران، ضرورت حمایت [جامعه بین‌المللی] از سرنگونی جمهوری اسلامی را پیش می‌کشند. منظور از جامعه بین‌المللی طبعاً شامل روسیه و چین و هند و کشورهای در حال توسعه نمی‌شود. در واقع منظور آنان از جامعه بین‌الملل آمریکا و متحدان آن است. متحدان آمریکا بخصوص در اروپا اما علاقه‌ای به درگیر کردن خود در بی‌ثبات سازی نظام حاکم بر ایران ندارند و منفعتی در آن نمی‌بینند. آنان به عکس در پی وارد کردن جمهوری اسلامی به مناسبات جهانی‌اند و در برخورد با آن از انتقادهای کم اثر در مورد نقض حقوق بشر فراتر نمی‌روند. دولت آمریکا تحت رهبری جو بایدن هم از قضا خودش همان سیاست اروپا را در پیش گرفته و خواهان دستیابی به توافق با رهبران جمهوری اسلامی است.

از این رو، فقط دو متحد منطقه‌ای آمریکا به سرنگونی نظام ایران ظاهراً علاقه‌ای مبهم نشان می‌دهند که یکی از آنها یعنی عربستان در حال مذاکره به قصد تجدید رابطه با ایران است و دومی یعنی اسرائیل عمدتاً در پی خنثی‌سازی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است و توانی برای کمک به وقوع یک انقلاب در ایران ندارد. گرچه فارغ از توان، شاید نفعی هم برای خود در این زمینه نمی‌بیند چرا که ادامه اشغال کرانه باختری رود اردن و ستم علیه فلسطینی‌ها را می‌تواند در پشت شعارهای ضد اسرائیلی حکومت ایران پنهان سازد!

بنابراین، انقلاب در ایران صرف نظر از خوب و بد آن، امری ناممکن به نظر می‌آید. شاید در سایه تداوم ناکارآمدی دستگاه‌های حاکم بی‌ثباتی و هرج و مرج در کشور رخ دهد، ولی انقلاب به معنایی که تعریف شد در چشم‌انداز جامعه ایرانی دیده نمی‌شود. بروز هرج و مرج هم نه برای حکومت و نه برای جامعه کمترین فایده و خیری ندارد. از همین رو، فضایی برای اعاده حیثیت از اصلاحاتی جامعه محور و دولت پرهیز ظهور خواهد کرد.

مخالفان بسیاری دارد و به همین جهت نیازمند بازشکافی و اقامه استدلال است.

انقلاب معمولاً اقدامی هدایت شونده برای حرکت از نظمی به نظم دیگر است. از این رو نیازمند نظریه، استراتژی، پایگاه اجتماعی مشخص و وفادار، کنشگران منضبط و جان بر کف، تشکیلات و سازماندهی گسترده و فراگیر، امکانات لجستیک و منابع مالی قابل توجه، شبکه رسانه‌ای تأثیرگذار و پرمخاطب و رهبری واحد و دارای اراده آهنین و مستحکم است.

نیروهای مدافع انقلاب در ایران تقریباً به طور کامل فاقد این ویژگی‌ها هستند. شاید در میان آنها فقط سازمان مجاهدین خلق مدعی برخورداری برخی از این خصایص باشد اما این سازمان در میان جامعه ایرانی و دیگر نیروهای حامی کنشگری انقلابی به قدری بی‌اعتبار و غیر قابل اتکاست که عملاً هیچ جایگاهی برای رهبری یک حرکت معنادار انقلابی در ایران ندارد.

می‌توان به سخن فوق خرده گرفت و گفت؛ گرچه نیروهای خواهان انقلاب در ایران در حال حاضر توانایی لازم را برای رهبری یک حرکت انقلابی ندارند اما به مرور زمان می‌توانند این توانایی‌ها را کسب کنند.

واقعیت این است که از زمانی که زمره لزوم حرکت انقلابی به جای اصلاح‌طلبی در بین برخی نیروهای سیاسی ایرانی بخصوص در خارج از کشور مطرح شده است، چهار سال می‌گذرد. طی این چهار سال این نیروها نه فقط توان تازه‌ای پیدا نکرده‌اند بلکه برخی از مؤلفه‌های قدرت احتمالی خود را از دست داده و حتی نتوانسته‌اند یک قدم به یکدیگر نزدیک شوند.

در حقیقت، اتحاد آنها با یکدیگر تقریباً غیرممکن است چرا که دامنه اختلافات هر یک از آنها با هم بیش از اختلاف‌شان با جمهوری اسلامی است و به همین دلیل همه کوشش‌های معطوف به اتحاد آنان به منزله تلف کردن وقت و حرکت به سوی سراب است.

از طرفی، امکان توان‌افزایی هم ندارند زیرا توان‌افزایی نیازمند ارتباط با یک پایگاه اجتماعی منسجم در داخل کشور و متشکل کردن و حمایت همه‌جانبه از آنهاست. سلطه امنیتی حکومت اما هر تلاش فرضی در این جهت را تقریباً به آسانی کشف و خنثی و سرکوب می‌کند.

از همین رو، کنشگران خواهان انقلاب در خارج از کشور چشمشان عمدتاً به جنبش‌های صنفی و یا حرکات اعتراضی توده‌وار در داخل است که مورد نخست اساساً معطوف به انقلاب نیست و مورد دوم هم به دلیل عدم وجود تشکیلات هدایتگر و حمایتگر از یک ناآرامی کوتاه

بسیاری از کنشگران سیاسی عدم توانایی جبهه اصلاحات برای تأثیرگذاری بر اراده حاکمیت در جهت تغییر چینش کاندیداهای ریاست جمهوری و نهایتاً پیروزی سید ابراهیم رئیسی در انتخابات را به مثابه مرگ اصلاحات در نظام جمهوری اسلامی دانسته‌اند.

ایا اصلاحات به معنای فعالیت‌های جمعی و مسالمت‌آمیز و آرام به منظور ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی در جامعه ایران و گشودن فصل تازه‌ای در روابط کشور با نظام بین‌الملل و کارآمدن کردن دستگاه دولت برای غلبه بر معضلات اجتماعی و اقتصادی و بحران عمیق زیست‌محیطی به راستی مرده است و باید به فکر راه چاره دیگری برآمد؟

از نگاه من، اصلاحات شکست خورده و کاملاً بی‌حیثیت و فاقد اعتبار شده، اما لزوماً نمرده است. از این رو، باید از گونه تازه‌ای از آن اعاده حیثیت شود تا بلکه جانی دوباره گیرد. چرا؟ به دلیل آنکه در شرایط خاص ایران راه دیگری برای بهبود شرایط کشور وجود ندارد!

اصلاحات در ایران محکوم به شکست نبود. اصلاح‌طلبان - منظور نیروهای صادق و وطن‌دوست آنان - از سر بی‌فکری، استراتژی منسجمی برای پیشبرد آن طراحی نکردند و با چشم‌داشت به قدرت به عنوان منبع توزیع رانت در کنار پاره‌های فعالیت‌های بی‌اثر و ملال‌آور تبلیغاتی که آن را با کنش مدنی و اجتماعی اشتباه گرفته بودند، دچار تناقض شدند و اصلاحات را به روز سیاه نشانده‌اند.

بنابراین، مشکل نه در ذات نوعی کنشگری سیاسی به عنوان اصلاح‌طلبی بلکه در نوع فعالیت و رویکرد نیروهای موسوم به اصلاح‌طلب بوده است.

حتی اگر این گزاره را هم نپذیریم، باز هم راهی جز اعاده حیثیت از گونه‌های اصلاحات برای کنشگران سیاسی خشونت پرهیز وجود ندارد! چرا؟ چون با رد کنشگری اصلاح‌طلبانه، نیروهای سیاسی فقط دو گزینه در برابر خود دارند. گزینه نخست، سکوت و انزوا و خانه‌نشینی مطلق است تا جبر روزگار سرنوشت کشور را رقم بزند. گزینه دوم هم در پیش گرفتن کنشگری انقلابی به منظور ساقط کردن نظام سیاسی حاکم است.

سکوت و انزوا و خانه‌نشینی مطلق به معنای وداع با کنشگری سیاسی است که گرچه در بعضی شرایط شاید برای برخی نیروها چاره‌ای جز آن نباشد، اما تجویز میان‌مدت یا بلندمدت آن نه ممکن و نه مطلوب است.

کنش معنادار و مؤثر معطوف به انقلاب نیز فارغ از هر نوع ارزش‌داوری در باره ماهیت و پیامدهای آن، اصولاً در ایران کنونی به امری ناممکن تبدیل شده است. این گزاره



ائتلاف عموزاده‌های اسلام‌گرا

ایران و طالبان چه می‌خواهند؟

دوم اسلام‌گرایان افغانستان بود، رشد بیشتری کند؛ چنانچه از سال ۲۰۰۶ پس از بازسازی خود به مبارزه مسلحانه با دولت مرکزی مشغول شدند و با یارگیری از مردم محلی و درآمدزایی از کشت خشخاش و تاسیس کارخانه‌های اسلحه‌سازی، بخش‌هایی از جنوب افغانستان به خصوص هلمند و قندهار را در اختیار گرفتند و نفوذ آنها تا پاکستان و مرزهای ایران نیز ادامه یافت.

اگرچه ایران میانه‌ای با طالبان نداشت، اما از فضای آشفتگی در افغانستان به شدت بهره می‌برد؛ چه اینکه در فقدان دولت مقتدر مرکزی در افغانستان، ایران هر تصمیمی که می‌خواست در مرزها می‌گرفت و از شرایط موجود به سود خود استفاده می‌کرد؛ چنانچه در اوج درگیری‌های القاعده، ایران به خانواده بن‌لادن در باغ بزرگی در تجریش پناه داده بود. نمونه دیگر آن استفاده بیش از حد جمهوری اسلامی از منابع آبی مشترک در هیرمند بود؛ اتفاقی که با استقرار دولت مرکزی در افغانستان به ضرر ایران شد و باعث شد با افتتاح سد کمال خان، حکومت افغانستان از حقایق قانونی خود استفاده کند که همین موضوع به خشک شدن تالاب هامون در ایران انجامید زیرا ایران در تمام این سال‌ها بدون دخالت افغانستان به شکل نامحدودی از منابع مشترک آبی استفاده می‌کرد و حتی آب هامون را هم برای مصارف کشاورزی و صنعتی اختصاص می‌داد.

البته در برخی مواقع نیروهای پراکنده در افغانستان برای ایران بسیار دردسرساز شدند؛ چنانچه پس از ماجرای کشتار مزار شریف، وقتی ایران ۷۰ هزار نیروی

برگ برنده‌ای برای آنها بود؛ چه اینکه آمریکا از طریق تحریک احساسات ملی افغان‌ها اینگونه القا می‌کردند که ارتش سرخ شوروی با خیانت نیروهای داخلی تمامیت ارضی افغانستان را نادیده گرفته است بنابراین با برجسته کردن ایده‌های ناسیونالیستی و تمایلات مذهبی جنگ را مدیریت می‌کردند. این جنگ آنقدر طولانی شد که به نوعی مشابه حضور آمریکا در ویتنام، این بار اما برای شوروی بود.

یکی از چهره‌هایی که در آن زمان، جنگ اسلام‌گرایان را رهبری می‌کرد، اسامه بن لادن بود که توسط آمریکا، پاکستان و ایران تجهیز می‌شد و گروه‌هایی تشکیل می‌داد که به مرور تبدیل به قدرت‌های پراکنده شدند. سال ۱۳۶۷ ارتش شوروی با دستور گورباچف از افغانستان خارج شد و اسلام‌گرایان پیروز شدند، اما مجاهدینی که طی یک دهه توسط آمریکا تجهیز شده بودند، تبدیل به گروه‌های بنیادگرایی شدند که با دو رکن «اسلام‌گرایی» و «ناسیونالیسم» دیگر آمریکا را هم قبول نداشتند. طالبان یکی از همین گروه‌ها بود که با محوریت قوم پشتون در همین جریان تشکیل شد و طی این دوران آنقدر قدرت گرفت که در سال‌های بعد توانست بر بخش عمده‌ای از افغانستان حکومت کند و توسعه ایده‌های بنیادگرایانه خود را در نقاط دیگر هم پیش ببرد.

سال ۲۰۰۱ پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر، آمریکا به افغانستان حمله کرد تا هیولایی که خود ساخته بود را سرنگون کند. در این سال القاعده به شدت زیر حملات ایالات متحده بود و در این شرایط فرصت مناسبی پیش آمد تا طالبان که تا آن سال گروه دست

ابتدای دهه پنجاه محمداوود خان پادشاهی افغانستان را سرنگون کرد و جمهوری افغانستان را بنیان نهاد. جمهوری افغانستان البته دوام نداشت و ۵ سال بعد، وقتی چپ‌گرایان در منطقه رشد کردند، در افغانستان نیز انقلاب کمونیستی ثور به رهبری ببرک کارمل رخ داد.

اگرچه مدرنیزاسیون افغانستان از همین دوره آغاز شد اما مشکلی بزرگ وجود داشت و آن اینکه سنت‌گرایان افغانستان با جهان‌بینی سکولار سوسیالیستی همخوانی نداشتند. مقابله مجاهدان اسلام‌گرا با حکومت کمونیستی افغانستان در همین دوره آغاز شد و جنگ داخلی افغانستان شکل جدیدی به خود گرفت.

مشکل بزرگ‌تر در افغانستان زمانی آغاز شد که برژنف رئیس‌جمهور وقت شوروی ارتش سرخ را در حمایت از کمونیست‌های افغانستان به این کشور فرستاد و در مقابل جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیروهای اسلام‌گرا را برای مقابله با نفوذ کمونیسم در منطقه تجهیز تسلیحاتی کرد و به این ترتیب در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ میلادی و در سال‌های پایانی جنگ سرد، افغانستان به میدانی برای تقابل دو بلوک شرق و غرب تبدیل شد.

از آنجا که آمریکا به تازگی از گرفتاری عظیم جنگ ویتنام رها شده بود، نمی‌توانست نیروهای نظامی خود را مستقیماً به افغانستان روانه کند، به همین دلیل آنها روش ارسال اسلحه و مهمات جنگی به اسلام‌گرایان را برگزیدند و اسلام‌گرایان با حمایت آمریکا به جنگ کمونیست‌ها رفتند. عدم حضور آمریکا در افغانستان



نظامی را در مرز با افغانستان مستقر کرد و نزدیک بود ماجرا به لشکر کشی ایران به افغانستان ختم شود، طالبان دریچه‌های سد کجکی روی رود هیرمند را بست تا به این ترتیب میزان آب ورودی به ایران به شدت کاهش یابد.

آنچه در مدت اخیر نام طالبان را برای بار دیگر به صدر اخبار کشاند، دو اتفاق مهم بود؛ اول گسترش جنگ داخلی در افغانستان که به تصرف کامل فراه و غزنی و قندوز توسط طالبان انجامید و حتی کنترل گذرگاه مهم مرزی «اسلام قلعه» در مرز ایران و افغانستان را به دست گرفتند. اتفاق دوم چرخش ناگهانی جمهوری اسلامی و حمایت از طالبان بود که برای ناظران بسیار تعجب‌آور بود.

که طالبان بخواهد از ایران تبعیت کند. از سوی دیگر مشکلاتی از طریق برخی هم‌پیمانان ایران وجود دارد؛ مشکلاتی نظیر مخالفت شیعیان هزاره و فارسی‌زبانان هرات و اقوام تاجیک و ازبک که تمام آنها از ارتباط ایران و طالبان ناراضی هستند. این ناراضی‌ها حتی در دولت رسمی افغانستان وجود دارد و در روزهای گذشته برخی از مقام‌های رسمی افغانستان از کمک تسلیحاتی ایران به طالبان در موضوع تصرف گمرک «اسلام قلعه» و «بونصر فراهی» گلایه کرده‌اند؛ از جمله اشرف غنی رئیس‌جمهوری افغانستان که یادآور شده بود که «روزانه ۴۰۰ نفر در افغانستان جان خود را از دست می‌دهند.» و وزیر امور خارجه افغانستان که به ایران هشدار داد که جنگ در افغانستان «داخلی» نخواهد ماند و دامنه آن به کشورهای منطقه کشیده خواهد شد.

بیان این مواضع نخستین بار توسط احمد نادی نماینده مجلس مطرح شد و او در توییتی نوشت: «طالبان یکی از جنبش‌های اصیل منطقه و با زمینه قوم پشتون است. حضور در سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوحه را بایستی به فال نیک گرفت. همکاری با آنان می‌تواند به گسترش ثبات در جامعه افغانستان و جلوگیری از نفوذ گروه‌هایی همچون داعش منجر شود. نباید در دام بازنمایی‌های اشتباه رسانه‌های آمریکایی از آنان بیفتیم.»

این جمله واکنش‌های زیادی را در پی داشت و آن زمان تصور بر این بود که این دیدگاه نظر شخصی اوست و نظر رسمی جمهوری اسلامی چیز دیگری است اما وقتی مذاکرات ایران و طالبان جدی‌تر شد و مسئولان جمهوری اسلامی در گفت‌وگوهای قطر حضور پیدا نکردند تا خودشان کنترل مذاکرات را در اختیار داشته باشند، مشخص شد که ماجرا بسیار گسترده‌تر از توییت یک نماینده مجلس است.

چندی بعد روزنامه کیهان در مطلبی در حمایت از طالبان نوشت: «نیروهای طالبانی که امروز از آن حرف می‌زنیم، اولاً نیروی یکدست و هماهنگی نیست. ثانیاً با طالبانی که می‌شناختیم و مثلاً سر می‌برید، تفاوت‌هایی کرده است. طالبان این تغییر رویه را رسماً نیز اعلام کرده است. طالبان حتی اعلام کرده که با شیعیان این کشور هم کاری ندارد.»

پس از موضع‌گیری روزنامه حاکمیتی کیهان، مدیر خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران ایران هم اعلام کرد «این برداشت نباید صورت بگیرد که در افغانستان شیعه‌کشی می‌شود. همین الان من به عنوان هشدار می‌گویم که جنگی بین شیعه و طالبان در افغانستان وجود ندارد. نه الان، نه در گذشته. یعنی هر چه بوده، در میدان نبرد اتفاق افتاده است.»

سیاست حمایت از طالبان در ایران توسط اصولگرایان در پیش گرفته شده است و وزارت خارجه نیز به عنوان یکی از مجریان اجرای این حمایت به میانه آمده است. تا پیش از این ارتباط به صورت مخفیانه و از طریق سپاه پاسداران انجام می‌شد. اما در دوره‌ای رابطه علنی‌تر شد، آن چنان که ایران در جریان برگزاری

اجلاس اسلامی در تهران، از ملا برادر یکی از موسسان طالبان نیز دعوت کرد و پس از آن سفیر ایران در کابل تأیید کرد که ایران و طالبان همکاری دارند. این ارتباط البته بسیار پیچیده بود؛ به نحوی که ایران گاه با طالبان همکاری می‌کرد و گاه منافع آمریکا را در نظر می‌گرفت. رایان کراکر دیپلمات آمریکایی حتی مدعی شده که در دوره‌ای قاسم سلیمانی نقشه آرایش و محل استقرار نیروهای طالبان را به آمریکا داده و آنها نیز در مقابل محل اختفای یکی از اعضای القاعده در مشهد را به ایران داده‌اند.

به مرور اما ارتباط ایران و آمریکا در منطقه برای مقابله با طالبان کم‌رنگ شد. آمریکا جداگانه مذاکرات صلح قطر را در پیش گرفت اما ایران معتقد بود این مذاکرات تنها باید از کانال آنها انجام شود؛ به این ترتیب در نوع رابطه ایران و طالبان تغییراتی ایجاد شد؛ به ویژه زمانی که آمریکا تصمیم گرفت نیروهای نظامی خود را پس از ۲۰ سال از افغانستان خارج کند و ایران، ترکیه، پاکستان و روسیه برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان نیروهای آمریکایی تحرکات خود را افزایش دادند.

در این شرایط طالبان نیاز به حمایت کشورهای خارجی داشت تا موقعیت خود را در ساختار قدرت افغانستان حفظ کند و ایران نیز معتقد بود با قدرت گرفتن طالبان (تا این لحظه بیش از ۲۰۴ منطقه شامل ۴۰ درصد جمعیت افغانستان در اختیار طالبان و ۱۲۰ منطقه شامل ۲۸ درصد جمعیت افغانستان در اختیار دولت مرکزی است و در ۷۴ منطقه شامل ۳۲ درصد جمعیت نیز درگیری ادامه دارد) باید از فضای موجود استفاده کند. تمام اینها در حالی است که ایران حدود ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد که اکنون در دست طالبان است.

این نیاز پس از انعقاد قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین برای جمهوری اسلامی حیاتی‌تر شد زیرا در این قرارداد که با اصرار اصولگرایان ایران منعقد شده بود، افغانستان منطقه‌ای حیاتی بود که میان ایران و چین قرار گرفته بود و برای ارتباطات بین دو کشور نقش یک میانجی جغرافیایی را بازی می‌کرد؛ ضمن آنکه با تسلط بیشتر طالبان بر افغانستان، ایران این اطمینان را پیدا می‌کرد که نیروهای طالبان امنیت مسیر زمینی ارتباطی ایران به چین را نیز تأمین کنند، بنابراین ایران با این ایده که طالبان که در آینده بخش مهمی از قدرت افغانستان را در اختیار خواهد گرفت، به سمت تعامل حرکت کرده و تلاش دارد در منطقه شرق برای خود مصونیت ایجاد کند.

معلوم نیست این ایده تا چه اندازه برای ایران رهگشاست؛ چه اینکه طالبان به لحاظ ایدئولوژیک به عربستان نزدیک است و از دیگر سو حمایت تسلیحاتی و نظامی پاکستان را با خود همراه دارد. با این وصف بسیار بعید است

سخت‌گیری‌های سازمان وام و مسکن کانادا، تلاشی بی‌ثمر



کیک نخواهند داشت اما تک‌های که نصیب سازمان وام و مسکن کانادا از سال گذشته تا کنون شده است از آنچه پیش بینی می‌شد کوچکتر است. طبق آمار، این سازمان در سال گذشته چیزی حدود نیمی از بازار بیمه مسکن را در اختیار داشت. حال آنکه این رقم در حال حاضر به حدود بیست و سه درصد نزول کرده است. از طرف دیگر، سهم شرکت Sagen که پیش از این حدود ۳۳ درصد بود به ۴۴ درصد رسیده است.

با این تصمیم‌های اساسی، سازمان وام و مسکن تصور می‌کرد سایر شرکت‌های بیمه‌کننده وام‌های مسکن در بخش خصوصی از آن پیروی کنند. اما چنین نشد و بانک‌ها و موسسات مالی سیل مشتریان منتظر را به شرکت‌های خصوصی سرازیر کردند. آن شرکت‌ها هم که از دست آوردن چنین سهمی از بازار راضی و خوشنود بودند در شرایط اعطای وام با سازمان وام و مسکن همسو نشدند و سخت‌گیری نکردند. سازمان وام و مسکن کانادا مقصر این رخداد را عدم همکاری و هماهنگی بانک‌ها می‌داند چرا که متقاضیان وام اصولاً نقشی در انتخاب شرکت بیمه‌کننده وام ندارند و این بانک‌ها و موسسات مالی هستند که تصمیم می‌گیرند با کدام شرکت کار کنند. گذشته از اینکه تصمیم و سیاست‌های سخت‌گیرانه سازمان وام و مسکن کانادا در جهت مثبت و با هدف بهبود کیفیت سبد وام‌ها، کاهش ریسک وام‌دهندگان، کاهش ریسک ورشکستگی و استقرار بیش از حد برای وام‌گیرندگان و همینطور همسویی و همگام بودن با سیاست‌های دولت و بانک مرکزی در جهت کنترل بهتر بازار مسکن بوده است اما سهمی که این سازمان در دوران بحران کرونا از بازار داغ و رو به رشد امروز مسکن از دست داد سهم بزرگی است که به عقیده برخی کارشناسان به راحتی دیگر به دست نخواهد آمد. چه بانک‌ها و چه سایر سازمان‌های دولتی که در این مسیر با این سازمان همسویی نداشته اند مقصر باشند یا نباشند اما ترس از رکود یا شور و اشتیاق بانک‌ها در به دست آوردن سود و تصرف بازار قطعاً دلیل اصلی شکست این خط مشی بوده است.

منابع سایت‌های خبری سی‌تی‌وی نیوز، گلوب‌اند‌میل، فایننشال پست و کلگری هرالد

که نسبت درآمد ناخالص فرد متقاضی به بدهی‌های مربوط به وام و مسکن باید تا پیش از این حدود سی و پنج درصد می‌بود که این مقدار اکنون به سی و نه درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر، نسبت بدهی‌های عمومی شامل وام‌ها و کردیت لاین‌های بانکی به درآمد افراد اکنون به جای چهل و دو درصد به چهل و چهار درصد افزایش یافته است. یعنی افراد متقاضی وام با داشتن بدهی بیشتر نسبت به قبل می‌توانند واجد شرایط دریافت وام شوند.

بانک‌ها و موسسات مالی بزرگ در زمان اعطای وام از خریداران درخواست می‌کنند تا حداقل به مقدار بیست درصد از قیمت ملک یا مسکن را به عنوان پیش‌پرداخت نقدی بپردازند. در صورتی که میزان پیش‌پرداخت کمتر از بیست درصد باشد بیمه سازمان وام و مسکن کانادا یا شرکت‌های مشابه آن الزامی است. سازمان وام و مسکن کانادا در سه ماهه اول امسال حدود یک میلیون وام‌گیرنده را بیمه کرد که مبلغی معادل دویست و نه میلیارد دلار را شامل می‌شد.

این عقب‌نشینی در سخت‌گیری اعطای وام مسکن در زمانی رخ می‌دهد که بانک مرکزی کانادا بیش از هر زمان نگران افزایش سبب بدهی‌های خانواده‌های کانادایی است. با این وجود احتمالاً تأثیر این خط مشی در افزایش بهای املاک به ویژه در مقایسه با آثار مستقیم نرخ بهره بر بازار مسکن چندان چشم‌گیر نخواهد بود. طبق گزارش موسسه کانادایی املاک، ارزش خانه‌ها و املاک نسبت به مدت مشابه در سال قبل حدود سی و هشت درصد افزایش یافته است.

بنا به نظر کارشناسان بخش مسکن، این چرخش در روند اعطای وام از سوی سازمان وام و مسکن کانادا یک شبه بازار مسکن را زیر و رو نخواهد کرد و به شکل جدی و عمیق تأثیری مستقیم بر قیمت یا میزان تراکنش‌های مالی بازار مسکن نخواهد داشت چرا که با خلوت‌تر شدن صف مشتریان سازمان CMHC، بیمه‌کنندگان رقیب از بخش خصوصی این خلا را پر کرده و بخش مهمی از سهم این سازمان را در بازار مسکن از آن خود کرده‌اند. به عبارت دیگر اگر بازار مشتریان بیمه‌شونده را به یک کیک بزرگ تشبیه کنیم، این تصمیم‌ها تأثیری بر اندازه

سال گذشته و هم‌زمان با به روی کار آمدن رومی باورز، رئیس جدید سازمان وام و مسکن کانادا CMHC، این سازمان سعی در ایجاد تغییر اساسی به‌ویژه در مورد کیفیت وام‌های اعطا شده گرفت. تصمیمی که در نهایت منجر شد که بزرگ‌ترین بیمه‌کننده وام مسکن کشور در ردیف بیمه‌کننده‌های خصوصی مانند Canada Guaranty Mortgage Insurance Co و شرکت Sagen MI Canada Inc که پیش از این به Genworth مشهور بود قرار گیرد. با این هدف سیاست‌هایی برای کنترل رشد سریع قیمت املاک و همچنین کنترل بیشتر ریسک بر سبد بدهی‌های خانواده‌های کانادایی و همین‌طور حمایت از دولت و مالیات‌دهندگان اتخاذ شد و سازمان وام و مسکن کانادا تصمیم به سخت‌گیری بیشتر در اعطای وام بانکی به خریداران گرفت. این تصمیم با انتقاد شدید وام‌گیرندگان و بانک‌ها و موسسات مالی مواجه شد. حال پس از گذشت یک سال، این سازمان که بزرگ‌ترین بیمه‌کننده وام مسکن در کانادا است تصمیم گرفته اندکی این روند را معکوس کند و سخت‌گیری کمتری در تحلیل پرونده‌های وام مسکن اعمال کند. این سازمان اذعان کرد که در اتخاذ این تصمیم یک جانبه کمی عجله کرده و پیامد این تصمیم برای این سازمان پیامدهای مالی منفی و قابل توجهی به دنبال داشته است و به دنبال آن این سازمان بخش بزرگی از بازار املاک را به رقبا و سایر بیمه‌کنندگان وام مسکن واگذار کرده است.

به دنبال این تصمیم از تاریخ دوشنبه پنجم جولای سازمان وام و مسکن کانادا روند پیش از بحران کرونا را در پیش خواهد گرفت و متقاضیان با امتیاز اعتبار یا کردیت اسکور کمتر را نیز حائز شرایط دریافت وام خواهد دانست. در سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای که از سال گذشته بر شرایط دریافت وام اعمال می‌شد دارا بودن حداقل امتیاز ششصد و هشتاد در سابقه اعتباری افراد از جمله شرایط اصلی بود که با عقب‌نشینی اخیر این سازمان این امتیاز به ششصد تقلیل یافته است.

از سوی دیگر نیز سخت‌گیری کمتری در مورد میزان بدهی و درآمد افراد خواهد شد تا بدین وسیله تعداد افراد دارای شرایط دریافت وام اندکی افزایش یابد. بدین معنی



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.aufoshemiran.com



Panneton & Panneton Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
خواهد شد

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099

8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

HYDROWISE

شرکت هایدر و وایز

احداث و زیباسازی فضای سبز

- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم آبیاری اتوماتیک فضای سبز
- آسفالت ورودی گاراژ و سنگ کاری پیاده‌روهای حیاط و باغچه
- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم نورپردازی فضای سبز
- کاشت چمن
- تنها تامین کننده کود طبیعی چمن (بیویزیست Biofertilizer) در کانادا

(514) 707 4767

INFO@HYDROWISE.CA
WWW.HYDROWISE.CA

ارزیابی رایگان

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate



Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

دانش
جامعه
حقوق
سلامتی

دانش
جامعه
حقوق
سلامتی

دانش
جامعه
حقوق
سلامتی

دانش
جامعه
حقوق
سلامتی

www.hafteh.ca

هفته

www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal

@Journal_Hafteh @HaftehWeekly

یافته محققان: نبض زمین هر ۲۷ میلیون سال یکبار می‌زند

طبق نتایج این تحقیق که در Geoscience Frontiers منتشر شد، محققان تحت سرپرستی پروفیسور مایکل رامپینو نتایج مطالعات صورت گرفته بر روی ۸۹ واقعه زمین‌شناسی (مثل انقراض دایناسورها) را که طی ۲۶۰ میلیون سال گذشته اتفاق افتاده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند تا به یک چرخه مشخص دست یابند.

محققان با پی بردن به این که رویدادهای سیاره‌ای مورد بحث معمولاً در بازه‌های زمانی نزدیک به هم اتفاق می‌افتند، آن‌ها را در ده دوره مشخص گروه‌بندی کرده‌اند. به گفته محققان کره زمین نبض مشخصی دارد که با آهنگ هر ۲۷.۵ میلیون سال یک بار می‌زند.

دانشمندان یک بار دیگر زنده بودن کره خاکی را یادآوری می‌کند. به گفته محققان آمریکایی تپش قلب زمین با یک رشته فجایع طبیعی که در سطح زمین و در عمق اقیانوس‌ها رخ می‌دهد، همزمان می‌شود. این فعالیت‌های زمین‌شناسی گاهی عامل امواج انقراض انواع گونه‌های حیوانی و نباتی است که در کره زمین زندگی می‌کنند.

مطالعه بر روی همین رویدادهای مهم مثل فوران‌های آتش‌نشانی زنجیره‌ای، حرکات صفحات تکتونیکی، باران‌های سیل‌آسا و طغیان جریان‌های آبی و برخی حوادث دیگر برای دانشمندان این امکان را ایجاد کرده‌اند که به تکرار و تناوب فعالیت‌های زمین‌شناسی پی ببرند.



یافته‌های تحقیق جدید پژوهشگران دانشگاه نیویورک حاکی از آن است که فجایع طبیعی در زمین به صورت موجی به وجود می‌آیند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، دانشمندان دانشگاه نیویورک می‌گویند «نبض» زمین را کشف کرده‌اند. به گفته آن‌ها علل برخی پدیده‌های زمین‌شناسی که تا کنون تصادفی تصور می‌شد، در «نبض زمین» نهفته است. استفاده از اصطلاح استعاره «نبض زمین» توسط

رصد ۴ سیاره سرگردان و بدون مدار در خارج از منظومه شمسی

سیگنال میکروولنز با عمر کوتاه را که بین یک ساعت تا ده روز متغیر است، رصد کردند.

چندین مورد از این سیگنال‌ها پیش از این به لطف مشاهدات صورت گرفته از زمین کشف شده بود با این حال چهار سیگنال میکروولنز که دانشمندان انگلیسی ردیابی کرده‌اند، متعلق به سیارات فراخورشیدی هستند که جرمی مشابه جرم کره خاکی دارند.

این سیگنال‌های میکروولنز با سیگنال طولانی‌تری که انتظار می‌رود از یک ستاره میزبان ساطع شود، همراه نشد به همین علت دانشمندان می‌گویند این سیگنال‌ها مربوط به سیارات سرگردانی باشد که در مدار هیچ ستاره‌ای قرار ندارند.

تشخیص و ردیابی این اجرام آسمانی نادر شده‌اند.

اخترفیزیکدانان دانشگاه منچستر در مطالعه خود که نتایج آن در نشریه Monthly Notices of the Royal Astronomical Society منتشر شد، برای تشخیص این سیاره‌های سرگردان فراخورشیدی از تکنیک میکروولنزه‌ای گرانشی که در علم نجوم برای رصد کردن اجرام سماوی کاربرد دارد، استفاده کردند.

در این روش از اثر عدسی گرانشی استفاده می‌شود که بر اثر آن نور یک ستاره دوردست خم می‌شود و تحت تاثیر وجود یک سیستم ماهواره‌ای به سمت زمین متمرکز می‌شود.

پرفسور لین مک دونالد و همکارانش در تحقیقات خود ۲۷



اخترفیزیکدانان انگلیسی دانشگاه منچستر موفق به رصد چهار سیاره سرگردان خارج از منظومه شمسی شده‌اند که دارای جرمی مشابه جرم زمین هستند اما در مدار هیچ ستاره‌ای قرار ندارند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، دانشمندان انگلیسی با تجزیه و تحلیل داده‌هایی که تلسکوپ فضایی کپلر Kepler ناسا در سال ۲۰۱۶ در باره میلیون‌ها ستاره نزدیک در مرکز کهکشان راه شیری جمع‌آوری کرده بود، موفق به

بررسی تاثیر مصرف قهوه در جلوگیری از خواب‌آلودگی در رانندگی

نوشیدنی کافئین‌دار مصرف کرده بودند ۲۵ درصد و برای آن‌هایی که اسپرسو دوپل نوشیده بودند، ۳ درصد بود. میزان کافئین برای گروهی که قهوه یا نوشیدنی کافئین‌دار خورده بودند، یکسان بود بنابراین تفاوت رفتار و عملکرد این دو گروه نمی‌تواند ناشی از وجود این ماده باشد.

دکتر سالدمن گفت ما در مرحله بعد تلاش خواهیم کرد دریابیم این تفاوت تحت تاثیر چه ملکول‌هایی ایجاد می‌شود و این که این ملکول‌ها در چه مواد غذایی دیگری وجود دارند.

با این حال استفان پنه مدیر بیمه پیشگیری از سوانح رانندگی تاکید کرد که مصرف قهوه نمی‌تواند کمبود خواب رانندگان را جبران کند یا آن‌ها را از رعایت برخی تدابیر پیشگیرانه مثل توقف‌های کوتاه و استراحت‌های مقطعی، نوشیدن آب کافی و خوردن غذای سبک معاف نماید.

توسط فردریک سالدمن متخصص قلب و تغذیه و همچنین فابریس بونه متخصص غدد صورت گرفته است، نشان داد که مصرف قهوه موجب افزایش هوشیاری و جلوگیری از حالت خواب‌آلودگی پشت فرمان می‌شود.

در این تحقیق ۷۵ راننده شرکت کردند. گروه کنترل اول «اسپرسوی بدون کافئین»، گروه دوم «اسپرسوی دوپل» و گروه سوم «یک نوشیدنی کافئین‌دار» مصرف کردند و در یک شبیه‌ساز رانندگی قرار گرفتند تا رفتار و عملکرد آن‌ها از طریق ارزیابی خودکار، یک سیستم کنترل بصری و ترمزهای غیرمنتظره مورد ارزیابی قرار گیرد.

نتایج این تحقیق نشان داد ۵۰ درصد رانندگانی که اسپرسوی بدون کافئین مصرف کرده بودند، طی دو ساعت رانندگی چندین مورد میکرواسلیپ (ریزخواب) یا همان چرت‌آنی را تجربه کردند؛ در حالی که این رقم برای رانندگانی که



نتایج یک مطالعه جدید که روز پنجشنبه ۸ ژوئیه در فرانسه منتشر شد، نشان می‌دهد که مصرف قهوه می‌تواند به شکلی بسیار موثر به مدت حداقل دو ساعت، از ایجاد حالت خواب‌آلودگی و چرت زدن که از اصلی‌ترین عوامل سوانح جاده‌ای در جهان محسوب می‌شود، جلوگیری کند. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، این مطالعه که به سفارش انجمن بیمه پیشگیری از سوانح در فرانسه و

فراخوان برای صلح

خانم مهرناز شهبابی، پژوهشگر و کنشگر صلح مقیم انگلستان در مقاله‌ای که در وبسایت کنسورتیوم نیوز (Consortium News) در تاریخ ۱۷ می ۲۰۲۱ منتشر شد، با ارائه تاریخچه برنامه تسلیحاتی هسته‌ای اسرائیل، مصونیت اسرائیل از هرگونه پاسخگویی در قبال برنامه تسلیحاتی هسته‌ای و سایر جنایاتش را به چالش کشیده‌اند.

<https://consortiumnews.com/2021/05/17/time-to-end-the-silence-on-israels-nuclear-weapons/>

این مقاله به زبان فارسی هم به انتشار رسیده است.

<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/170247/>

به همراه این مقاله، فراخوانی است برای خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل در راستای خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای که توسط کنشگران عرصه فرهنگی و جنبش صلح، مهرناز شهبابی (انگلستان) و مهرداد شهبابی و محمدرضا طاهریان (ایران) به زبان انگلیسی و فارسی تدوین شده است. فراخوان انگلیسی را عده زیادی از صلح‌طلبان برجسته از جمله نوام چامسکی، یراوند ابراهامیان، شورای صلح ایالات متحده و کارزار خلع سلاح‌های هسته‌ای در انگلستان (سی ان دی) (CND) امضاء کرده‌اند.

<https://www.change.org/NuclearDisarmamentofIsrael>

با امضاء این فراخوان می‌توانیم گفتمان غالب استعماری را به چالش بکشیم و جلوی زیاده‌خواهی‌ها و جنگ‌افروزی‌های کشورها به خصوص اسرائیل بایستیم.

بقول یکی از بزرگان:

«جوامع از سکوت مردم بیشتر ضربه می‌خورند تا عمل مخالفان»

در یک ماه گذشته گور دسته‌جمعی بیش از هزار کودک بومی یعنی صاحبان اصلی این سرزمین که توسط دولت و کلیسا به‌زور از خانواده‌های خود جدا شده و در این مدرسه‌ها اسکان داده شده بودند افشا شد. این کودکان در اثر رفتارهای وحشیانه مسئولین این مدارس از جمله کتک و شکنجه و آزار جنسی کشته شده بودند و فاجعه مضاعف اینکه بچه‌های دیگر را وادار به کندن گور این بچه‌ها کرده بودند.

کانادا هنوز کاری برای گرفتن حقوق این بچه‌ها از واتیکان و عذرخواهی پاپ انجام نداده است، ولی چه کانادا و چه آمریکا و سایر شرکا به‌جای اینکه به وضع اجتماعی مردم خود برسند دائم برای تحریم‌های ایران، فشار وارد می‌آورند.

این در حالی است که ایران سلاح هسته‌ای ندارد ولی مردم ایران توان این تحریم‌های ظالمانه را می‌پردازند.

از طرف دیگر اسرائیل و آمریکا و چند کشور دیگر که سلاح هسته‌ای دارند می‌توانند زورگویی کنند و چماق جنگ‌های دائم را بر سر مردم دنیا از جمله ایران نگه دارند. بیشترین این تحریک‌ها هم توسط اسرائیل ایجاد می‌شود که خود صاحب بیش از ۲۰۰ کلاهک و سلاح هسته‌ای است.

مسئله تغییر نتایج در سیاست‌های ضد مردمی این کشور در مقابل ایران و سایر کشورها تغییری را موجب نخواهد شد و اهداف سیطره‌جویانه اسرائیل صلح و امنیت منطقه و جهان را دائماً و روزافزون تهدید خواهد کرد.

فراخوانندگان



بخش «خوانندگان» هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تأثیری ندارد.



فرایندهای پیشگیری و حل اختلاف



است و هزینه کمتری نسبت به دادرسی دارد. اسامی و لیست میانجی‌های معتبر در لینک زیر یافت می‌شود. این افراد باید متعهد شوند که:

۱. بهترین روش‌ها را در زمینه میانجیگری مدنی در ایالت کبک اعمال می‌کنند و به‌ویژه باید یک دوره کارآموزی مربوطه طی ۵ سال گذشته را که حداقل ۶۰ ساعت به طول انجامیده با موفقیت به پایان رسانده باشند و حداقل ۱۰ ساعت مهارت‌های مربوطه در زمینه حقوقی مدنظر را طی دو سال اخیر پشت سر گذاشته باشند؛

۲. قوانین رفتاری از جمله محرمانه بودن، رعایت انصاف و... را در حرفه میانجیگری رعایت کنند؛
۳. یک روش مکتوب برای بررسی شکایات ایجاد کنند تا اطمینان حاصل شود که به‌طور عادلانه و بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای رسیدگی انجام می‌شود؛
۴. پرونده خود را که نشان می‌دهد هیچ مجازات کیفری یا اداری مرتکب نشده‌اند ارائه دهند.

معمولاً پس از یک یا چند جلسه میانجی‌گری، افراد متوجه می‌شوند که آیا زمینه‌ای برای حل اختلاف مسالمت‌آمیز وجود دارد یا خیر. در صورت توافق بین طرفین، میانجیگر قرارداد توافق‌نامه را تهیه می‌کند که افراد می‌توانند در صورت لزوم برای تنفیذ دادگاه آن را به ثبت برسانند. در دادگاه مطالبات کوچک استفاده از خدمات میانجیگری رایگان و اختیاری است.

توضیح: متن فوق اطلاعات عمومی در خصوص موضوع مقاله است و در صورت بروز مشکل حقوقی، خواننده می‌بایست از وکیل خود، مشاوره حقوقی دریافت نماید. نگارنده مقاله و مجله «هفته» هیچ مسئولیتی در مورد ابعاد حقوقی این متن نخواهند داشت.

برای اطلاعات بیشتر یا برقراری ارتباط می‌توانید به وبسایت دفتر حقوقی **Riahi Legal** مراجعه و سوالات خویش را از وکیل دادگستری کبک، خانم نیوشا ریاحی بپرسید. www.riahilegal.com

کرده‌اند. وزیر دادگستری این مطلب را خاطر نشان می‌کند که این ابزار، در راستای اهداف دولت برای تأمین بهتر عدالت و حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات و برآوردن نیازهای مردم به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

این دفتر همچنین گزارش می‌دهد که ۷۰٪ پرونده‌ها حل و فصل شده و میانگین زمان توافق بین طرفین ۲۵ روز کاری است. بیش از ۱۲۰ تاجر، از جمله فروشگاه‌های بزرگ میلمان، خرده‌فروشان وسایل استخر، فروشندگان ماشین‌های دست دوم و ... از این سیستم عامل استفاده می‌کنند.

مزیت‌های استفاده از این سیستم عامل:

۱. فراهم کردن یک فضای مجازی بی‌طرف، خصوصی و امن برای مذاکره؛
۲. در صورت لزوم، امکان فراخواندن یک میانجی معتبر؛
۳. ارائه راه‌حل ساده، عملی و رایگان صرف‌نظر از ارزش کالا یا خدمات موردنظر؛
۴. ابزاری کارآمد و مؤثر برای حل و فصل اختلاف در مدت‌زمان کمتر از ۳۰ روز کاری بدون مراجعه به دادگاه. مصرف‌کنندگانی که مایل‌اند در PARLE گام بردارند، ابتدا باید با دفتر *office de la protection du consommateur* تماس بگیرند. اگر این فرد شرایط استفاده را داشته باشد، یک نماینده برای ایشان ایمیلی حاوی اطلاعات لازم برای کمک به درخواست دهنده ارسال می‌نماید.

میانجی‌گری مدنی:

به‌موازات PARLE یا فرایندهای پیشگیری و چگونگی حل اختلاف، افراد می‌توانند از خدمات حقوقدان به‌عنوان میانجیگر بهره‌مند شوند. این نوع میانجیگری راهی ساده و منعطف برای حل و فصل اختلافات ارائه می‌دهد و معمولاً سریع

در مقاله پیشین، به یکی از فرایندهای پیشگیری و چگونگی حل اختلاف که میانجیگری بود، پرداخته شد. همان‌گونه که بیان شد، این فرایندها راهی برای جلوگیری یا حل و فصل سوءتفاهم، مشکل، اختلاف یا درگیری هستند که به‌صورت داوطلبانه و مبتنی بر همکاری و مشارکت طرفین می‌باشند و طرفین با یک توافق دوجانبه یکی از این فرایندها را انتخاب می‌کنند. در این مقاله به دو فرایند پروگرام و میانجیگری مدنی خواهیم پرداخت.

سیستم عامل PARLE:

یک نمونه از این فرایندها، روی کار آمدن سیستم‌عاملی به نام PARLE است که در زمینه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان است و افراد به‌صورت آنلاین می‌توانند از خدمات این سیستم‌عامل بهره‌مند گردند و در مدت‌زمانی اندک اختلافات خود را حل و فصل کنند.

یکی از ابتکارات در زمینه حل اختلاف بین طرفین، ابداع یک ابزار حل اختلاف آنلاین توسط دفتر حمایت از مصرف‌کنندگان است که در دانشگاه مونرآل راه‌اندازی گردیده است. PARLE نام این ابزار است که در آن مصرف‌کنندگان و تاجر به حل و فصل اختلافات خود می‌پردازند. با ابتکار این سیستم‌عامل، دیگر نیازی به مراجعه به دادگاه توسط طرفین وجود ندارد. آن‌ها می‌توانند با مداخله یا بدون مداخله میانجی، برای یافتن راه‌حل‌های دوستانه برای حل مشکل اقدام کنند. در این سیستم، همه‌چیز از راه دور و با رازداری و امنیت کامل انجام می‌شود. این سرویس که به‌صورت رایگان ارائه می‌شود، در دوران همه‌گیری بسیار مفید واقع شده است.

این طرح آزمایشی که در نوامبر ۲۰۱۶ آغاز به کار کرد، بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت. تاکنون بیش از ۱۱۰۰۰ مصرف‌کننده به این سیستم‌عامل مراجعه

الهام گرامی، دکترای روانشناسی



عناصر مهم تصمیم‌گیری مناسب کدامند؟



توصیه‌های مفید در فراگیری مهارت تصمیم‌گیری: در تصمیم‌گیری بهتر است با افراد آگاه، متخصص و باتجربه مشورت کنید.

به عواملی همچون اطلاعات موجود، زمان، تأثیر و فشار دیگران، ارزش‌های جامعه و عواقب و نتایج تصمیم‌گیری دقت داشته باشید.

با فرزندان‌تان درباره تصمیمات درست و غلط صحبت و بحث و گفت‌وگوهای داشته باشید و اینکه در شرایط حساس یا خطرآفرین می‌توانیم انتخاب و تصمیمات خود را تغییر دهیم.

زیاد پیش می‌آید که افراد دچار احساسات ناخوشایند و متفاوتی مثل احساس گناه برای انتخاب‌هایی که خلاف ارزش‌های خود، والدین و جامعه است، شوند. در این مواقع می‌توان انتخاب‌ها و همین‌طور احساسات منفی و ناخوشایند را بررسی و تحلیل کرد.

برای تمرین بیشتر و کسب مهارت در پروسه تصمیم‌گیری، می‌توان تمریناتی را در قالب پرسش و پاسخ با اعضاء خانواده داشت. بدین صورت که روی یک برگه تصمیم‌گیری و عواقب و نتایج آن، همچنین سود و زیان‌های هر تصمیم نوشته و بررسی شود.

بالا بردن مهارت خودآگاهی در تصمیم‌گیری بسیار مهم و حیاتی است. مادامی که توانایی و ناتوانی، ضعف و قوت، اهداف و خواسته‌های خود را شناسید، به مهارت تصمیم‌گیری درست نخواهید رسید.

از تصمیم‌گیری‌های عجولانه، لجبازی، غیرمنطقی و خطرناک بپرهیزید و در این مواقع سعی کنید هیجانات و احساسات منفی خود را کنترل کرده و کمی زمان به خود بدهید.

درنهایت و زمانی که در یک تصمیم‌گیری مردد بودید و نتوانستید انتخاب درستی انجام دهید، حتماً با یک متخصص مشورت کرده و به جمع‌بندی منطقی برسید.

درباره نویسنده

الهام گرامی دکترای روانشناسی، مشاور و مدرس مهارت‌های زندگی در حوزه کودک، نوجوان و خانواده است.

اساسی‌ترین قسمت یک انتخاب است. به موقع تصمیم گرفتن، بالا بردن اطلاعات و دانش و دقت و بررسی نتایج، از نکات دیگر در امر تصمیم‌گیری هستند.

مراحل تصمیم‌گیری:

شناسایی مسئله: در قدم نخست، مشکل را از همه جهت شناسایی و موردبررسی قرار دهید.

سؤال‌هایی مثل من برای چه می‌خواهم این تصمیم را بگیرم؟ می‌خواهم به چه اهدافی برسم؟ اولویت من برای این تصمیم‌گیری چیست؟ این تصمیم چه عواقب و نتایجی برای من خواهد داشت؟

در این مرحله مسئله یا مشکل موجود را یادداشت کرده و به بررسی آن با جزئیات بیشتر بپردازید.

جمع‌آوری اطلاعات: دومین گام این است که بتوانید بر موضوع تصمیم‌گیری، متمرکز شده و اطلاعات لازم را جمع‌آوری کنید. زمان کافی و خوبی را برای جمع‌آوری استدلال و اطلاعات لازم صرف کنید. می‌توانید از یک متخصص یا کسانی که در مورد این مشکل اطلاعاتی دارند کمک بگیرید. روی یک کاغذ مراحل مختلف تصمیم‌گیری و اطلاعات به دست آمده را یادداشت کنید.

طبقه‌بندی انتخابات: در این قدم با توجه به اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده‌اید و با بارش فکری، تصمیماتی که سود بیشتر و ضرر کمتری برایتان داشته، یادداشت کنید.

بررسی نتایج و عواقب هر انتخاب: در این مرحله سعی کنید به بررسی نتایج و پیامدهای مثبت و منفی هر کدام از انتخاب‌هایتان بپردازید. این کار باعث می‌شود متوجه شوید که در هر تصمیم‌گیری و انتخاب، هم نتایج مثبتی وجود دارد و هم پیامدهای منفی.

انتخابات را اجرایی کنید: این مرحله، زمان اجرا کردن انتخابات است. اگر مراحل قبل را درست پیش رفته‌اید، در این مرحله تأمل و تعلل جایز نیست و بایستی انتخاب یا انتخاب‌هایی را که انجام داده‌اید عملی کنید. توقف در این مرحله و بررسی مداوم تصمیمات و راهکارها، منجر به وسواس در شما شده و نقش بازدارنده برایتان خواهد داشت.

درنهایت باید توجه داشته باشید که هیچ تصمیمی کامل و صد درصد نیست و هر کدام از انتخابات نهایی ما دارای نقاط منفی و مثبتی است که قطعاً اگر مراحل تصمیم‌گیری را درست رفته باشیم، راهی را اتخاذ کرده‌ایم که کمترین ضرر و بیشترین سود را برایمان داشته است.

تصمیم‌گیری به معنی اراده و قصد کردن و انتخاب از میان دو یا چند راه‌کار و گزینه است.

تصمیم‌گیری عبارت است از فرآیند ارزیابی گزینه‌ها و راه‌حل‌های موجود برای رسیدن به هدف و بررسی و پیش‌بینی نتایج آن.

تصمیم‌گیری از مهارت‌های لازمی است که همه ما در سراسر عمر و هر روزه با آن سر و کار داریم تا جایی که پیوسته بر اساس نیازها و اهدافمان برای زندگی شخصی و کاری خود تصمیم‌گیری کرده و چه‌بسا بارها برای دیگران نیز تصمیماتی گرفته‌ایم.

همه ما بر اساس انتخابات و تصمیمات، زندگی خود را صورت می‌دهیم، بنابراین تصمیم‌گیری ما می‌تواند نشان‌دهنده توانایی‌ها، دانش، ارزش و سلیقه ما نیز باشد.

هر فردی برای تصمیم‌گیری با توجه به شرایط خاص خود از روش ویژه‌ای استفاده می‌کند. گاهی به احساس خود تکیه می‌کند یا ممکن است اولین گزینه موجود را انتخاب کند. بعضی‌ها آن قدر در مورد آیت‌های گوناگون فکر می‌کنند که به‌طور کلی تصمیم‌گیری را رها یا به گردن دیگران می‌اندازند، ولی مهم این است که ما با مهارت تصمیم‌گیری و انتخاب درست آشنا شویم و این مهارت را آموخته و به کودکانمان نیز آموزش دهیم تا آن‌ها از ابتدا یاد بگیرند چه انتخابی در زندگی درست و معقول و چه تصمیماتی مضر و اشتباه‌اند.

مهارت‌هایی که پیش‌نیاز یک تصمیم‌گیری درست هستند عبارت‌اند از: مهارت خودآگاهی، مهارت تفکر خلاق و نقاد، مهارت کنترل هیجانات منفی، مهارت جرئت ورزی و مهارت حل مسئله.

از عواملی که در یک تصمیم‌گیری منطقی نقش دارند، می‌توان به اعتمادبه‌نفس بالا، استقلال فکری، پذیرش مسئولیت‌های پس از تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری بالا، ارزیابی درست از شرایط واقعی زندگی، باورها و اهداف و ارزش‌های فردی، انعطاف‌پذیری و خلاقیت، نام برد.

در تصمیم‌گیری نکات مهم و ضروری وجود دارند که حتماً می‌بایستی قبل از شروع، به آن‌ها توجه داشت. استدلال در تصمیم‌گیری بسیار مهم است، به این معنا که باید از همان ابتدا دلایل خود را تحلیل و بررسی کنید. انتخاب بهترین راه‌حل که سود بیشتر و ضرر کمتری داشته باشد،



محمود رحیمزاده
مشاور رسمی املاک در مونترال و حومه

هدیه ما به خریداران عزیز: هزینه محضر برای خریداران عزیز رایگان خواهد بود

- خرید، فروش و اجاره املاک
- ارزش گذاری رایگان ملک شما و مشاوره رایگان
- همراهی در تهیه بهترین وام بانکی و بازرسی فنی ساختمان

cell.514.677.3900
m.zadeh@remax-quebec.com
Courtier immobilier residentiel



Mahmoud Rahimzadeh

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9
http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت



514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

صابر جلیلزاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف



saberjalilzadeh@yahoo.ca 514-549-4697

آرپانا
مقاله
گزارش

آرپانا
مقاله
گزارش

آرپانا
مقاله
گزارش

www.hafteh.ca

هفته

www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal
 @Journal_Hafteh @HaftehWeekly

یک روز گردش در چهلستون سبز کابل

اکثر اوقات و زمانی که امتحان داشته باشیم در اینجا می‌آییم و در فضای باز با هم درس می‌خوانیم. اینکه باغ چهلستون چه قدامت تاریخی دارد و قصر چهلستون در چه زمانی آباد گردید به روایت کتاب تاریخی از محمدعلی کهزاد تاریخ‌نویس و باستان‌شناس کشور و همچنان رساله‌ای درباره باغ‌های تاریخی کابل چنین نگارش شده است:

قصر چهلستون که روی یک تپه و در وسط این باغ واقع شده، حدود دو صد سال قبل و در زمان حکومت شاه زمان آباد شد. از آن زمان به بعد، این مکان میزبان مهمانان خارجی و مقامات دولتی بوده است؛ اما در جریان جنگ‌های داخلی، ۸۰ درصد این باغ و قصر چهلستون از بین رفت. کار بازسازی این باغ تاریخی، سه و نیم سال پیش به کمک مالی کشور آلمان آغاز شد که تکمیل آن، ۱۴ میلیون دلار هزینه برداشته است. این قصر دارای دو باغ داخلی و خارجی است. مساحت پارکاش (باغ خارجی) تقریباً به ۳۰ هکتار گفته شده است.

قصر چهلستون کابل در زمان سلطنت شاه زمان سدوزایی (۱۷۷۰-۱۸۴۴ میلادی برابر به ۱۱۵۹ تا ۱۲۲۳ خورشیدی، برابر به ۱۱۸۴-۱۲۶۰ هجری قمری) در سال ۱۲۱۰ (قمری) یعنی ۱۷۹۶ (میلادی) برابر به سال ۱۱۷۵ خورشیدی ساخته شده و پیش از ویرانی، از کاخ‌های باشکوه کابل شمرده می‌شد. این قصر چار پیشینه دارد که به نام‌های گوناگون یاد می‌شد.

ورودی کاخ چهلستون

در سال ۱۲۱۰ هجری قمری (برابر به ۱۷۹۶ میلادی برابر به سال ۱۱۷۵ خورشیدی) به او قصر جهان‌نما در فراز تپه کوه هند کی یاد می‌شد. سپس بخش غربی همان کوه کوه چهلستون نامیده شد. در سال ۱۳۰۵ هجری قمری (برابر به ۱۲۶۷ خورشیدی و ۱۸۸۸ میلادی) به او در خارج قصر هند کی گفته می‌شد.

از سال‌های حکومت ظاهر شاه بدین سو تنها به نام قصر چهلستون یاد می‌شود. حتی در همین سال‌ها منظره قصر مدرن چهلستون از تالار تخت رستم کابل دیده می‌شد. نام‌های تاریخی این سرزمین از دوران امیر عبدالرحمن خان بدین سو تغییر نام کردند.



▲ ربیع: با فامیل و رفقا اینجا می‌آییم

ربیع، از ساکنان کابل که از این باغ دیدن می‌کرد، گفت: «این باغ برای تفریح مکان خیلی مناسبی است. من با فامیل و رفیق‌ها اکثراً روزهای فامیلی می‌آییم و از فضای باز و محیط سبز و نشاط‌آور باغ استفاده می‌کنم؛ اما از مردم خواهش دارم که در هنگام آمدن به مکان تفریحی فرهنگ شهرنشینی را مراعات کنند.»



▲ نفیسه: اینجا محیطی خوبی برای فراگیری درس‌هایم است.

نفیسه محصلی رشته حسابداری استیستوت‌ات اداره و حسابداری که دور از فامیل در شهر کابل برای ادامه تحصیل از ولایت غزنی آمده است با دوستش اکثراً به این باغ می‌آید او می‌گوید که اینجا مکان مناسبی است و فضای باز و خوش‌گوار آن برای ما خوشایند است و

پس از سال‌ها جنگ در شهر کابل و در مجموع افغانستان جاهای تفریحی و اماکن تاریخی کاملاً ویران بودند. خوشبختانه در این اواخر اکثر باغ‌های تفریحی شهر کابل توسط مؤسسات مختلف و به‌ویژه مؤسسه آغا خان بازسازی گردید. از آن جمله باغ چهلستون یا قصر چهلستون که قدامت تاریخی دارد این محل تفریحی یکبار دیگر در محور توجه بازدیدکنندگان قرار گرفته و بازسازی شده است.

من که ساعت پنج عصر به وقت کابل با گروهی از همکاران به این باغ پس از اخذ تکت و اجازه از مسئول باغ چهلستون برای گرفتن عکس و مصاحبه با بازدیدکنندگان وارد شدم؛ واقعاً فضای سبز و خوش‌گوار و دیدن جوانان و خانواده‌ها امید بیشتر را در دلم جا داد. علاوه بر ایجاد فضای سبز، چای‌خانه‌ها، غرفه‌های عرضه مواد خوراکی، محلی برای ورزش و سایر امکانات نیز به زیبایی باغ چهلستون افزوده است. زمانی که ما در شهر کابل زنده‌گی می‌کردیم این باغ به‌جز ویرانه چیزی دیگری نبود و ما هیچ‌گاهی در این باغ به تفریح نرفته بودیم اما از زبان مادر کلانم شنیده بودم که در طفولیت مرا به این باغ می‌بردند.

امان‌الله صاحب زاده، رئیس مؤسسه باغ‌های تاریخی کابل درباره این باغ چنین گفت: باغ چهلستون که در محوطه ۶۰ جریب زمین ساخته شده و از دو سال بدین سو بازسازی و بازگشایی شده است مردم کابل به‌ویژه سمت غرب کابل به این باغ علاقه‌مندی زیاد دارند و تنها در دو ماه اول از بازگشایی این باغ تاریخی بیش از ۷۵ هزار نفر از این محل دیدن کردند.

باغ‌های تاریخی کابل من جمله باغ چهلستون همه روزه از ساعت هشت صبح الی شش عصر به روی همشهری‌های کابل باز است و همچنان روزهای فامیلی در باغ چهلستون روز پنج‌شنبه است و باغ چهلستون با داشتن سالون‌های مجلل و پرسنل مجرب برای گرفتن محافل خوشی از قبیل، شیرینی‌خوری عروسی، سالگردها، ضیافت چاشت، سمینارها، ورکشاپ‌ها و جشن فراغت مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنانچه همایش بزرگ ملی صلح به همکاری مکانیزم افغانستان برای صلح همه‌شمول نیز در باغ چهلستون دایر گردید. در این همایش از سی و چهار ولایات مختلف کشور اشتراک نموده بودند.



▲ باغ چهلستون در یک نگاه



▲ محل ورودی باغ



▲ تالار قصر

آرل کندهار و بارونت را گرفت امیر عبدالرحمن خان را در ۲۲ جولای ۱۸۸۰ میلادی برابر به ۱۲۵۹ خورشیدی برابر به ۱۲۹۷ هجری قمری به عنوان شاه در کشور هندوکش مقرر کرد. در سال ۱۳۰۵ هجری قمری که برابر به ۱۲۶۷ خورشیدی و ۱۸۸۸ میلادی می شود برای پسر خود به روی آوار قصر چهلستون جهان نما قصر بدون چهلستون آباد کرد و نامش را از جهان نما به چهلستون تغییر داد. بخش غربی کوه هند کی به کوه چهلستون مسمی شد. عده هم گفته اند که چهلستون به نام پزشک امیر عبدالرحمن خان بود و از هر دو بناها در دامنه کوه هند کی در چار دهی کابل عکس برداری نموده بود.

عمارت بود بلند و رفیع و مشتعل بر چهار منزل و در یکی از اتاق های منزل چهارم سریر پادشاهی گذاشته شده بود، پوشش قصر به شکل گنبد بزرگ صورت گرفته بود؛ چنانچه آن را (کلاه فرنگی) می خواند و به (خود رستم دستان) تشبیه می کند. ملا فیض محمد کاتب (۱۸۶۲ - ۱۹۳۱ میلادی برابر به ۱۲۴۱ - ۱۳۱۰ خورشیدی برابر به ۱۲۷۸ - ۱۳۴۹ هجری قمری) محمد در کتاب خود سراج التواریخ چندین بار از هر دو قصر جهان نما، قصر جهان نما هند کی (سپس مشهور به قصر چهلستون در کابل) و قصر جهان نما تاجقرغان یا تاشقرغان می نویسد. به روایت وی یکی پدیا فریدریک رابرتس که لقب نجبای

احمدعلی کهزاد در پیوند به این کاخ از کلاه فرنگی به شکل خود رستم دستان خیابان، نهال های سبز... می نویسد. تخت رستم کابل که زادگاه مادر رستم داستان است و دیگر نام های اسطوره های باستانی آریانا (ایران زمین) با نام گذاری های مجدد عوض شدند. در باغ تخت رستم که سپس به باغ چهلستون مسمی شد تا به سال های ۱۹۹۲ میلادی جشن های باستانی و به ویژه نوروز تجلیل می شد. در تالار غار بزرگ کوه که به نام تخت رستم مشهور بود جای خانه و کبابی قرار داشت. به تماشاچیان در روزهای جشن و عید و روزهای آخر هفته یعنی دیگر یا پیشین (عصر بعد از ظهر) پنجشنبه و جمعه شیرینی و میوه و غذا و نوشابه و به ویژه چایینی پیشکش می شد.



▲ نمای داخلی باغ و قصر چهلستون

تاریخچه باغ چهلستون به روایت احمدعلی کهزاد
عالم گیر دوم برای دختر خود (گوهر بیگم یا زهره بیگم) و داماد خود (تیمور شاه درانی) بر فراز تپه ای از کوه هند کی ساخت که زمان شاه درانی، نواده احمدخان ابدالی (سپس درانی) در آن زنده گی می کرد. خانم تیمور شاه دخت عالم گیر دوم (۱۷۵۹-۱۸۰۶) از نواده بابر شاه بنیان گذار سلسله گورکانی هند بود. این قصر چهلستون داشت که با کلاه رستم داستان پوشیده بود. به کلاه رستم داستان خیابان عمارت کلاه فرنگی یا کوشک گفته می شود.

احمدعلی کهزاد در نیشته خود زیر عنوان بنای قصر چهلستون به سمت شرقی بالا حصار کابل سال ۱۲۱۰ هجری قمری را می نامد که چهلستون زمان شاهی



▲ ساحات تفریحی مردم



▲ محل کشت و گذار مردم

نگاه چند دانشجوی افغان تبار درباره تبعیض در کانادا

تبعیض، حسادت و تنگ‌نظری، عمل زشت، ناپسند و غیرانسانی است که همیشه در جوامع بشری بوده و است. چون از خودخواهی، جاه‌طلبی و نارسایی‌های افراد جامعه تبارز می‌کند. من ضمن صحبت‌هایی که با جوانان افغان طی سال‌های متمادی داشتم و بار دیگر از آنها در مورد تبعیض علیه دانشجویان پرسیده و نظرخواهی کردم، اینک تقدیم شما عزیزان «هفته» می‌کنم.

نظرات با هم شریک می‌شوند، یکی از دیگری می‌آموزد. آن چه ارزش دارد شنیدن حرف‌های دیگران است که باید بشنویم، گرچه نظر مخالف هم باشد. فرقی نمی‌کند از آن هم می‌توان برداشتی داشته باشیم. شرط آن است که به شخص احترام شود. در این جا آموختم که یهود، هندو، نصارا و مسلمان را نخست به نظر یک انسان ببینم، چون حرمت انسانی بالاتر از همه چیزهاست. این جا به عقیده و ایمان همه ارج می‌گذارند و قدر می‌کنند.

مونترال است. ۶ یا ۷ یونیورسیتی، ده‌ها کالج و مراکز آموزشی دارد که می‌توان آن را شهر محصلین خواند، زیرا همه‌ی جوانان را جهت تربیت سالم و مثبت در آغوش خود جا داده است.

او شیوه‌ی برخورد مردم مونترال با دیگران را چنین ارزیابی می‌کند: «در محیط کار، همکارانم به وجه احسن برخورد می‌کنند. در شروع کار از من پذیرایی خوب و همکاری صمیمانه کردند. گرچه تعصب و حسادت در همه جا هست، خوشبختانه اشخاص متعصب آن قدر رول مهم در جامعه ندارند که بالای ما اثر داشته باشند. آن چه در مونترال می‌بینیم اتحاد، اتفاق و صمیمیت بعضی ملیت‌های مهاجر بین خودشان است؛ بدین معنا که ملیت‌هایی که فرهنگ و نژاد مشترک دارند. مثل یهودی‌ها، فلپینی‌ها، ویتنامی‌ها، چینی‌ها، ایتالیایی‌ها، یونانی‌ها و... همیشه دور هم هستند. امیدوارم همین پروسه عام شود و گسترش یابد.»

خالد درباره‌ی جامعه‌ی کانادا می‌گوید: جامعه‌ی کانادا خوبی‌های زیاد دارد. گرچه نظرات و اندیشه‌های نژادپرستانه در همه‌جاست اما باز هم طرز دید و اندیشه‌های مردم در مقابل مهاجرین بازر است. کانادا می‌خواهد جامعه کثیرالملیت داشته باشد. انسان‌های روشن‌فکر و فعال را قدر می‌دهند. جای و فرصت‌های مؤثر برایشان وجود دارد. حق بیمه، تحصیل، کار، انتخاب و شهروند شدن میسر است. واقعاً جامعه‌ی انسانی دارد.

حرمت انسانی مهم‌تر از عقیده
«محمود غفاری» تکنولوژیست رادیولوژی در مونترال از جریان تحصیلاتش در یونیورسیتی در فضای چندفرهنگی به‌خاطر تفاوت‌های فرهنگی چنین می‌گوید: با آمدن به کانادا در اجتماع بزرگی چندفرهنگی وارد شدم. در این جامعه از هر گروه برای تحصیل می‌آیند. تماس با مردم خودبه‌خود آموزش بود. در دانشگاه کسانی جمع می‌شوند که فکر آزاد دارند،

فرهنگ‌های متفاوت مواجه شده، برداشتی که از آنها دارد چنین است:

«به‌راستی که تفاوت‌های فرهنگی در داخل یونیورسیتی زیاد بود. در فرانسه بیشتر از کشورهای آفریقای شمالی، چین و کشورهای عربی جهت تحصیل آمده بودند. مردم از سراسر جهان سعی می‌کردند فرهنگ و کلتور خود را مخلوط بسازند، هیچ‌گاه دور از هم نمی‌بودند و فاصله نمی‌گرفتند. فکر آزاد داشتند، کمتر رقابت می‌کردند اما بیشتر کمک و همدردی. هر کس می‌کوشید تا دیگران را به‌طرف خود جلب و جذب کند. فرهنگ خود را رشد می‌دادند. اما در کبک این امر کم‌رنگ‌تر است. مونترال از نظر فرهنگی شهر ثروتمندی است. بودن فرهنگ‌های مختلف، همه را جلب می‌کند. نسبت به شهرهای که تاکنون دیده‌ام محیط فرهنگی خوشایند دارد. کاربایی نسبت به دیگر شهرهای کانادا بیشتر است و از جهت دیگر بهترین و مساعدترین جا برای کسب تحصیل



تفاوت کبک با فرانسه

«خسرو نعیمی» تحلیل‌گر ارشد مالی در شهر لاوال که لیسانسش را در رشته‌ی اقتصاد و ماستری خویش را در بخش مالی از کشور فرانسه به دست آورده، سال ۲۰۱۳ از فرانسه برای ادامه تحصیل به ولایت کبک آمد. او ماستری دومش را از کبک گرفت. در سال ۲۰۱۵ در یک شرکت تولید ادویه و آلات طبی در بخش مالی آن به حیث تحلیل‌گر ارشد مالی ایفای وظیفه می‌کند. او با

جامعه‌ای انسانی

«خالد شاهد» مدرک ماستری‌اش را از کشور قرقیزستان در پروگرام «مدیریت اقتصاد و توسعه» به دست آورده است. مونترال را جهت اقامت برگزید و درین شهر مصروف کار شد. چهار- پنج سال کار مناسب، درست و حسابی نداشت. سعی می‌کرد در رشته تخصصی‌اش کار پیدا کند اما موفق نمی‌شد. برایش سنگین بود. بعد از چندی توانست در اواسط سال ۲۰۱۹ در مدیریت بازاریابی کار پیدا کند، فعلاً مصروف آن است.



ویرانه‌های بلخ



نمایی از بقایای اضمحلتی معبد نوبهار بلخ

«میرسی ایلپاد» در شرح ادیان مردمان جهان نوشته که آسیای میانه از بلخ تا بخارا سرزمین پرورش تعلیمات چمانی بوده است. من درین مورد مضمونی زیر نام کیش چمانی (شمینزم) نوشته‌ام و در مضمون دیگری زیر نام علاج گران سنتی آسیای میانه به ذکر شان پرداخته‌ام.

عبادت گاه بلخ که بعدها (از زردشت یا «زرتشت» به بعد) به نام نوبهار نامیده شد، جای و جایگاه بت‌های بت‌پرستان بود و بت‌خانه را بهار یا بهار می‌گفتند. امروز هم بهار یک نام دیگر بت‌خانه است، در هند امروزی هم بهار بت‌خانه معنی می‌دهد. مردمان درین محل می‌رفتند و با آواز خوانی‌ها به عبادت می‌پرداختند آواز خوانی‌ها، در شروع بی ساز و بعدها همراه با ساز دو تار رایج شد. به این ساز و آواز هم بهاری می‌گفتند. در وصف راگ بهار گفته شده که این عطری ست از یک باغ آراسته. این همه بت‌ها و بت‌خانه چی شد؟

در انسان شناسی آمده که فکر انسان در ارتقا است. حوادث روزگار آن را کند یا تسریع می‌کند اما از ارتقا باز نمی‌ماند. همین بود که یک تعلیم چمانی دیگری از شمالی‌ترین قسمت‌های آسیای میانه از سرزمین یاقوت‌ها (ژکت یا یکت) انتشار پیدا کرد و به مردمان ابلاغ شد، که بت‌های دست‌ساخته خود انسان‌ها نمی‌تواند بر مردمان و بر جهان سرنوشت‌ساز باشد، این‌ها تعلیم خداپرستی را پخش کردند. بت‌های جواگویی فکر سابق متروک شد. اما در فکر جدید گفته شد که برای رسیدگی هر معامله زمینی، در آسمان خدایی هست، زمستان خدای برای خود دارد و گرما خدای خود را دارد، باد و باران و طوفان هم به تدبیر خدای خود است برای یک مدتی که دیر دوام نکرد این کثرت در سلیقه خداها حکم‌فرما بود در مضمون حماسه نوروژ از آن چیزی گفته‌ام. بعدها فکر خدای یگانه به میان آمد و به قرار تحقیق «میرسی ایلپاد» هفت هزار سال از این جا فکر یکتاپرستی می‌گذرد گویا برای زردشتت فکر یکتاپرستی بیگانه نبود آئین خود را با این فکر ایجاد کرد و عبادت‌گاه بهار را تر نکرد و با ایجاد یک درشکوه‌مند و یک آتشکده رو به روی این در به آن چهره نو و مرغوب بخشید این همان ناوا و یبارا، یا نو بهار بلخ است.

بهار فصل شکوفایی یا بت‌خانه بت‌پرستان؟

دوستان نوای نیستان در مورد بهار گفتنی‌ها دارند و این مطلبی ست که برایش هر چی گفته شود هنوز کم است. این بهار خوشگوار در عین زمان یک لغت هم است و مثل هر لغت به خود تاریخ دارد، من در مورد تاریخ دیرین لغت بهار از دید دانشی به نام اتنو لنگویستیک (زبان‌شناسی در اتکاء به مشخصات نژادی - فرهنگی) که یک گوشه خاص انسان‌شناسی ست و من بسیار آغشته به آنم گفتنی‌ها دارم.

در مورد لغت بهار در هر مدرک شرح لغت (فرهنگنامه) که دیده شود همه به سهولت و یکسان می‌گویند که بهار فصل اول سال است. گویا همه در انداز زمانی لغت اشاره می‌کنند. درین بُعد زمانی، لغت بهار، عمر بسیار طولانی ندارد. من در مضمونم زیر نام حماسه نوروژ به شرح آن پرداخته‌ام. در حالی که لغت بهار در انداز مکانی آن تاریخ بسیار دیرینه دارد.

عبادت‌گاه نو بهار بلخ (ناوا بهارا یا ناوا پهارا) را حمید نوید در شرح گوارا نوشته و هم حبیب عثمان در شرح بلخ دیرینه از زمان آره‌گان که شروع لغت آریائی ست گرفته تا آمدن‌های پیهم و سلسله وار شاهان به خوبی نگاشته است. اما لغت بهار ازین‌ها هم دیرینه تر است.

به تاریخ یازدهم اپریل سال ۲۰۲۱ میلادی، نوای نیستان به مناسبت فرا رسیدن فصل بهار و نوروژ سال ۱۴۰۰ خورشیدی برنامه ادبی را روی پلتفرم زوم برگزار کرد که شامل سخنرانی‌ها، سرودن شعر و موسیقی بود.

سخنرانی داکتر کمال سید را در بخش از آن برنامه بود، که دلچسپ و درخور توجه است، تقدیم شما عزیزان می‌گردد.

حبیب عثمان

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی
514-624-5609 - 514-655-5609
bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت
حسین ترکپور، مددکار اجتماعی
www.psyna Quebec.com 514-846-8872



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca



آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8250boul. De'carie, Suit 150, Montreal, QC H4P 2P5

Artistic Men Haircut by Sirous



متخصص

مدلهای هنری
برای آقایان

514-240 1493

Growing
RESPs securely.

(514) 778-7377

Morvarid.Memarianpour@kff-pfs.ca
www.knowledgefirstfinancial.ca

مشاور تخصصی حساب پس انداز تحصیلی کودکان

(کبک و انتاریو)



Morvarid Memarian
Knowledge first financial Inc.
sales representative

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفتر داری

- ◀ امور دفتر داری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT

Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com



داروخانه، دکتر گل نسیم ریاحی
اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



خانواده و سرگرمی

خانواده و سرگرمی

خانواده و سرگرمی

www.hafteh.ca

هفته
www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal
@Journal_Hafteh @HaftehWeekly

8	4	1	2				
	3		8			6	1
		5		3	4	8	9
	9	8	4				
3	6						1 2
					1	3	8
4		6	3	5		2	
7		3			6		5
					2	1	6 3

نرمال

	6		3				1
		1		5			3
2					1	8	7
		9					5 1
7		2				6	4
6	4					2	
	9	8	4				7
4				2		1	
	2				8		9

متوسط

		5	8		6		2
			1	7			
	1		4				9
2			7				1
6	7						2 5
	9				1		4
	8				7		3
				1	3		
3			6		4	2	

سخت

	8			1	2	9	
			5				
	5	7	3				
	2					7	
7		6		3		8	5
		1					2
						9	3 7
					8		
		5	4	2			9

خیلی سخت

مهسا عباس پور

تابستان فصل میوه‌های خوشمزه و رنگی است و اکثر خانم‌ها از این فرصت برای درست کردن مربا و شربت از این میوه‌ها استفاده می‌کنند. مربا آلبالو یکی از مرباهای خوشمزه تابستانی است که اغلب جهت وعده صبحانه در سفره ایرانی به چشم می‌خورد. با رعایت چند فوت‌وفن کوچک، شما می‌توانید مربایی خوش‌رنگ و بدون شکرک را آماده کنید.



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

مربا آلبالو



طرز تهیه:

مواد لازم:

آلبالوها را شسته، از هسته جدا کنید و شکر را لابه‌لای آن ریخته و به مدت ۱۰ تا ۱۲ ساعت در یخچال قرار دهید تا کاملاً آب بیندازد. برای پخت مربا بهتر است از ظروف لعابی یا تفلون استفاده کنید. مخلوط آلبالو و شکر را داخل ظرف لعابی یا تفلون ریخته و روی حرارت متوسط قرار دهید. در حین پخت مربا حتما کف روی آن را بگیرید. گرفتن کف مربا باعث می‌شود تا در آخر شما بعد از پخت، مربای خوش‌رنگی داشته باشید و از تیره شدن رنگ شربت مربا جلوگیری می‌کند. زمانی که شربت مربا قوام آمد، مربا شما آماده است. در این مرحله جوهر لیمو را به مربا اضافه کرده و بعد از چند جوش زدن، شعله را خاموش کنید. جوهر لیمو در دستور تهیه مربا، مانع از شکرک زدن مربا می‌شود. پس از خنک شدن مربا، آن را به ظرف موردنظر منتقل کرده و درب آن را محکم ببندید تا هوا نکشد. و در محیط یخچال نگهداری کنید. نوش جان؛

۱. آلبالو ۱ کیلو
۲. شکر سفید ۱ کیلو
۳. جوهر لیمو نصف قاشق چایخوری

نکته مثبت هفته

بیای زندگی کنیم؛ خورشید دوباره طلوع نمی‌کند، ما هم دوباره به دنیا نمی‌آییم. هر چه زودتر به آنچه از زندگی باقی مانده بچسب!

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با اعداد ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.



جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۱۵ تا ۲۱ ژوئیه / ۲۴ تا ۳۰ تیر

ترجمه:
خاطره تحویل داری یکتا



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

این هفته در رابطه با خانه، خانواده و شاید والدین زمان عجیبی است. بیشتر هفته به تغییر دکوراسیون و زیبا کردن خانه مشغول شده و از تفریح در خانه لذت می‌برید. روابط خانوادگی بسیار شاد و مثبت و سخاوتمندانه است. با این وجود اتفاقاتی در راه است و در آخر هفته نزاع بر سر قدرت و کارهای نامناسب و اشتباه نظم را برهم می‌زند. خنده‌ها جای خود را به فشار دادن دندان‌ها و خشم می‌دهند.



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

آرام و پشت صحنه عمل می‌کنید. برخلاف دیگران، شما از عقب نشینی عطا رد به نفع خود استفاده کرده و با بررسی مسائل گذشته به دنبال راه حل‌ها و جواب‌ها هستید. در اوایل هفته به دلیل رقص ژوپیترا با ونوس در موقعیت شما، از تعاملات اجتماعی احساس رضایت می‌کنید. اکنون زمان ارتباطات اجتماعی و تعطیلات است. با این وجود ممکنست در روز شنبه با همسر یا یک دوست نزدیک به نزاع جدی بر سر قدرت بپردازید.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

این هفته زمان تضادهاست. از آخر هفته تا روز پنجشنبه روابط شما با دیگران شگفت‌انگیز است! از محیط اطراف خود لذت می‌برید. در حقیقت محیط اطراف و روابط با دیگران برایتان لذت بخش هستند. اما در آخر هفته ناگهان اتفاقی خواهد افتاد که شما را در مقابل دیگران قرار می‌دهد. این مقابله خوب نیست و شما خوشحال نخواهید بود. بهتر است از مناطق مخاطره‌انگیز یا همسایگان خشن پرهیز کنید. ایمن بودن بهتر از پشیمانی است.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

این هفته برای شما زمان محبوبیت است. دیگران، خصوصا جوان تر ها، به دنبال صحبت و نظرخواهی با شما هستند. به طور کلی خوشحال هستید، چرا که از خود و زندگی احساس رضایت می‌کنید. شاید هم به نوعی تجلی خود را نشان دهید. با این وجود در آخر هفته مطلبی مبهم شما را به نزاع جدی بر سر قدرت وامی دارد. بهترین توصیه آنست که طوری عمل نکنید که پشیمان شوید. تجربیات آینده از عملکرد امروز شما شکل می‌گیرند.



متولدین خرداد (۲۱ مه - ۲۱ ژوئن)

این زمان به نوعی برای شما زمان قدرت است، زیرا خورشید با حضور در موقعیت شما، انرژی‌تان را بالا برده و افراد و شرایط مطلوب را جذب شما می‌کند. در این میان عقب‌نشینی عطا رد هم در موقعیت شما، همسر قبلی یا دوستان قدیمی را به صحنه آورده و اشتباهات بی‌معنی را هم به دنبال دارد. البته این تضادها بر درآمد شما هم تاثیر دارد. این هفته درآمد خود را افزایش می‌دهید اما در عین حال در روز شنبه نزاع بر سر اموال مشترک خواهید داشت.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

به دلیل حضور خورشید در بالای موقعیت شما، در نظر دیگران عالی به نظر می‌رسید! این حالت فقط یک بار در سال اتفاق افتاده و مدت آن چهار هفته خواهد بود. از آن به خوبی استفاده کنید. اکنون زمان آنست که آنچه را می‌خواهید، تقاضا کنید! با این وجود در آخر هفته با دوستی یا فردی از اعضاء گروه به نزاعی جدی می‌پردازید. به طور کلی باید بگوییم اولتیماتوم به دیگران راه درستی نیست و بهتر است راهی را انتخاب کنید که نتیجه آن برد دو طرف باشد.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه
مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر – ۱۹ ژانویه)



این هفته شور و حال کار دارید و تمام تمرکز شما بر آنست که بتوانید تا حد امکان آنها را به انجام برسانید، زیرا بدین ترتیب احساس رضایت می‌کنید. روابط با نزدیکان بهتر و بهتر می‌شود اما در اواخر هفته با همسر و یا یک دوست نزدیک دچار مشکل می‌شوید. اساسا باید بگویم جدالی خواهید داشت بر سر قدرت و این بدان معناست که باید یک قدم عقب تر رفته و فضای بیشتری به طرف مقابل بدهید. خواسته شما خوشحالی است نه عصبانیت.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه – ۱۸ فوریه)



این هفته سراسر شادی و بازی است! از هر فرصت برای فعالیت‌های ورزشی، ارتباطات اجتماعی و تفریح با بچه‌ها استفاده کرده و استعدادهای خلاق خود را ابراز می‌کنید. همه شما با همکاران روابط بسیار خوبی خواهید داشت. از طرفی هم کاملا احساس سلامتی می‌کنید. در آخر هفته نوعی سردرگمی در رابطه با بچه‌ها و یا حادثه ای اجتماعی منجر به جدالی بر سر قدرت خواهد شد که بر سلامت شما یا روابط با یک همکار تاثیر می‌گذارد.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه – ۲۰ مارس)



خانه و خانواده این هفته تمام تمرکز شما را جلب می‌کند. به تعمیرات در خانه پرداخته و با اعضای خانواده در مورد آن صحبت می‌کنید. بسیاری از شما بیش از همیشه درگیر یکی از والدین هستید. این هفته از نظر فعالیت‌های هنری و تفریح با بچه‌ها زمان بسیار خوبی است. نوعی سوء تفاهم با یکی از اعضای خانواده ممکنست منجر به بحث‌هایی شود. این مشکلات با دیگران مستلزم سیاست، حس همدردی و درک نوع بشر است. موفق باشید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر – ۲۲ اکتبر)



اشتیاق شما برای سفر تغییر کرده و در مقابل فرصت یادگیری مطالب جدید در این هفته همچنان زیاد است. ممکنست با افرادی ملاقات کنید که متفاوت هستند و مطالب جدیدی از آنها بیاموزید. روابط با روسا و والدین در این هفته بسیار عالی است. در حقیقت به نوعی در نظر همه خوب هستید. با این وجود در روز شنبه شرایط عوض می‌شود و بحث و نزاع با یکی از اعضای خانواده بر سر قدرت خواهید داشت. تمام تلاش خود را برای حفظ آرامش به کار گیرید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر – ۲۱ نوامبر)



اخیرا از انرژی زیادی برخوردار هستید که برخی از شما آن را بر اموال مشترک، مالیات، بدهی و مسائل مشابه متمرکز کرده اید. برخی دیگر هم این انرژی را صرف ارتباطات همچنان انگیز می‌کنید. این هفته فرصت بسیار خوبی برای سفر به وادی چاپ، مطبوعات، حقوق، پزشکی و حتی تحصیلات عالی خواهد داشت. روابط با همه خوبست اما در آخر هفته بحث‌هایی در مورد تفاوت‌های ایدئولوژیک، سیاسی و قومی خواهید داشت. از افراد در دسرساز فاصله بگیرید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر – ۲۱ دسامبر)



تمرکزتان بر روابط نزدیک بسیار زیادست و چیزی که این هفته شما را خوشحال می‌کند، هدایا و الطاف دیگران به شماست. حتی ممکنست پول هم دریافت کنید. اکنون زمان بسیار خوبی برای صحبت در مورد معاملات مالی و یا نحوه تقسیم ارثیه است. متاسفانه در آخر هفته همه چیز در جهت معکوس پیش رفته و با فردی به مشاجره در مورد پول، دارایی و املاک می‌پردازید. به عبارت دیگر از بسیار خوب به بسیار بد می‌روید! این غیر طبیعی نیست.

آرش شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی شما



برای خرید خانه رویایی خود
روی "تجربه ما" حساب کنید

۰۵۱۴-۷۳۰ ۳۹۰۹

Instagram/Shakourz

شعر هفته

این می‌کنم آن می‌کنم

گر به شورا راه یابد پای من
هر چه ویرانی است، عمران می‌کنم
مشکلات شهرتان را رتق و فتق
پشت میز و پشت فرمان می‌کنم
تا کش آید پوز اعضای اوپک
نفت را فی الفور ارزان می‌کنم
کوچه‌ها را می‌کنم هر شب گشاد
هر چه بن‌بست است، دالان می‌کنم
شاعران شهر را در خانه‌ام
هفته‌ای یک‌بار مهمان می‌کنم
کارگردان‌های با احساس را
می‌برم مهمان مامان می‌کنم
هر چه بیمار است، تسکین می‌دهم
هر چه معتاد است، درمان می‌کنم
تا که پر رونق شود گردشگری
اصفهان را ارمنستان می‌کنم
شهرداری را همه رایانه‌ای
کارها را سهل و آسان می‌کنم
تا که کار خلق فوراً حل شود،
کارمندان را دوچندان می‌کنم
هفته‌ای یک‌شب کلیسا می‌روم
ارمنی‌ها را مسلمان می‌کنم
گر رقیبانم به من فرصت دهند
چاره کمبود سیمان می‌کنم
می‌کنم هی کارهای خوب خوب
دشمنانم را پشیمان می‌کنم
می‌فروشم کل اسرائیل را
پول آن را خرج لبنان می‌کنم
مردها را می‌کنم ساماندهی
شهرتان را باغ رضوان می‌کنم

منبع: (هی شعر تراغیزد، سعید بیابانکی، مشهد: سپیده‌آوران، ۱۳۹۷). قسمتی از شعر «این می‌کنم، آن می‌کنم»

بدتر از طاعون برای تو که نان دارد!

حکایت هفته

بدتر از طاعون

سید ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی از جمله معدود صدراعظم‌ان عهد قاجار بوده است که توانسته با اقدامات و خدمات فراوانش نام نیک و آبرویی درخور برای خویش در تاریخ باقی گذارد. از آنجایی که هر مرد نیک و دولت‌مرد صادقی در هر عهد و زمانه‌ای باید از جانب سربلندی انسان کوتاه‌بین و عقده‌ای مورد آزاد و اذیت قرار گیرد و زیر فشارهای گاه و بیگاه ایشان روزگار بگذراند، قائم‌مقام نیز در طول مدت اندک صدارتش با کارشکنی‌ها و بحران‌سازی‌های عدیده‌ای از سوی مخالفین و معاندینش مواجه بوده است.

پادشاهان ساده‌لوح، زودباور و خنگ قاجاری همواره در معرض القانات، تلقینات و تحریکات نزدیکان و زیردستان فرصت‌طلب و سوءاستفاده‌گر خویش بوده‌اند تا آنجا که محمدشاه قاجار مقهور قدرت کینه‌ورزی دشمنان و دسیسه‌چینی مخالفین قائم‌مقام می‌شود و نهایتاً او را ناکام و نامراد به‌جانب دیار باقی رهسپار می‌نماید. پس از قتل قائم‌مقام فراهانی تا مدت‌ها دشمنان قسم‌خورده‌اش به جشن و پای‌کوبی پرداختند و شاه را بابت این اقدام به‌موقع و به‌جایش مورد ستایش و تمجید قرار دادند. به عنوان نمونه این نقل‌قول از سوی میرزا مهدی امام جمعه‌ی وقت تهران است که گفته بود: «بالاخره به لطف پروردگار و به واسطه‌ی شاه بافراست و مدیرمان از دست این «بدتر از طاعون» خلاص شدیم! الحمدلله ...»

برای تو که نان دارد!

می‌گویند حاجی میرزا آقاسی صدراعظم درویش‌مسلك و شیرین‌عقل محمدشاه قاجار علاقه و اشتیاق عجیبی به حفر و گسترش قنات در کشور داشته است. از این رو دستور می‌دهد تا دسته‌ای عمله و چاه‌کن فراهم آیند و تا می‌توانند به کندن قنات مشغول شوند. روزی از روزها به هنگام بازدید میدانی از پروژه‌های در دست حفر از یکی از سرکارگران می‌پرسد که: «وضعیت چگونه است؟! گویا هنوز به آب نرسیده‌اید.» کارگر بی‌نوا، زار و پریشان پاسخ می‌دهد: «آب چه؟! آب کجا بود قربان! جسارتاً هرچه می‌کنیم خاک و سنگ است و خبری از آب نیست!» حاجی میرزا آقاسی نیز قیافه‌ای حق‌به‌جانب به خود می‌گیرد و می‌گوید: «مرد حسابی! برای من آب ندارد، برای تو که نان دارد! بکن و این همه زاری نکن! خوب بود الآن بی‌کار و علاف در خیابان‌ها ولی می‌گشتی؟! بکن و بگذار تا آمارم درست از آب درآید!»

منبع: (نان داغ، کباب داغ، رضا بهرام‌پور. تهران: نشر قطره، ۱۳۹۷)

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- 😊 دولت ارمنستان طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد در تامین واکسن برای اتباع ایرانی هیچ مشکلی ندارد و تنها با کمبود آجود در کشور مواجه شده‌اند. لذا از کشورهای همسایه تقاضای کمک نموده است.
- 😊 از اونجا که غیبت کردن حرامه و پشت سر مردم نباید حرف زد نتیجه می‌گیریم ... درس تاریخ حرام است و خواندن آن گناه دارد ... این قدر پخش کنید تا رئیس آموزش و پرورش ببیند ما چه نخبه‌هایی هستیم.
- 😊 امروز با سروصدای مامان و بابام از خواب پریدم رفته بیرون می‌پرسم چی شده؟ ... بابام میگه من دیشب خواب دیدم یه زن دیگه گرفتم واسه مامانت تعریف کردم ... اونم گیر داده باید همین الآن بخوابی و طلاقش بدی!
- 😊 سهراب سپهری مثل مادر من بوده هی غر می‌زده ... از هر جا رد می‌شده غر می‌زده ... آب را گل نکنید، رو دیوار مردم فحش ننویسید، جورابتون رو نندازید رو اوپن!
- 😊 به خدا ما از رئیس‌جمهور جدید چیزی نمی‌خواهیم ... همین که ماهی یه منظره با هم بذارن شاد شیم واسمون کافیه!
- 😊 دل نوشته دخترای دم‌بخت: ... آهای اونایی که تو بچگی لپ ما رو می‌کشیدید می‌گفتید: عروس خودمی. حالا دقیقاً کجا تشریف دارید؟ ... هم‌اکنون نیازمند یاری سبزتان هستیم.

نکته هفته

سواد حاصل خواندن زیاد نیست، بلکه حاصل تعمق و تفکر در آن چیزی است که خواننده شد.

نقل قول هفته

اشو: سؤال واقعی این نیست که آیا زندگی بعد مرگ وجود دارد! سؤال واقعی این است که آیا قبل از مرگ زندگی کرده‌ای؟!

ضرب‌المثل هفته

پارسی: هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت. (حافظ شیراز)
اسپانیولی: آغاز درمان، تشخیص بیماری است.

صرافی افرا
 با مدیریت افرا مصطفایی
 کارتخوان ایران

انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)
 تضمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا
 جنب مترو اتواتر
514-576-3830
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه تر به ایران

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه
514 585 2345 | 514 846 0221
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

صرافی آشنا

خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی
 خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی

ASINA EXCHANGE
Office: 514 - 560 - 7085
Cell: 514 - 462 - 5185
 4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

UNIQUE Inspection Inc.
 Certified Home Inspectors

INTERNACHI QUEBEC
 C.P.I.

(438) 494-5580
 uniqueinspectioninc@gmail.com

مهندس
فرزام عندلیب
بازرس فنی ساختمان
Civil Engineer

InterNACHI Certified Professional Inspector (CPI)
 InterNACHI Quebec membership number # 19111203

خرید خانه شاید مهم ترین سرمایه گذاری زندگی شما باشد
 پس ارزش آن را دارد که قبل از خرید مورد بهترین بازرسی قرار گیرد

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف

توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم
www.sharifexchange.ca
Tel: (514) 223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

تعمیرات و نوسازی ساختمان
 مسکونی و تجاری
Ben Reno RBQ License

- کاشیکاری و سنگ کاری
- نصب کفپوش و پارکت
- تعمیرات و نوسازی حمام
- نرده چوبی
- کابینت و تجهیزات آشپزخانه
- بالکن (Deck)
- نصب در و پنجره
- نقاشی

(514) 441 4295
 facebook: Ben Reno
 benrenovation4295@gmail.com

الهام گرامی
 دکترای روانشناسی

مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
 مشاوره خانواده و زوج
 مدرس مهارت های زندگی، مهارت های فرزند پروری
 مدرس مهارت های زناشویی

(514) 431 2826
Consultant & Life Coach

عضو هیئت مشاورین و روانکاران کانادا
 دارای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
 (شماره نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

VANTAGE
 REAL ESTATE BROKER

آتوسا تنگستانی فر
همراه با شما در خرید آگهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:
 تهیه فوری وام مسکن
 مشاوره برای فروش مسکن
 کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041
 atosa.tfar@gmail.com
 8250boul. De'carie, Suit 150, Montreal, QC H4P 2P5

کلیه خدمات عکاسی و فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی

STUDIO PHOTOBOOK
(514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

Deal Properties
شبم نبی‌پور
 مشاور املاک

✓ مشاوره و ارزیابی رایگان به صورت تلفنی و حضوری
 ✓ خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید
 ✓ اخذ وام بانکی یا بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردها

613-709-9070

OFFICE: 613-366-1713
 WWW.SHABBYNABIPOUR.COM
 E-MAIL: SHABBY@IDEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabi
 Sales Representative

MEHDI FALLAHI
 REALTOR

تمام مشتریان من
 تبدیل به دوستان
 صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
 نیز خدمت کنم.
 ۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

ROYAL LEPAGE
 MASTER SALES
 AWARD 2023

ROYAL LEPAGE
 Team Realty

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
 ۶۱۳۵۹۴۳۶۳۶
 508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
 ۶۱۳۵۶۳۱۲۰۷
 725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
 ۶۱۳۸۹۷۶۶۶۶
 355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
 ۶۱۳۶۹۵۲۲۲۱
 129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

محل جدید پخش هفته در اتاوا

افغان کباب اکسپرس
 ۶۱۳۵۹۳۸۸۸۰
 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
 www.hafteh.ca info@hafteh.ca

www.ravadid.ca
info@ravadid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
 اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
 سرمایه گذاری و کار آفرینی
 خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
 اکسپرس انتری
 ویزای توریستی
 تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
 اسپانسرشیپ همسر والدین
 خدمات اسکان اولیه
 و ...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:
 Free Tell & fax:
 1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی
 +1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
 +1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715

16: Histoire de couverture

Une entrevue avec l'une des figures les plus influentes de la communauté iranienne à Toronto

Ahmad Tabrizi, fondateur de la Fondation Parya Trillium:

Il y a beaucoup de travail à faire, nous devons travailler ensemble

■ Arash Mohebi et Azar Faramarzi



Cover
NO.640

- 43 Interview:** Farangis Shakiba
Le vice-président Jahangiri est responsable de la mort de deux journalistes, il doit être jugé
Une interview révélatrice et exclusive de Zeinab Rahimi



43



- 35 Introduction du livre:** Yassaman Hassani
Le Choc de Carnac par Sophie Marvaud



35



54

- 54 Economie:** Armin Aryanpour
Les mesures d'austérité de l'Autorité canadienne des hypothèques sont un effort infructueux



36



63

- 36 Littérature:** Mirmohammad Abedi
Poèmes sur Ghazni, une cité antique aux mains des talibans

- 63 Afghanistan:** Nargiz Hashimi
Balade dans le Chelsotoon Park, souvenirs d'un voyage à Kaboul

Publication: Journal Hefteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

15 juillet 2021, numéro 640
15 July 2021, issue Nr. 640

Hefteh will not be published on the following dates during 2021:

January 7th
March 25th
July 8th
October 14th

(514) 834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 Hefteh

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Photographe: Mahnaz Zangirzani
Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Politique: Farangis Shakiba
Littérature: Farshid Sadatsharifi (PhD)
Psychologie: Dr Elham Gerami
Economie: Armin Aryanpour
Immigration: Masoumeh Alimohammadi
Cinema: Mostafa Azizi
Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi
Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,
Habib Osman et Abdolhadi Tapand
Actualité Communauté: Negin Parvarandeh



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



PERMONT

Entrepreneurs généraux - General contractors Inc.

قیم مدیریت با بیش از ۳۰ سال سابقه اجرا در کانادا

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6
RBQ # 5639-5874-01

B | L | V | D
BOULEVARD
REAL ESTATE INC. REAL ESTATE BROKER

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

سارا تاثیري

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

Sara Taassiri
Real Estate Broker

- همکاری با مشاوران دریافت وام مسکن
- شرایط استثنایی برای تازه واردین
- خدمات رایگان برای خریداران
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره تلفنی و حضوری

514-929-8425

taassiris@blvdimmobilier.com



شیرین شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی و تجاری شما

برای دسترسی به
پیش فروش‌های ویژه
روی "ارتباطات ما"
با سازنده‌های معتبر
حاج کنید



514-441-4189

Agence Immobilière
GROUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

A Donation Partner Of
DANS LARUE

84 années écoulées pour le bon service

ثبت نام دوره جوشکاری عمومی در اوپرون آغاز شد:

- Formation sur mesure en soudage général
- Durée : 240 heures
- Cours est offert en français et en anglais
- Début : le 20 septembre 2021
- Horaire : le soir de 16h 30 à 22h

- محل: در کارگاههای اوپرون
- نام دوره: جوشکاری عمومی
- طول دوره: ۲۴۰ ساعت
- زبان: انگلیسی یا فرانسه
- آغاز: ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱
- کلاس‌ها: شبانه (از ساعت ۱۶:۳۰ تا ساعت ۲۲)

Service de Placement Disponible



Pour plus d'informations:
www.avirontech.com/fr/general-welding

5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane

514.739.3010

www.avirontech.com



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 année écoulés pour le bon service

روایهای خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

دوره های آنلاین اوپرون آغاز شد

Programmes D.E.P 1800 heures:

- * Soudage-montage
- * جوشکاری و مونتاژ
- * Mécanique automobile
- * مکانیک اتومبیل
- * Dessin industriel
- * طراحی صنعتی
- * Électricité
- * برق کاری

• تئوری: به صورت آنلاین
• عملی: در موسسه و حضوری
• امتحانات: حضوری با رعایت پروتکل های بهداشتی

Service de Placement Disponible

- امکان دریافت وام و بورس
- مشاوره برای کارهایی ارائه می شود









5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

خرید و فروش تخصصی ملک
دسترسی ویژه به پیش خرید
در سراسر مونترال

دسترسی تضمینی به بهترین
مبلغ وام با کمترین سود بانکی

514-588-0609 ☎
MEDI.ANS.MTLBROKER 📱

www.mahdiansari.com

بسته خرید ویژه فقط برای پرستاران و پزشکان عزیز



MAHDI ANSARI - CANADA AWARDED BROKER 2019-2020